

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ره‌توشه راهیان نور

ویژه محرم الحرام ۱۴۳۱ ق / ۱۳۸۸ ش

« شرح زیارت وارث »

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیریت تدوین ره‌توشه راهیان نور

ره‌توشه‌ راهیان نور؛ ویژه‌ محرم‌الحرام ۱۴۳۱ق. = ۱۳۸۸ش (شرح زیارت وارث) / تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی، مدیریت تدوین ره‌توشه‌ راهیان نور. - قم؛ رشید، ۱۳۸۸. ۱۳۶ص. - (متون علمی - آموزشی ویژه‌ مبلغان؛ ۸۵)

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۶۷-۰: ۲۲۰۰۰ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.

۱. زیارت‌نامه‌ وارث - نقد و تفسیر. ۲. حسین بن علی ۷، امام سوم، ۴-۶۱ق. - زیارت‌نامه‌ها. ۳. زیارت‌نامه‌ها - نقد و تفسیر. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی. مدیریت تدوین ره‌توشه‌ راهیان نور. ب. عنوان: شرح زیارت وارث

۳۹۷/۹۵۳۴

BP ۴۱ / ۷۵ / ۹۲

۱۳۸۸

ره‌توشه‌ راهیان نور

ویژه‌ محرم‌الحرام ۱۴۳۰ق / ۱۳۸۷ش

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

مدیریت تدوین ره‌توشه‌ راهیان نور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آل‌البيت :

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۶۰۰۰

بها: ۲۲۰۰ تومان

تلفن: ۷۱۱۶۰ - ۰۲۵۱ - ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وب‌سایت‌های معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.balagh.ir

پست الکترونیک: info@balagh.ir-net

تمامی حقوق © محفوظ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran

امام خمینی 1 :

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستم‌کاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستم‌کاران تاریخ را به ما آموخت.

مقام معظم رهبری علیه السلام:

حقاً باید گفت که نه فقط ما انسان‌های خاکی حقیر و ناقابل، بلکه همه عوالم وجود، ارواح و اولیا و بزرگان و فرشتگان مقرب، محتاج پرتوی از نور اویند و در تمام عوالم تودرتوی وجود، که برای ما روشن و آشنا هم نیست، نور مبارک حسین بن علی 7 مثل خورشید می‌درخشد. اگر انسان خود را در پرتو این خورشید قرار دهد، این کار بسیار برجسته است.

فهرست مطالب

۷ فهرست مطالب
۱۳ پیش‌گفتار
۱۷ مقدمه
۲۰ ۱. زیارت وارث
۲۰ معنی زیارت :
۲۰ چرایی زیارت در مکتب اسلام :
۲۱ تشیع مکتب زیارت :
۲۲ کارکرد شناسی زیارت :
۲۲ زیارت حسینی، کانون زیارت‌های شیعه :
۲۳ مفهوم شناسی زیارات :
۲۴ زیارت وارث :
۲۶ نکته پایانی :
۲۶ ایده‌های داستانی:
۲۷ یک تذکر اعتقادی و کلامی:

- ۲۸ ۲. السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله
- ۲۸ روش شناسی معرفت وراثتی امام :
۲۹ واژه شناسی:
۳۰ معنی روایی و عرفانی سلام :
۳۱ الف) مقام آدم صفوة الله
۳۳ ب) حسین وارث آدم
۳۴ یک نکته :
۳۴ دامنۀ میراث داری :
۳۵ ج) سلام بر حسین، وارث آدم
۳۷ ایده‌های تربیتی :
۳۹ ۳. السلام عليك يا وارث نوح نبي الله
۳۹ الف) شخصیت قرآنی حضرت نوح
۴۱ ب) حسین وارث نوح :
۴۱ حسین وارث نوح بود :
۴۳ ج) سلام بر حسین، وارث نوح پیامبر
۴۴ ایده‌داستانی :
۴۵ ایده‌های تربیتی :
۴۶ ۴. السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله
۴۶ الف) شخصیت شناسی قرآنی مقام خلیل الله
۴۸ ب) حسین، وارث ابراهیم خلیل الله
۵۰ یادآوری :
۵۰ ج) سلام بر حسین وارث ابراهیم خلیل الله
۵۲ ایده‌های داستانی :

۵۳	۵. السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله
۵۳	الف : شخصیت قرآنی حضرت موسی
۵۴	ب. حسین وارث موسای کلیم
۵۵	ج) سلام بر حسین، وارث موسای کلیم
۵۷	ایده‌های داستانی :
۵۷	ایده‌های تربیتی :
۵۸	۶. السلام عليك يا وارث عيسى روح الله
۵۸	الف : شخصیت شناسی حضرت عیسی
۵۹	یادآوری :
۶۰	ویژگی‌های قرآنی حضرت عیسی :
۶۰	ب) حسین وارث عیسی روح الله
۶۳	ج) سلام بر حسین، وارث عیسی روح الله
۶۴	ایده‌های داستانی :
۶۵	۷. السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله
۶۵	الف : محمد، حبيب خداوند
۶۶	قرآن :
۶۶	روایات :
۶۸	ج) حسین وارث محمد حبيب الله
۶۹	ج) سلام بر حسین، وارث محمد حبيب خدا
۷۱	ایده‌های داستانی :
۷۱	ایده‌های تربیتی :
۷۲	۸. السلام عليك يا وارث امير المؤمنين
۷۲	الف) اميرالمؤمنين 7

- کار کرد کلامی - تاریخی لقب امیرالمؤمنین ۷۴
- (ب) حسین، وارث امیرالمؤمنین ۷۶
- (ج) سلام بر حسین، وارث امیرالمؤمنین ۷۷
۹. السلام عليك يا بن محمد المصطفى ۸۰
- (الف) حسین، ثمرة شجرة طيبة ۸۰
- (ب) سلام زائر به مقام بنوت امام ۸۲
- ایده‌های تربیتی : ۸۳
۱۰. السلام عليك يا ثارالله و ابن ثاره و الوتر الموتور ۸۴
- (الف) مفهوم شناسی واژه‌ها ۸۴
- الف-۱ : ثارالله ۸۴
- الف-۲) والوتر الموتور ۸۶
- (ب) تحلیل و تفسیر ثارالله و موتور و رابطه آنها ۸۷
- (ج) سر سلام بر ثارالله و موتور بودن امام ۸۸
- ایده‌های تربیتی : ۸۸
- ایده‌های مقتل : ۸۹
۱۱. اشهد انک قد اقامت الصلاة و آتیت الزکوة ۹۰
- (الف) شناسنامه و سیره رفتاری امام معصوم ۹۱
- نکته اول : نقش شریعت محوری در دین : ۹۱
- نکته دوم : مصادیق شریعت محوری امام حسین : ۹۳
- نکته سوم : دایره شریعت محوری است : ۹۴
- (ب) کارکرد شهادت زائر به شریعت محوری امام ۹۵
- یک ایده داستانی : ۹۶
- ایده مقتل : ۹۷

- ۹۸ ۱۲. فلعن الله امت قتلتك و.....
- ۹۸ الف) مفهوم شناسی واژگان.....
- ۱۰۲ جمع بندی و نتیجه گیری :.....
- ۱۰۳ ب) کار کرد شناسی لعن برای زائر.....
- ۱۰۴ تربیت لعن‌های زیارات حسینی.....
- ۱۰۵ ایده تربیتی :.....
- ۱۰۶ ایده مقتل :.....
- ۱۰۷ ۱۳. یا مولای یا ابا عبدالله.....
- ۱۰۷ الف) مفهوم شناسی و تحلیل واژگان.....
- ۱۰۷ الف-۱) یا مولای یا ابا عبدالله.....
- ۱۱۰ الف-۲) أشهد انک كنت نوراً فی الأصاب الشامخه.....
- ۱۱۱ ب) کار کرد تولی و شهادت زائر به مقام نوری امام.....
- ۱۱۲ یاد آوری :.....
- ۱۱۳ ایده‌های تربیتی :.....
- ۱۱۴ ایده مقتل :.....
- ۱۱۵ ۱۴. أشهد أنک من دعائم الدین.....
- ۱۱۶ الف) مفهوم شناسی واژگان.....
- ۱۱۶ الف-۱) نسبت شناسی امام با دین و ایمان.....
- ۱۱۷ الف-۲) اوصاف شناسی امام حسین.....
- ۱۱۸ الف-۳) امتداد امامت در نسل و ذریه امام حسین.....
- ۱۱۹ ب) چرایی و کارکرد شهادت زائر.....
- ۱۲۰ ایده‌های تربیتی :.....
- ۱۲۱ ایده مقتل :.....

۱۵. وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَرُسُلَهُ ۱۲۲
- ساختار شهادت دادن ۱۲۲
- ساختار شهادت داده شده‌ها : ۱۲۳
- بشرایع دینی : ۱۲۶
- بخواتیم عملی : ۱۲۶
- تحلیل و جمع بندی این فراز : ۱۲۶
- ایده‌های تربیتی : ۱۲۷
- ایده‌های مقتل : ۱۲۷
۱۶. صلوات الله علیکم و ۱۲۹
- الف) مفهوم شناسی واژه‌ها ۱۲۹
- واژه صلوات : ۱۲۹
- جسد و جسم : ۱۳۰
- ب) صلوات زائر و دامنه آن ۱۳۲
- ایده‌های تربیتی : ۱۳۳
- ایده‌های مقتل : ۱۳۴

پیش‌گفتار

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الأرواح التي حلت بفنائك

حماسه جاودان عاشورا پیوسته همچون مشعلی فروزان بر تارک تاریخ می‌درخشد و بر جان تشنگان حقیقت و ره‌پویان سعادت نورافشانی می‌کند. سالار شهیدان جهان، استراتژی مبارزه حق‌طلبانه خود را با خط سرخ شهادت، بر لوح زرین حیات انسانی به زیباترین صورت نگاشته تا همواره آزادگان، جوانمردان و عدالت‌خواهان، آن را سرلوحه عمل خویش قرار دهند. اگر گفته می‌شود: «شهید، قلب تاریخ است»، یعنی نوری است در ظلمت، فریادی است در سکوت و حرکتی است در سکون؛ حیات بخش و جنبش‌آفرین، حرکت‌زا و فرهنگ‌ساز.

بدین‌سان محرم هر سال، با شوری بیش‌تر به صحنه تاریخ پا می‌گذارد و همگان را به شنیدن پیام جاودانه خود فرا می‌خواند و به یک‌باره، همه ارزش‌های متعالی را در لابه‌لای حوادث بی‌بدیل جلوه‌گر می‌سازد. آری، مکتب شهادت به عنوان حضوری عاشقانه و پرفروغ در صحنه مبارزه حق و باطل، اصالتی جاودانه است و رسالت ما، معرفت و پافشاری و شکیبایی بر آن سنت حسنه الهی است.

انقلابی مقدس و اسوه‌ای بی‌نظیر

قیام‌های مقدس و بیژگی‌های بارزی دارند که نماد‌اعلای آن در نهضت عظیم کربلا دیده می‌شود، از جمله:

۱. انگیزه قیام، رضای خدا و گرایش‌های عالی انسانی همچون عدل،

آزادی، رفع ظلم و استبداد و برافراشتن پرچم توحید است، نه کسب جاه و مقام و ثروت؛

۲. در زمان پرظلمت و دهشت‌زا، همچون برقی می‌جهد و چون ستاره‌ای می‌درخشد.

۳. از منطق حقیقت‌خواهی در برابر منطق منفعت‌جویی برخوردار است:

G وَ يُؤْتِرُونَ لِي أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ^۱، G^۱ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ^۲.

۴. مبتنی بر بینش عمیق و بصیرت نافذ است: G وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ

رُشْدَهُ^۳، F^۳ یا دربارهٔ اصحاب کهف می‌خوانیم: G وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى^۴. F^۴ به

همین لحاظ برای حماسهٔ حسینی از جهات گوناگون نظیری نمی‌توان یافت؛ لذا گذر زمان آن را کهنه نمی‌سازد و بازگویی مکرر و مداوم آن، هرگز از طراوت و تازگی‌اش نمی‌کاهد و نخواهد کاست.

این نهضت از لحاظ رهبری، هدف، قدرت، علو، فداکاری، انسانیت، افراد حاضر، دشمنان و مقابله‌کنندگان، نحوهٔ شکل‌گیری، پیام و... ویژگی‌هایی بی‌بدیل دارد که شایسته است با نازک‌اندیشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد و از خرافه و پیرایه‌هایی که در طول زمان به آن بسته شده است، پیراسته گردد و در قالب اسوهٔ شایستهٔ انسانی برای همیشه و به ویژه اوضاع کنونی فراروی همگان باشد.

با کمال تأسف و علی‌رغم بزرگداشت نهضت کربلا، هنوز آن‌گونه که

۱. حشر، آیهٔ ۹.

۲. انسان، آیهٔ ۸.

۳. انبیا، آیهٔ ۵۱.

۴. کهف، آیهٔ ۱۳.

باید، به زوایای گوناگون این نهضت توجه کافی نشده است. باید با تأملی ژرف و در پرتو سخنان سید و سالار شهیدان و متون روایی - تاریخی به بازخوانی و تحلیل اهداف، ابعاد، آثار، عبرت‌ها و درس‌های نهضت پرفروغ عاشورا پرداخت و فلسفه عزاداری و پیام آن قیام الهی را در اوضاع کنونی امت اسلامی تبیین نمود.

حماسه کربلا، پیام‌هایی در گوش جان آدمیان زمزمه می‌کند و مسئولیت‌هایی را که در این دوران بر دوش آنان است یادآور می‌شود. باید به این نکته توجه نمود که نهضت حسینی، علت بقای اصل دین و فرهنگ اسلامی و جان‌مایه اتحاد و انسجام امت اسلامی است. معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی؛ با الهام از نهضت حسینی انقلاب رهایی‌بخش خود را آغاز کرد و شکوفه انقلاب اسلامی با همّت ستودنی ملت بزرگ ایران در محرم سال ۱۳۵۷ شکفت و در ۲۲ بهمن به بار نشست و پس از آن نیز همین فرهنگ عاشورایی درس‌آموز رشد معنوی و حماسی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس گشت؛ پس همگان باید ضمن بازشناسی و تأمل در فلسفه و ابعاد گوناگون این نهضت، رسالت سرخ حسینی را پی بگیرند و با استفاده از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله) مسئولیت خود را در اوضاع نابسامان جهان معاصر، در راستای تحقق اهداف آن حضرت فراموش نکنند.

مجموعه‌ای که پیش روی شماست، ره‌توشه ویژه ماه محرم درباره نهضت حسینی و حماسه همیشه جاوید عاشورا است که در قالبی نوین و شیوه‌ای جدید شامل ۷ جلد کتاب با موضوعات متنوع و هر یک در حجمی متناسب برای ماه محرم تقدیم شما عزیزان می‌گردد.

امیدواریم با مطالعه دقیق مجموعه و انتقال دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خویش (با تکمیل برگه نظرسنجی چاپ شده در آخر کتاب) ما را مورد محبت خود قرار داده و زمینه را برای تغییر و تحولی اساسی در شیوه ارائه

مجموعه ره‌توشه و نیز محتوای مناسب‌تر آن، فراهم سازید. خداوند بزرگ را می‌خوانیم و از او می‌خواهیم که فضلالی گرانقدر، روحانیون ارجمند، مبلغان گرامی و ذاکران گران‌مایه حسینی را در مسئولیت والا و خطیر پیام‌رسانی نهضت کربلا موفق بدارد و امت اسلامی را به ویژه در اوضاع کنونی، درس‌آموز مکتب سالار شهیدان قرار دهد تا نظام سلطه جهانی طمع اختلاف‌افکنی و خیال‌چپاول، حمله، تسلط و استعمار فرهنگی کشورهای اسلامی را در سر نپروراند و دریابد که در سراسر جهان، به ویژه در ایران اسلامی درس‌آموختگان مکتب «هیئات منّا الذّلة» هیچ‌گاه با هیاهو و تهدید و تطمیع از حقوق مسلم خود دست برنمی‌دارند و با عشق و شور و شهادت، آماده مواجهه با هر حرکت نابخردانه دشمن هستند. در این‌جا لازم است از تلاش‌های بی‌دریغ مجموعه محققان، نویسندگان و دست‌اندرکاران محترم تهیه و تدوین و چاپ و نشر این اثر ارزشمند به ویژه حجة‌الاسلام والمسلمین آقای رضایی که مسئولیت رایزنی با مؤلفان و تهیه مقالات را داشته‌اند، و از جناب آقایان محمود نوراللهی و سید حسین موسوی که مسئولیت پی‌گیری و چاپ مجموعه را برعهده داشتند و تلاش متراکم و مضاعف نمودند، هم‌چنین شورای علمی محترم که ما را در ارائه این مجموعه یاری رساندند، صمیمانه سپاسگزاری نماییم. پیشاپیش از هر گونه نقص و کاستی پوزش طلبیده و از خدای منان برای همه مبلغان گرامی، توفیق و سلامت و سعادت را آرزو می‌کنیم. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

سید محمود مدنی

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم

مقدمه

محرم ماه انس عاطفی با سیدالشهدا است. محرم و به ویژه دهه اول محرم با رنگ حسینی گرفتن کوچه‌ها و خیابان‌ها، حسینیه‌ها، تکایا و مساجد بهترین فرصت برای دیداری دوباره با حسین فراهم می‌گردد و مؤمن هوشیار و زرنگ کسی است که از فرصت ویژه محرم بهترین و بیش‌ترین بهره مندی معنوی و حتی دنیوی را در مسیر رشد و سعادت و قرب و تعالی خود داشته باشد.

پیش‌نیاز بهره مندی از محرم این است که دیدارها، حضورها و انس‌ها در کنار رنگ عاطفی و احساسی خود، بهره معرفتی هم داشته باشد.

راه تحقق این دیدار عارفانه، در مدل فرهنگی ایجاد شده توسط امامان معصوم که وارثان عاشورا بودند، زیارت است :

زیارات حسینی مجموعه‌ای از متن‌های مأثور از معصومین است که برای ایجاد حضور عارفانه و تعمیق معرفت و بینش دینی و حسینی شیعیان طراحی شده است.

بدین جهت بر مبلغین است که در طول دهه محرم با تشویق به برگزاری مجالس زیارت خوانی، فضا را برای ترویج فرهنگ عارفانه و عاشقانه حسینی فراهم نمایند و آن‌گاه در ضمن خطابه اصلی خود و یا در حاشیه مجالس زیارت، برنامه شرح زیارت هم داشته باشند تا بدین گونه با کمک زیارات، فرهنگ

حسینی را از انحراف و تحریف دور نموده و با تقویت فرهنگ حسینی، زمینه را برای اصلاح جامعه در دیگر زمینه‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی و بسط جهانی فرهنگ عاشورا فراهم نمایند.

بدین جهت در کتاب پیش رو، شرح زیارت وارث^۱ خدمت مبلغان ارجمند ارائه می‌گردد.

علت انتخاب زیارت وارث، کوتاهی و غنای مباحث آن و اشتغال آن بر اکثر معارف دیگر زیارت نامه‌ها در بیانی کوتاه و غیر مکرر، هم‌چنین وجود تنوع و تعدد در زیارت وارث برای امام حسین بود که بیان گر اهمیت این ساختار از زیارت برای بازشناسی شخصیت امام حسین می‌باشد.

در این متن دو رویکرد کلی در شرح و توضیح فرازهای زیارت مورد توجه بوده است؛ رویکرد اول: بازشناسی لغوی و اصطلاحی هر فراز و بیان مفهوم و مراد از آن جمله و جملات، رویکرد دوم: نسبت شناسی زیارت خوانی و واگویی زائر نسبت به آن فراز.

از ویژگی‌های دیگر این متن سعی در ارائه رابطه منطقی و معرفتی بین فرازهای زیارت از آغاز تا پایان زیارت می‌باشد.

جهت بهره‌مندی بیش‌تر مبلغ بعضاً به پیوست هر فراز، ایده‌های تربیتی و یا مقتل ارائه گردیده است، بدیهی است غنی‌سازی بیش‌تر محتواها با اشعار، داستان، حکایت و نکات اجتماعی و تربیتی به توانمندی و استعداد مبلغ و نیاز شناسی منطقه تبلیغی واگذار می‌گردد.

در این زیارت در بخش نسبت شناسی زیارت خوانی زائر با فرازهای زیارت سعی شده است حتی الامکان مسائل، نیازها و مشکلات جامعه به گونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم مورد اشاره قرار گیرد، مسائلی همانند: تلاش برای ایجاد

۱. منظور از زیارت وارث در این مجموعه بخش اصلی و میانی زیارت هفتم از زیارات حسینی به کتاب مفاتیح الجنان است؛ (مفاتیح الجنان / باب سوم در زیارات است / زیارات حسینی / زیارت وارث).

نگاه کلی و فلسفه تاریخی برای زائر، ایجاد دغدغه زمان شناسی و رسالت شناسی برای خود، ضرورت علم و معرفت زایی در مسیر قرب بیش تر با اهل بیت، عرفان اصیل عاشورایی (بر اساس شریعت محوری) در برابر عرفان های کاذب، مهم ترین راه حسینی شدن با عمل صالح و تقوا و عاقبت به خیری و.... امید است این اثر برای مبلغین ارجمند، نافع و قابل استفاده بوده و عزیزان با ارائه پیش نهادها و انتقادهای خود راهگشای ما باشند.

۱. زیارت وارث :

معنی زیارت :

از کلمه زور و به معنی عدول از چیزی به چیز دیگر، هم‌چنین دیدار، قصد و آهنگ چیزی نمودن است.
در اصطلاح لغت به معنی از غیر عدول کردن و قصد مزور کردن و توجه ویژه نمودن به آن است.
در فرهنگ دینی به معنی توجه و قصد، با انگیزه بزرگداشت و احترام قلبی و زبانی به سوی مزور است.

چرایی زیارت در مکتب اسلام :

در مکتب اسلام برای هدایت انسان‌ها دو هادی درونی و بیرونی است، که اولی بدون دومی سردرگم و سرگردان است.
امام کاظم می‌فرماید: «یا هشام ان الله علی الناس حججین حجة ظاهرة و حجة باطنة فاما الظاهرة الرسل و الانبياء و الائمة و اما الاباطنة فالعقول»^۱
«ای هشام: برای خداوند بر مردم دو حجت و دلیل است. دلیلی که آشکار

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۷.

است و دلیلی که باطنی و در درون انسان می‌باشد؛ اما دلیل آشکار، پس فرستادگان و پیامبران و امامان هستند، و اما دلیل درونی پس عقل انسان‌ها می‌باشد.»

و از این حجت‌های ظاهره چهارده معصوم در اوج هستند که وجود آن‌ها دارای مراتب گوناگون است؛

مرتبه نوری، مرتبه دنیایی، مرتبه برزخی، مرتبه قیامتی، مرتبه بهشتی و... و در تمام این مراتب آنان از حیات و زندگانی برخوردار و دارای اثر و برکت می‌باشند.^۱ بدین جهت حیات و ممات در احوالات، آثار و برکات معصومین چندان اثری ندارد، بدین جهت همان گونه که بر مؤمن نسبت به ولی، عرض محبت و پیوند در حال حیاتش ضروری است، پس از شهادت امام هم باید ادامه یابد. این ضرورت پیوند و چگونگی انجام آن در قالب زیارت صورت می‌گیرد. و آن با عرض توجه به سوی ولی شهید از راه دور و نزدیک، عرض ادب و احترام، تولی و تبری و سعی بر تجدید، عهد و پیمان با آن ولی است.

تشیع مکتب زیارت :

زیر بنای تشیع بر پیوند مستمر و تولی و تبری بر محوریت ولی خداست و برای هر زمان ولی حی و زنده به دلیل وجود عصمت و ضرورت تجلی تاریخی‌اش، هماهنگ با نیازهای زمانه مجموعه‌ای از سیره‌ها را به یادگار می‌گذارد، در این صورت بر مؤمنان است جهت الگوگیری برای ابعاد گوناگون زندگی خود پیوندی همیشگی با تاریخ اولیای معصوم داشته و بدین گونه ضمن احیای نام و یاد آن‌ها زمینه پیوند و تقرب به ولی زمان را فراهم نمایند.

با این نگاه زیارت یعنی، تجدید خاطرات و سیره گذشته معصومین که به جهت بازشناسی وظیفه از سوی زائر در زمان حال صورت می‌گیرد.

۱. بحارالانوار، کتاب الامامة ج ۲۳ و ۲۴.

کارکرد شناسی زیارت :

زیارت از منظر علم اخلاق (و هم چنین روان‌شناسی معاصر) پاسخگویی به یکی از مهم‌ترین نیازهای عاطفی احساسی انسان است. چرا که هر انسانی گهگاه احساس نیاز به ایجاد رابطه عاطفی متعالی و معنوی با هدف تهذیب و توبه، یا ابراز احساسات دینی و ایمانی و یا بازسازی معارف و اعتقادات خود در قالبی احساسی و عاطفی دارد و این کار را نه می‌توان با مراجعه به افراد عادی‌ای که که غیر معصوم هستند انجام داد و نه همانند وهابیت به نفی آن پرداخته و تنها معتقد به عقایدی خشک شد که بازتابش ایجاد روحیه ای خشک، متعصب، افراطی، بدور از احساسات، تعقل و اعتدال گرایی است و نه این مقام زیارت را برای هر مزار و انسان‌های خود خوانده، درست کرده و به افراط و سرگردانی رسید.

بدین جهت کارکرد زیارت ولی معصوم از راه دور یا نزدیک موارد زیر است :

- بازشناسی مستمر معارف دینی درسیکی عقلی / عاطفی
- ایجاد ارتباط مستمر با اولیای دین و تجدید عهد و بیعت متوالی
- جهت دهی و هماهنگ سازی حب و بغض‌ها بر محوریت ولی معصوم
- ایجاد تهذیب نفس و صفای باطن با همنوایی با مصائب و ابتلای معصومین
- ایجاد توسل و شفاعت در امور دنیوی و اخروی
- دشمن شناسی و دشمن گریزی

زیارت حسینی، کانون زیارت‌های شیعه :

در مکتب تشیع برای چهارده معصوم زیارت وجود دارد تا شیعیان حضوری پیوسته با معصومان برگزیده داشته باشند و چون زیارت به معنی حضور قلبی هم‌راه با احترام و تجدید بیعت است، در این زمینه فرقی بین زیارت امام زمان (امام حجت) و زیارت سیزده معصوم نیست.

ولی در میان زیارت نامه‌های مأثور و معتبر دو دسته زیارت دارای فراوانی بیش‌تر هستند.

یکی زیارت حسینی و دیگری ادعیه و زیارت مهدوی و سرّ این فراوانی به جهت این است که اولی هویت تاریخی-کلامی تشیع و دومی هویت حال و آینده شیعه است و چون حال و آینده را نمی‌توان بدون گذشته تعریف کرد، زیارات حسینی از جهت کمیت، تنوع و تعدد دارای بیش‌ترین آمار است و بیش‌ترین توصیه‌ها به آن می‌باشد.

مفهوم شناسی زیارات :

شیخ عباس قمی کتاب مفاتیح الجنان را در سه باب گردآوری نموده است :

باب اول: ادعیه - باب دوم: اعمال سنه - باب سوم: زیارات

با مطالعه فهرست مفاتیح مشخص می‌شود (که حتی در باب اعمال سنه)

اعمال عبادی مستحب یا نماز است، یا دعا و یا زیارات.

در ادعیه، کلید واژه اصلی، کلمه «اللهم» و سایر اسامی حق تعالی می‌باشد و هدف، ایجاد رابطه عاطفی معرفتی بین بنده و خداوند می‌باشد، ولی در زیارات، کلید واژه‌ها «سلام، لعن و شهادت» است و این یعنی زائر از منظر ولی حق به جهت دهی موضع گیری‌های دنیوی خود (از جهت تولی و تبری) پرداخته و به نظام سازی اعتقادات و تعهد دهی نسبت به اعمال و رفتار خود در پیشگاه ولی حق پردازد.

البته زیارات دو گونه هستند، برخی زیارات در مقام شخصیت شناسی معنوی

و تاریخی معصومین هستند و برخی در مقام ایجاد، اصلاح و تعمیق رابطه زائر با

ولی معصوم: در نوع دوم که سیر محتوایی زیر رکن زیارت است :

(سلام « لعن « شهادت « صلوات)

و صد البته در زیارات حسینی به جهت اوج تقابل چهره حق و باطل و عمق

فاجعه تاریخی ای که صورت گرفته است، مسئله سلام و لعن به اوج گستردگی و

تنوع خود می‌رسد تا تشیع تنها مکتبی باشد که زائر را به بالاترین مرتبه از موضع گیری و تشخص اجتماعی برساند.

زیارت وارث :

مراد از زیارت وارث در این مجموعه، همان فرآز اصلی از زیارت مطلقه امام حسین است (اگر چه در مفاتیح قبل از این زیارت دو زیارت وارث کوتاه‌تر وجود دارد، ولی این مورد به علت شهرت و کاربرد انتخاب شده است) و چون این زیارت اختصاص به روز خاصی ندارد، کوتاه و بدون آداب خاصی است و مشتمل بر اصول زیارات دیگر می‌باشد، سعی داریم به تفسیر و شرح اجمالی آن پردازیم تا عزاداران حسینی با انس معرفتی و قلبی بیش‌تر با معارف زیارت نامه‌ها به قرب و بهره گیری بهتر از فرصت محرم پردازند.

سیر محتوایی زیارت وارث چنین است:

صلوات	شهادت	لعن	شهادت	سلام
بر ابعاد و مراتب و توالی معصومین	شخصیت شناسی، نسل امامت موضع گیری زائر	قاتل و ظالم و راضی	شریعت محوری	وارث انبیا، وارث شجره طیبه = خون خدا

مرحله سلام: سلام به معنی سلامتی، درود، تسلیم و همراهی است و این فراوانی سلام در زیارتنامه‌ها یعنی شخصیت شناسی معرفتی و تاریخی سیدالشهدا از جهت معنوی و نسبی.

و درود زائر بر مرحله اثرگذاری تاریخی حضرت، به معنی درک قیام حضرت در مقطع تاریخی خود و ریشه یابی فلسفه تاریخی این حرکت می‌باشد، تا با این درک زائر بتواند به مراحل بعد از زیارت گام بردارد و با درک و فهم حرکت تاریخی معصوم، سعی برای امتداد و استمرار بخشی آن در زمان خود نسبت به ولی زمان داشته باشد. و سلم بودن خود را نسبت به ولی معصوم ابراز نماید.

مرحله اول شهادت: شهادت یعنی اقرار و گواهی و این مرحله به اقرار و همراهی رفتاری در امتداد معرفت قلبی مرحله سلام است و این شهادت بر یکی،

مهم‌ترین اهداف قیام است؛ یعنی حفظ شریعت محوری، نفی اسلام اسمی و کفایت اقرار لسانی که طرح و تفسیر امویان از اسلام و عرفان اسلامی بود.

مرحله لعن: پس از درک فلسفه و نسبت تاریخی قیام و هدف شریعت محوری آن نبوت، نوبت به دشمن شناسی و تبری از تمام گروه‌های مقابل قیام حسینی در گذشته، حال و آینده قیام می‌رسد.

مرحله دوم شهادت: مرحله بازشناسی شخصیت ذاتی امام حسین (مقامات معنوی، سیاسی و اجتماعی) است که در امتداد آن به شهادت زائر به امتداد امامت از ذریه حسین و اظهار بیعت زائر می‌رسد.

مرحله صلوات: مرحله ختم زیارت با طلب دعا برای تمام امامان در تمام حالات و مراتب آن هاست. این مرحله، مرحله طلب، سؤال و درخواست در مقام نتیجه‌گیری از سیر و سلوک زائر در ضمن زیارت خود است.

یک یاد آوری مهم:

در زیارت وارث رویکرد کلی و هدف اصلی بازشناسی شخصیت امام حسین از ابعاد گوناگون وراثتی حسبی و نسبی و وراثت معنوی، از منظر بازتاب معنوی و عرفانی قیامش (ثارالله)، از منظر شخصیت و سیره عملی و رفتاری و شریعت محوری آن حضرت و ابعاد کلامی آن، امتداد شناسی معصومانۀ ایشان و... می‌باشد تا زائر با بازشناسی بهتر و عمیق‌تر شخصیت آن حضرت، در فرصت زیارت به ویژه در دهه محرم به تعمیق بینش، نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای حسینی و عاشورایی خود بپردازد. بدین جهت زیارت وارث بر خلاف زیارت عاشورا که در آن دشمن‌شناسی گسترده‌تر است، دشمن‌شناسی به صورت محدود و در حاشیه می‌باشد ولی از منظر عرفانی و تربیتی مبلغ ارجمند بر حسب نیاز می‌تواند در هر فراز در کنار مباحث اثباتی با نگاهی تطبیقی و مقایسه‌ای، به دشمن‌شناسی (از همان زاویه) بپردازد.

مثلا در بخش وراثت‌ها اگر حسین 7 وارث انبیا و اولیاست، یزید هم وارث ابلیس رجیم و تمام ابلیسیان زمینی از قوم نوح، نمرود، فرعون، ابو جهل، ابو سفیان

و... می‌باشد و یا اگر ابتلای نوح قوم گمراهش و ابتلای موسی، بنی اسرائیل است، ابتلای امام هم به جامعه اسلامی منحرف اعم از خواص (علمای درباری، اشراف دنیازده و...) و عوام (همراه و یا ساکت و سیاهی لشکر) می‌باشد.

و یا اگر حسین 7 ثمره شجره طیبه است، یزید در اوج پستی از شجره خبیثه است، چرا که هیچ گونه بُعد مثبتی در او نیست، او هم زنا زاده است، هم تباری آلوده و فاسد دارد و هم در برابر شریعت محوری امام او معصیت محور و هتاک به شریعت است و... و اگر در ذریه امام امامت قرار داده شده است، امتداد یزید و از تبار او در آینده، در آخرین مصاف حق و باطل سفیانی است و...

بدین جهت مبلغ ارجمند می‌تواند با بررسی تفصیلی و یا اجمالی این اثر تطبیقی، به تعمیق و اثر بخشی بیش‌تر مباحث خود پردازد.

نکته پایانی :

فعل زائر و عزادار حسینی وقتی پذیرفتنی است که با معرفت باشد و سیکل سوگواری سالیانه او در هر سال، در مرتبه بالاتر از سال گذشته از جهت معرفت و به تبع آن محبت و تولی و تبری باشد و گرنه زیارت او زیارت عوامانه و غافلانه خواهد بود و آن آثار و برکاتی را که از زیارت به شرط معرفت انتظار می‌رود، چندان بهره‌مند نخواهد شد.

این در حالی است که سوگواری و زیارت با معرفت به ویژه در دهه محرم فرصت بسیار طلایی (و حتی از بعضی جهات راحت‌تر از سیر و سلوک ماه رمضان) است تا زائر و عاشق حسین با احیا، حزن، زیارت، ذکر و... به تطهیر، شفا، تهذیب، حاجت، قرب و نور ایمان، پاکی، معارف و... دست یابد.

ایده‌های داستانی:

مبلغ محترم می‌تواند با مراجعه به کتب و منابع معتبر، داستان‌های معتبری را که درباره استبصار و تحول ایمانی غیر شیعیان به تشیع (همانند کتاب لحد شیعتنی

الحسین، انطاکی و...)، یا درباره تحول اخلاقی و رفتاری افراد (همانند قصه رسول ترک)، یا توسلات علما و شفا گرفتن و یا کسب توفیق علمی است، در این بخش و در این جلسه، جهت ایجاد جاذبه و شوق بیش تر برای بهره مندی از جلسات و فضاهای معنوی محرم در عاشقان اهل بیت، بیان کند.

یک تذکر اعتقادی و کلامی:

این که در زیارت وارث تصریح و تأکید می گردد که حسین وارث انبیاست، به معنی کسب ارزش هایش به واسطه میراث الهی انبیا نیست تا معنای آن این باشد که حسین همانند و یا پایین تر از انبیاست.

بلکه چهارده معصوم به واسطه عصمت و علم کامل و جامع خود، برتر از تمام انبیای الوالعزم می باشند (آیه: انی جاعلک للناس اماما در مورد حضرت ابراهیم بر همین امر دلالت دارد)

و بلکه پنج تن در مرتبه وجود نورانی خود واسطه آفرینش و تقرب انبیا و نقطه التجا آنها در سختی ها بوده اند.

بدین جهت مقام وراثت انبیا که برای امیرالمؤمنین، امام حسین، امام مهدی و اصولا برای امامان بیان شده به جهت توجه دهی به مقام اهل بیت از منظر ثقلین بودن آنها است، یعنی چون مسلمانان با قرآن، قصه ها، شخصیت های قرآنی انبیا آشنا بودند، پیامبر و اهل بیت قصد داشتند برای تقریب، مقام معصومین به ذهن آنها از قصه ها و معارف قرآن استفاده نمایند. بنابراین بهترین معنا برای وراثت همان است که در روایات متعدد نبوی آمده است که: «من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه.... فلینظر الی علی بن ابی طالب...» یعنی اگر ببینی تا بشناسی، نه این که مرا این همانی امیرالمؤمنین با حضرت آدم و تساوی درجه و مرتبت آنها باشد.

۲. السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله:

این فراز سلام و درود به مقام وراثت حسین از مقام مصطفی بودن آدم است. قبل از ورود به بحث، در مورد روش شناسی بخش وراثت، توجه به نکته‌ای ضروری است:

روش شناسی معرفت وراثتی امام :

ساختار ادبی جملات زیارت در بخش وراثت حسین از انبیاء، سه قسمت است که مشتمل بر (سلام، وارثت حسین، ذکر نام مورث که موصوف به صفت خاص الهی) است، یعنی هر فراز سه قسمت دارد: (زائر، حسین و مورث).

بدین جهت برای فهم، تحلیل و تفسیر این بخش‌های سه گانه، معرفتی ایجاد می‌شود که در حالت طبیعی و لفظی روند آن از زائر به سوی حسین و مورث حسین است، ولی از جهت تحلیلی، تاریخی و تربیتی فرایند و روندی معکوس دارد، چرا که اول مورث وجود داشته و مقامی ویژه کسب کرده، سپس حسین وارث او گشته، آن گاه زائر با سلام بر این رابطه در جستجوی معرفت، تربیت، بصیرت و تقرب بر می‌آید.

در حقیقت در بخش مورث، او که از انبیای بزرگ و یا اولیاست، از روابط چهارگانه خود (رابطه با خود، خدا، مردم و جهان هستی) به رابطه با حق تعالی

(نقطه اوج آن‌ها) در مقطع زمانی و سیر تاریخی ادوار نبوت و تاریخ و جوامع، آن هم به گونه‌ای خاص از آن دست یافته است و بدین جهت موصوف به وصف خاصی شده است، وصفی که ساختار قسمت وراثت را در روندی معکوس و تربیتی شکل می‌دهد و می‌باید در مقام بازشناسی هر جمله و فراز ابتدا به شخصیت شناسی پیامبران و اولیاء از منظر قرآنی پرداخته شود و آن گاه مقام وراثت حسینی از آن‌ها تحلیل و کشف گردد و در پایان سرّ سلام زائر بر این رابطه از منظر کارکرد تربیتی این رابطه، براساس سلوک من الحق الی الخلق، کشف گردد.

همچنین در این بخش استفاده از مقام و نحوه سیر و سلوک اصحاب الحسین و اصحاب المهدی که امتداد کامل و عینی آن‌ها هستند، به عنوان سرآمدان بهره مندی از بحث سلام بر وراثت حسین، می‌تواند روش الگویی و تربیتی مناسبی باشد.

به هر حال سیر معرفتی و تاریخی بخش وراثت در زیارات وارث چنین است:

آدم	نوح	ابراهیم	موسی	عیسی	پیامبر	اهل بیت
برگزیدگی به علم	انتخاب شدن برای از امتحان و ابتلا تا عزمی جهانی	خلیل الله شدن	هم‌سخن خدا شدن	روح خدا شدن	محبوب خدا شدن	آینه تمام نمای پیامبر

با توجه به این ساختار و روش، بخش اول زیارت وارث ارائه می‌گردد :

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله

واژه شناسی:

این فراز سلام و درود است به مقام حسین از جهت وراثت ایشان از مقام مصطفی بودن آدم، پس سه واژه کلیدی در این بخش وجود دارد :

۱. سلام : یعنی درود، صحت، عافیت، سلامت طلبی و آرزوی دوری از پلیدی، آلودگی و بیماری و در اصطلاح زیارت به معنی سلم بودن و موضع گیری در برابر تسلیم است.

معنی روایی و عرفانی سلام :

ابی خالد کابلی : سألت اباجعفر : «عن قول الله عز وجل : فامنوا بالله و رسوله و النور الذي انزلنا»^۱

فقال يا اباخالد النور و الله الائمه من آل محمد 9 الى يوم القيامة، و هم و الله نور الذي انزل و هم و الله نور الله في السموات و الارض.

والله يا ابا خالد : لنور الامام في قلوب المؤمنين انور من الشمس المضيئه بالنهار و هم والله ينورون قلوب المؤمنين و يحجب الله عز وجل نورهم عن يشاء فتضللهم قلوبهم.

والله يا ابا خالد :

لا يحببنا عبد و يتولانا حتى يطهر الله قلبه و لا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا و يكون سلما لنا فاذا كان سلما لنا سلمه الله من شديد الحساب و آمنه من فزع يوم القيامة الاكبر؛^۲

ترجمه روایت: ابو خالد کابلی می‌گوید از امام باقر از مراد خداوند از آیه ۸ تغابن پرسیدم که می‌فرماید (پس ایمان بیاورید به خداوند و پیامبرش و نوری که ما آن را فرستادیم)؟ پس امام باقر فرمود: ای ابا خالد: آن نور به خدا سوگند پیشوایان از خاندان حضرت محمد هستند که تا قیامت ادامه و امتداد دارند، به

۱. تغابن ۸.

۲. کافی کتاب الحجج ۱۹۴/۱.

خداوند سوگند آن‌ها همان نوری هستند که خداوند فرو فرستاده و آن‌ها همانا نور خداوند در آسمان‌ها و زمین هستند. به خدا سوگند ای اباخالد: همانا نور امام در قلب‌های مؤمنان روشن‌تر از خورشید تابان در روز است و به خداوند سوگند آن‌ها باعث نورانیت قلب‌های مؤمنان شده و خداوند از تابش نور آن‌ها بر هر کسی که بخواهد جلوگیری می‌نماید تا باعث گمراهی قلب آن‌ها بشود. به خدا سوگند ای ابا خالد: دوست نخواهد داشت ما را بنده‌ای مگر این که خداوند قلب او را پاکیزه خواهد نمود و خداوند قلب بنده‌ای را پاکیزه نمی‌نماید مگر این که برای ما سلم و سلام باشد پس اگر نسبت با ما سلم بود خداوند او را از حساب و کتاب شدید و نگرانی و اضطراب روز قیامت در سلامت و ایمنی نگه خواهد داشت.

۲. وارث : پیوند خونی و هر نوع پیوندی که باعث انتقال تمام روحیات و صفات ظاهری و باطنی گردد، به گونه‌ای که وارث جایگزین مورث در هر آن چه دایره ارث باشد، می‌گردد.

۳. صفوة : برگزیده و انتخاب شده، خالص‌ترین از هر چیزی.

و بدین جهت در روندی معکوس سه مرحله از بحث وجود دارد :

- شخصیت شناسی مقام صفوة اللهی آدم؛

- حسین، وارث آدم؛

- سلام بر حسین، وارث آدم.

الف) مقام آدم صفوة الله:

در بخش معرفی وراثت امام حسین دو مرحله وجود دارد: وراثت امام از انبیا و وراثت از شجره طیبه عصمت، در بخش اول کانون وراثت امام، وراثت از انبیای الوالعزم است، ولی نقطه شروع تمام زیارت‌های وارث از حضرت آدم است، و این بدین جهت است که اگر چه اوج وراثت امام از انبیای الوالعزم است ولی این نقطه اوج بدون توجه به نقطه آغازگری حضرت آدم برای انسانیت و مقام نبوت

امکان ندارد. چون که آدم خلیفه الله و نقطه آغاز بشریت و نبوت است، پس آغاز وراثت حسین بدون وراثت از حضرت آدم بی معنا خواهد بود.

برای فهم بهتر سر‌اهتمام به وراثت حضرت آدم بازخوانی و بازشناسی قصه‌های حضرت آدم در قرآن ضروری است، چرا که قرآن و عترت ثقلین هستند و برای فهم هر یک دیگری منبع و مرجع است :

در قصه‌های قرآنی قصه حضرت آدم، عمدتاً در سوره‌های: بقره آیات ۳۱-۳۷؛ اعراف، آیات ۱۱-۲۷؛ اسراء آیه ۶۱ و طه آیه ۱۱۵-۱۲۱، ارائه شده است که هدف آن هم مطالعه نقطه پیدایش اولین انسان و سیر و سلوک آسمانی و زمینی‌اش با توجه به موارد زیر است :

آدم، آفریده شده از آبی پست و روحی بلند؛

آدم، تعلیم یافته مستقیم از سوی خداوند به علم اسماء و کلمات؛

آدم، مسجود و معلم ملائکه؛

طلغیان ابلیس بر اساس کبر و آن گاه کینه توزی او نسبت به آدم؛

طرح توطئه ابلیس و به خاک زمین کشاندن آدم و حوا؛

پس از هبوط، آدم و بنی آدم باید در انتظار بهشت زمینی تا فرا رسیدن روز

ظهور باشند، چرا که دوران ظهور، هم بازگشتی زمینی به بهشت آسمانی آدم

است و هم نقطه انتقام تاریخی و مرگ ابلیس.

البته طبق روایت قرآنی موارد فوق هر کدام کاربرد و جایگاه خاصی دارند.

چرا که اصل قصه آفرینش، کارکرد اولی و اصلی‌اش را خود شناسی برای

تک تک انسان‌ها از منظر ریشه و پیشینه شناسی است و این‌که نقطه شروع

انسانیت نه از ناکجا آباد بلکه از شخصی ممتاز، مکانی بهشتی و آفریده مستقیم

خداوند است.

دومین نکته جایگاه علم الاسماء در مقام شخصیت شناسی جدمان حضرت

آدم است، و این یعنی کسب مقام ویژه‌ای که حضرت آدم را از تمام آفریده‌ها برتر

نموده است و در حقیقت منشأ کلمه صفوّه و مصطفی، یعنی برگزیدگی آدم، و

همین امر باعث قابلیت او برای علم آموزی آن هم علوم آسمانی، معنوی، توحیدی و غیبی بلاواسطه می‌گردد.

و قصه ابلیس هم در مرحله دشمن شناسی و صادر کردن هشدار و بیانیه ای صریح به بنی آدم است که مراقب این دشمن خطرناک طویل العمر، کثیر التجربة، پراعوان و انصار باشد.

ب) حسین وارث آدم :

کلمه وارث به معنی (این همانی) و همانندی وارث با مورث است. البته ضرورتی ندارد که حسین وارث آدم در تمام جهات باشد، بلکه به اصطلاح وجود وجه شبیهی خاص در ممتازترین ویژگی‌ها برای وراثت کفایت می‌کند. از میان تمام ویژگی‌هایی که برای قصه حضرت آدم در قرآن روایت شده است، در زیارت تنها به واژه صفة الله تصریح شده است.

در روایات هم آمده است :

هر کس که می‌خواهد به علم (آسمانی و بلاواسطه) آدم نگاه کند، امیرالمؤمنین را ببیند.^۱

و این بدین معنی است که برگزیدگی او به واسطه علم‌اش است و بر همین اساس چون سیدالشهدا امتداد امیرالمؤمنین است در زیارت وارث آمده از اهل بیت می‌خوانیم که حسین وارث آدم است، هم چنین تأکید شده است که موارث انبیا نزد اهل بیت بوده و امام زمان در زمان ظهور هم آئینه تمام صفات ظاهری و باطنی انبیا و هم میراث دار آنها است.

پس چهارده معصوم و به ویژه امام حسین وارث آدم، در همان علم الاسمایی که او را مسجود ملائکه نمود، هستند و سرّ اهتمام به مقام وراثت امام حسین از میان دیگر اهل بیت، شاید بیان نسبت دو سوئے این قیام با

۱. بحارالانوار ج ۳۹، ص ۳۵.

حضرت آدم باشد، به این که قیام حضرت احیاگر علم آدم و رسوا کننده جهالت و تعصب کور شیطانی - اموی است.

یک نکته :

معنی وراثت امام در علم آدم، قطعاً علوم غیبی و آسمانی بیکران است. در این میان با توجه به میراث داری حضرت در علم آدم (که علم اولین و آخرین است و علم به اسماست، علمی که کلید اسرار و سرگشایش از تمام آفریده‌هاست)، دیگر در مسئله قیام حضرت مسئله ای مانند علم غیب امام و آگاهی ایشان به زمان شناسی، کوفه شناسی و دشمن شناسی کاملاً تبیین می‌گردد و مشخص می‌گردد، این مسائل سوای نگاه کارشناسی دنیوی از منظر دایره دانش بیکران آسمانی امام به خوبی روشن بوده است. همان گونه که پیامبر و امیرالمؤمنین قبل از این واقعه با جزئیات دقیق خبر داده بودند.

پس حسین وارث آدم است، بدین معنی است که :

حسین آگاه به تمام علوم و آئینه تمام نمای علوم حضرت آدم است؛

قیام حسین حافظ و احیاگر علوم معنوی و غیبی آدم است؛

قیام حضرت یکی از مهم‌ترین موارد علم‌های آسمانی آدم بود؛

دامنه میراث داری :

علم آدم برای او دو دستاورد مثبت و منفی داشت:

دستاورد مثبت: مسجود ملائکه شدن است، چرا که آدم معلم آن‌ها شد و به فرموده امیرالمؤمنین: «هر آن کس که از کسی علم بیاموزد، او را بنده خود کرده است.»

دستاورد منفی: آغاز کینه شدید و دشمنی تاریخی شیطان.

از این منظر، حسین با توجه به میراث داری علمی از آدم، میراث دار آدم در رابطه‌اش با فرشتگان است، چرا که مزارش مهم‌ترین کانون هبوط مستمر

فرشتگان آسمانی به کره زمین از زمان شهادت تا دوران ظهور استو علت رخداد قیامت هم، آشکار شدن اوج طرح‌های شیطان توسط عوامل انسانی خود علیه دین حق بود که امام با قیامت هم شیطان اکبر و هم تمام اعوان انسانی و جنی او را برای همیشه تاریخ رسوا نمود.

اصحاب الحسین، میراث دار میراث حسینی :

همان گونه که قبلاً تذکر داده شد در قومی نزولی اصحاب الحسین امتداد و آینه خصائص الحسینینه هستند این نگاه اگر حسین وارث علم آدم است از ویژگی مهم اصحاب الحسین در امتداد میراث داری امام از حضرت آدم، میراث داری آن‌ها از مقتدایشان امام حسین در علم و بصیرت می‌باشد که مواردی از آن به شرح زیر است:

حبیب بن مظاهر از امیرالمؤمنین علم بلایا و منایا را آموخته بود؛

بریر بن خضیر معلم و مفسر قرآن در محله همدان کوفه بود.

و تمامی جوانان بنی هاشم تربیت یافته مدرسه علمی امام در دوران مظلومیت و مهجوریت امام بودند.

ج) سلام بر حسین، وارث آدم :

پس از مرحله آدم شناسی و حسین شناسی از منظر میراث داری، اینک باید با سرّ سلام زائر از این زاویه و منظر در زیارت وارث آگاه شد و فهمید چرا اهل بیت به ما آموخته‌اند که برای زیارت امام حسین باید با سلام بر ایشان آدم، زیارت را آغاز نمود.

اگر نقطه شروع تاریخ با حضرت آدم است و حسین، نقطه آغازین وراثت از انبیا، وراثت در علم آدم است و اگر از مهم‌ترین ویژگی‌های اصحاب الحسین علم و بصیرت است و این باعث درخشش آن‌ها در جوار امام شده است، در آینده هم مهم‌ترین ویژگی یاران امام مهدی، اوج علم به امور دینی و دنیوی است، به گونه‌ای که علم، علمی که آسمانی و نور باشد از منظر علم دینی نهایت ایمان،

بصیرت و عبودیت را به آن‌ها می‌دهد و علم دوم یعنی لم دنیوی، نهایت تدبیر و توان مدیریت جهانی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، تا بدین گونه عصای دست و تکیه گاه امام در قیام و حکومت جهانی‌اش باشند، پس با این نگاه از میراث داری حسین و مهدی از علم آدم و شاگردی اصحاب الحسین و اصحاب المهدی از این دو معصوم، بر ماست که امتداد دهنده این علم آموزی و وراثت علمی در زمانه خود باشیم، چرا که :

در دعای غیبت (که در آخر مفاتیح آورده شده است) مهم‌ترین خواسته مؤمن در زمان غیبت، این گونه تبیین شده است : اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک...^۱

و نتیجه این علم آموزی این دعایی است که در دعای امام زمان می‌خوانیم که: حتی تحشرنا یوم القیمه فی انصاره و اعوانه مقویه سلطانه^۲: واجعلنی من مقویه دینه و سلطانه..... واجعلنی ممن ینتصر به لدینک^۳

بدین جهت کارکرد مجالس حسینی و هدف و چشم انداز سالیانه آن باید همین باشد که ما بنی آدم، نیکو فرزندان برای جدّ خود، حضرت آدم در میراث داری علم توحیدی و دینی باشیم تا با این علم اندوزی معنوی و آسمانی و کسب بصیرت، امتداد دهنده اصحاب الحسین و فراهم ساز احتمالی زمینه‌های اصحاب المهدی باشیم و هم چنین با تشکیل مجالس و حضور آگاهانه و عاشقانه مبتنی بر معرفت، محبت و بصیرت، در مجالس حسینی باعث حضور انبوه ملائکه که تجسم خیر و برکت هستند، شده و خشم و نومیدی شیطان و شیاطین پنهان و آشکار را فراهم سازیم.

پس در همین کلمه سلام بر حسین وارث آدم، هم خودشناسی تاریخی،

۱. مفاتیح الجنان/ باب زیارات/ دعائی در غیبت امام زمان.

۲. مفاتیح الجنان/ باب زیارات/ دعای امام زمان.

۳. مفاتیح الجنان/ باب زیارات/ دعائی در غیبت امام زمان.

مکتبی است، هم نبوت‌شناسی، هم امامت‌شناسی به واسطه آن، هم جذب‌کننده نور، خیر و برکت با سبب‌سازی حضور ملائکه در متن زندگی خود و هم فراهم کردن شرایط دور شدن شیطان از خود.

ایده‌های حکایی و داستانی قابل استفاده در این موضوع^۱

امام و تقدیر از معلم قرآن‌فرزندش، از منظر توجه امام به آموزش علم دین به فرزندان؛

امام و ده سال تربیت علمی بنی هاشم، پس از شهادت امام مجتبی (چه پسران و چه دختران)؛

داستان نافع بن ازرق خارجی و مراجعه او به ابن عباس در مسجد النبی برای پاسخ گرفتن پرسش‌های خود و بی‌اعتنایی به حضرت، که بیانگر مهجوریت اهل‌بیت از مرجعیت علمی و بازتاب آن در بازگشت جاهلیت به جامعه اسلامی است.

ایده‌های تربیتی :

آغاز خلقت انسان‌ها با آفرینش حضرت آدم بود که با اعتراض ملائکه (برترین موجودات تا قبل از آفرینش انسان)، مواجه شد، ولی خداوند با اعطای علم به آدم این برترینی را از آن‌ها گرفت، چرا که علم هر جا باشد معیار و ملاک برتری است.

البته نه هر علم و دانشی، بلکه علمی که انسان را به هدف آفرینش برساند. هدفی که در آیه زیر به آن تصریح شده است:

G و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون^۲F

پس علمی مایه شرف است که انسان را از بندگی و اسارت‌های زمینی و

۱. با مراجعه به کتاب فرهنگ جامع سخنان امام حسین و دقت در سیره علمی حضرت.
۲. ذاریات ۵۶.

مادی رهنانیده و بندهٔ آفریدگار خود نماید.

بدین ترتیب اولین درس کلاس عاشورا که برآمده از زیارت وارث است و باید نقطهٔ آغازین شکل دهی به مجالس حسینی باشد، این است که این مجالس می‌بایست به گونه‌ای برگزار شود که به معرفت، عرفان و ارتقای علمی عزاداران حسینی منجر شود. وگرنه زیارت خوانی بدون معرفت لازم، یا برگزاری مجالسی که در آن شور و شعور حسینی نباشد و یا حضوری که در آن طرح و برنامه برای کسب درس‌ها و الگوهای عاشورایی دیده نمی‌شود، را نمی‌توان چندان به پای امام حسین 7 خرج کرد.

ماه محرم، ماه برکت، تهذیب، توسل و جهش‌های معنوی و دنیوی است، ولی شرط اول این همه، گام گذاشتن در سیر و سلوک زیارات حسینی، همانند زیارت وارث است و نقطهٔ آغازین این سیر، وراثت از مقام صفوة اللّهی جدّمان حضرت آدم با کسب علم و معرفت است.

۳. السلام عليك يا وارث نوح نبی الله

مرحله دوم وراثت حسین، وراثت او از انبیای الوالعزم و اولین پیامبر الوالعزم، حضرت نوح است و سلام دادن ما بر این وراثت باید اسراری داشته باشد که سرگشایی آن از طریق انس با قرآن روشن خواهد شد، پس مراحل سه گانه نوح شناسی، وراثت شناسی حسین و سلام شناسی به شرح زیر است:

الف) شخصیت قرآنی حضرت نوح:

مهم ترین ویژگی برای حضرت نوح، صفت نبی اللمی است و این یعنی نوح، آغازگر نبوت جهانی است.

برای بازشناسی این شخصیت، آدرس های قرآنی زیر یاری رسان است:

سوره های اعراف، آیات ۶۰ به بعد، یونس، آیات ۷۱ به بعد، هود، آیات ۳۲ - ۴۹، شعراء، آیات ۱۰۵ به بعد، نوح و...

در این آیات و داستان ها، ویژگی های مهم شخصیت و رسالت حضرت نوح موارد زیر است:

او اولین پیامبر الوالعزم با رسالت جهانی است؛
او در تبلیغ دین خود چنان صاحب عزم بود که ده قرن با انواع روش های

تبلیغی G لیلًا و نهارًا، سرًّا و علانیة^۱ به تبلیغ قوم خود پرداخت؛
پس از نومیدی، او نفرینی سخت بر قوم خود کرد، که نتیجهٔ آن عذاب
دهشتناک و جهانی بود؛
کشتی نوح، تنها وسیلهٔ نجات انسان‌های مؤمن بود؛
در کشتی نوح جایی برای اهل باطل نیست، اگر چه آن‌ها پیوند نسبی (فرزند)
یا سببی (همسر) داشته باشند.
پس از طوفان و پاکسازی زمین از کفار، نوح با پراکنده کردن فرزندان،
اولین جوامع توحیدی را در سراسر جهان به وجود آورد.
پیام آیه: آیهٔ ۶۱ سوره اعراف می‌تواند به عنوان محور پیام حضرت نوح،
موضوع سخن قرار بگیرد.
مهم‌ترین ویژگی در رسالت حضرت نوح، توجه دهی جهانیان به این است که
انبیا کسانی هستند که تمام تلاش و همت خود را برای تبلیغ دین انجام
می‌دهند، اگر چه این رسالت قرن‌ها طول بکشد و یک نفر، هدایت گردد، ولی
امان از وقتی که انبیا و اولیا از جامعه ای ناامید شوند، به گونه‌ای که نه تنها نسل
موجود را فاسد ببینند، بلکه برآیند نهادینه شدن فساد را، در تمامی نسل‌های بعد
آن‌ها هم، جاری و ساری ببینند، G و لا یلدوا الا فاجرا کفارا^۲ یعنی رو به دنیا
نمی‌آورند فرزندان مگر این که همگی ستمکار و کافر می‌باشند.
در این صورت است که عذاب بنیان بر انداز یک جامعه و نسل، آرزو و دعای
نبی و ولی می‌گردد و در این صورت راه نجاتی جز ایمان نیست.

۱. سوره نوح، آیات ۵ و ۸ و ۹.

۲. سوره نوح آیه ۲۷.

ب) حسین وارث نوح :

در روایت آمده است که :

هر کس می‌خواهد به عزم نوح (و یا تقوا، اطاعت، حکمت و فهم نوح) بنگرد، پس به امیرالمؤمنین بنگرد.^۱

و بیان شد که حسین وارث نوح و علی است و حضرت مهدی هم میراث دار تمامی انبیا، به ویژه نوح است.

عزم در لغت : جدیت، صبر، پایداری و قوت بر رای و تصمیم است و به معنی آن چه که در قلب و نیت خود بر انجام آن مصمم باشیم. و آن چه که تمام توان خود را معطوف به آن بنماییم تا انجام شود.^۲

در اصطلاح قرآنی : الوالعزم (آیه ۳۵ سوره احقاف) به انبیای صاحب کتاب و رسالت جدید که دامنه جهانی هم داشته باشند گفته می‌شود و نوح اولین پیامبر صاحب کتاب با رویکرد جهانی بود که می‌بایست با قرن‌ها تلاش، صبر و جدیت آن را انجام می‌داد.

حسین وارث نوح بود :

یعنی این که حسین میراث دار نوح در موارد زیر است:

عزم نوح در برابر باطل وسیع، فراگیر، همه جانبه، مستمر و تا نقطه نومیستی کامل از آن‌ها بود، عزم حسین هم در برابر باطل با همین دامنه بود، ولی فرق مهم بین این دو عزم، این بود که در زمان نوح به دلیل فاصله زیاد مردم از انبیای قبل و ایجاد اولین موج جهانی از باطل، در ابلاغ رسالت و اتمام حجت، وسعت کمیتی و زمانی و ابلاغ کامل و کافی به تک تک افراد (به ویژه با در پیش بودن عذاب جهانی طوفان) نیاز بود، ولی در زمان قیام امام حسین با توجه به هزاره‌ها

۱. بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۵ و ج ۴۰، ص ۸۱.

۲. العین ۳۶۲/۱ والنهایه ۳/۲۳۱.

تاریخ انبیا و نزدیکی به ختم نبوت و رسالت دو امام قبلی، زمینه برای بصیرت کافی در جامعه وجود داشت، از سویی دیگر چون باطل بسیار پیچیده (با حربه‌دین علیه دین) و سریع عمل کرده بود، بدین جهت قیامی سریع و کیفیتی نیاز بود، قیامی که در دامنه‌زمانی کوتاه و سریع صورت بگیرد (بر خلاف رسالت طولانی حضرت نوح) که بازتاب مصائب و اثر گذاری‌های ممتد و متوالی آن تا پایان تاریخ در تاریخ نبوت و ولایت بی سابقه بود.

پس هر دو مورد یعنی رسالت نوح و قیام سیدالهدشدا عزمی بسیار بزرگ می‌طلبید.

از دیگر نکته‌ها در میراث داری حسین از نوح، موارد زیر است :
 هشدار از وجود نسل فاسد که جز فاسد نزاید (نسل بنی امیه که تا امتداد و قیام سفیانی جز فاسد مفسد از آن برنخیزد).
 هشدار از نفرین نبی و ولی که یا عذاب جهانی و یا یک عمر ابتلا را به همراه دارد.

و نکته مهم در وراثت حسین از نوح نبی، در کنار آن عزم و این هشدار، این است که تنها راه نجات سفینه النجاة و مصباح الهدی حسین است وگرنه بدون معرفت و متابعت حسین 7 و ذریه معصوم حسین 7 زندگی و مرگ آدمی، جاهلی خواهد بود.

مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركبها نجی و تخلف عنها غرق؛^۱

و یا ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة^۲

اصحاب الحسین، میراث دار رهیافتگان کشتی نوح :
 طوفان نوح طوفانی جهانی بود (به گونه‌ای که در قدیمی‌ترین اسطوره خاورمیانه، گلگمیش و حتی اساطیر سرخپوست ها، درباره طوفانی بسیار بزرگ

۱. مدینه المعجز، ج ۴، ص ۵۲.

۲. همان.

سخن گفته شده است) و تنها عده ای معدود از آن نجات یافتند و آن‌ها مؤمنان به نوح بودند. آن‌ها اگر چه در تعداد بسیار کم بودند، ولی با ایمان خود باعث شدند تا در خاطره تاریخ ماندگار شوند و پس از طوفان، اولین جامعه دینی خالص، برای اولین بار در تاریخ بشریت توسط آن‌ها شکل بگیرد، جامعه ای که از مؤمنان خالص و بر اساس برادری و برابری ایمانی تشکیل شده بود.

این ویژگی در کاروان و ۷۲ یار امام، با کانون و محوریت امام حسین وجود داشت. جامعه ای که عمرش کوتاه و در حدود یک ماه (از میانه راه کربلا تا روز عاشورا) بیش تر نبود، ولی چنان خالص و پاک بود که باعث فخر و مباهات حسین و تمامی امامان بعد شد به گونه ای که در تمام زیارات حسینی (بر خلاف نگاه اهل سنت به عدالت صحابه و تقدس زایی برای تمام صحابه پس از پیامبر با تمام آلودگی‌های اکثریت آن‌ها) بهترین انصار الرسول، امیرالمؤمنین و الحسن، یاران حسین هستند.

این ویژگی جامعه نوح و جامعه حسینی، مهم‌ترین الگوی انصار المهدی، یعنی همان ۳۱۳ نفر یاران خاص امام مهدی است، که کانون حیات، عزم، اراده و تلاش‌های آن‌ها امام مهدی می‌باشد.

ج) سلام بر حسین، وارث نوح پیامبر :

سلام زائر بر وراثت حسین 7 از نوح نبی، سلامی است به معنی جستجو و تلاش برای درس آموزی از داستان قرآنی نوح، یعنی اگر حسین 7 آیینۀ تمام نمای نوح است، آآن مجالس حسینی هم، امتداد هزار سال درخشش تبلیغی (غیر مستقیم) امام حسین 7 است، یعنی نوح هزار سال با حضور فیزیکی خود تبلیغ نمود، ولی امام با ایجاد فرهنگ و مجالس حسینی غیر مستقیم، تبلیغ سیزده قرنی خود را انجام داده و می‌دهد و اینک بر ماست که با حضور کیفی و آگاهانه در مجالس حسینی، امتداددهنده اصحاب الحسین 7 باشیم و جامعه خود

را دور از جامعه یزیدی کوفه که مورد نفرین امام بود قرار دهیم، همانند جامعه جهانی عذاب شده به طوفان نوح، و برای رسیدن به این اهداف توجه به نکات زیر مفید است :

سلام بر وراثت حسین 7 از نوح، یعنی آرزوی سلامت برای خود به واسطه سفینه نجات بودن امام و سوار این سفینه شدن و همراه مسافران آن شدن؛ سلام بر این وراثت، یعنی تلاش برای این که در امتداد تاریخی یاران نوح و اصحاب الحسین تا اصحاب المهدی باشیم؛

سلام بر این وراثت، یعنی آرزو برای کسب عزمی راسخ و بر حق از جهت کمیت، همانند کمیت هزار ساله نوح و از جهت کیفیت، هم چون عزم حسین و یارانش؛

سلام بر این وراثت، یعنی این که فرزندانمان در برزخ بین همانند پسر نوح و یا الگوگیری از جوانان بنی هاشم هستند، پس *اقو انفسکم و اهلیکم ناراً*^۱ نگهدارید خود و خاندان خود را از آتش (دوزخ).

ایده داستانی :

حکایت زهیر که با قصد فرار از سفینه النجاء حسین از کوفه خارج گشت، ولی در میانه راه با نور مصباح حسین مواجهه و مسیر زندگی او عوض شد. او تا قبل از حسینی شدن نگاهی محدود، منحصر و کوچک را در افق دید خود داشت، ولی پس از آن، با توجه به خطبه‌هایی که در عاشورا خواند، نشان داد که افق دیدش تاریخی و جهانی شده و با خطبه هایش پیامی تاریخی و جهانی به همه انسان‌ها داد.

ایده‌های تربیتی :

مجالس حسینی بر اساس الگوی وراثت از حضرت نوح، در دههٔ محرم باید به گونه‌ای باشد که به سوگواران حاضر در این مجالس بصیرت بدهد، بصیرتی که با وجود در اقلیت بودن، عزمی راسخ و تصمیمی استوار بر حق شناسی، حق باوری و حق یآوری داشته باشد؛

مجالس حسینی باید به گونه‌ای باشد که به سوگواران نگاه و دیدی جهانی بدهد و نوع به گونه‌ای باشد که با دوری از انحراف و تحریف اگر در هر کجای جهان به اقامهٔ سوگواری بپردازند باعث ایجاد جاذبه برای فرهنگ و معارف حسینی باشد، همان گونه که تشیع در تاریخ هزار سالهٔ خود با فرهنگ حسینی بسط و گسترش یافته است.

۴. السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله

این فراز، سلام و درودی است بر مقام وراثت حسین از مقام خلت و دوستی خداوند برای حضرت ابراهیم و بازشناسی معکوس مفهومی آن، چنین است:

شخصیت شناسی مقام خلت حضرت ابراهیم
حسین وارث خلت ابراهیم
سلام بر حسین وارث خلیل الله

الف) شخصیت شناسی قرآنی مقام خلیل الله

ابراهیم در قرآن، پیامبر تبلیغ توحیدی و معلم آن در تمام مراحل و سطوح می‌باشد، برای بازشناسی این شخصیت آدرس‌های قرآنی زیر راهگشاست:

سوره‌های بقره، آیات ۱۲۴ به بعد و ۲۵۸ به بعد، انعام، آیات ۷۴ به بعد، هود، آیات ۶۹ به بعد، ابراهیم، آیات ۳۵ و ۵۱ به بعد، مریم، آیات ۴۱ به بعد، انبیاء، آیات ۵۱ به بعد.

مهم‌ترین ویژگی شخصیت قرآنی حضرت ابراهیم چنین است:

شخصیت دلسوز و صبور؛
شروع تبلیغ و هدایت از خانواده خود؛
تبلیغ استدلالی و منطقی در ضمن سلوک تدریجی، جهت جذب و ایجاد فرصت تبلیغی با گمراهان؛

تبلیغ، با هدف ایجاد پرسش فکری و فطرت برانگیزی در مسیر هدایت؛
 مراحل تبلیغ فردی، اجتماعی، حکومتی و سیاسی؛
 تحمل شدیدترین مصیبت‌ها و عدم ضعف و تسلیم؛
 انجام دادن هجرتی تاریخی (از بین النهرین به فلسطین و حجاز)؛
 اعزام سفیر و مبلغ (لوط به شهر و منطقه سدوم)؛
 پذیرش امتحان بزرگ الهی در ماجرای ذبح.
 و سرانجام این همه سیر و سلوک توحیدی، رسیدن به دو مقام مهم: امامت
 و خَلْت است

G انی جاعلک للناس اماما^۱ و اتخذ الله ابراهیم خلیلا^۲

در این فراز هم سخن از مقام خَلْت است.
 مفسرین درباره خلیل و مقام خَلْت ابراهیم چنین گفته‌اند:
 الخَلَّة در لغت به معنی فقر و حاجت است و ابراهیم خلیل بود، چرا که در
 رابطه‌اش با خداوند همواره خود را فقیر و محتاج به او می‌دید و از غیر او منقطع
 شده و بنی نیاز بود و فقط دست نیاز و توجه او به سوی خداوند بود، حتی
 هنگامی که در منجنیق به سوی آتش افکنده شد خداوند جبرئیل را سراغ او
 فرستاد و او به ابراهیم گفت: «من برای یاری تو آمده‌ام»، ابراهیم فرمود:
 «حسبی الله و نعم الوکیل اَنِّی لا اَسْأَلُ غیره و لا حاجة لی الا الیه، فَسَمَّاهُ
 خَلِیلَه ای فقیره و محتاجه و المنقطع الیه عما سواه؛ مرا خداوند کافی است و او
 وکیل خوبی است، همانا من نمی‌خوانم و نمی‌خواهم از غیر او چیزی را تقاضای
 حاجت من فقط به سوی او می‌باشد، پس بدین جهت خداوند او را خلیل خود
 یعنی فقیر و محتاج به سوی خود و جدا شد از غیر به سوی خود نامید.

۱. بقره آیه ۱۲۴.

۲. نساء ۱۲۵.

در روایات متعدد دربارهٔ مقام خلت ابراهیم و سرّ آن، نکات دیگری در همین راستاست، همانند این که :

امام صادق می‌فرماید: انما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً لانه لم یرد احدا و لم یسال احدا قط غیر الله

امام صادق می‌فرماید: همانا خداوند ابراهیم را خلیل خود انتخاب کرد چرا که همانا او کسی را اراده نکرده و نخواند و طلب نکرد کسی را هرگز جز خداوند را. و فی العلل : عنه : لکثرة سجوده علی الارض^۱

امام صادق می‌فرماید: ابراهیم خلیل نامیده شد به دلیل فراوانی سجده‌هایش بر روی زمین.

ب) حسین، وارث ابراهیم خلیل الله:

در روایت است که : من اراد ان ینظر الی ابراهیم فی وفائه و خلته / فی حلمه / فی وقاره فلینظر الی علی^۲

هر آن کس که می‌خواهد به ابراهیم در وفاداری و فقرش به خداوند، در صبر و بردباری‌اش، در هیبت و وقارش پس بنگرد به علی 7 امیرالمؤمنین 7. حسین 7 همانند دیگر امامان معصوم که، کلهم نور واحد هستند، آیینۀ تمام نمای امیرالمؤمنین است. البته باید دانست از آن جا که حضرت ابراهیم پس از طی مراحل گوناگون سیر و سلوک توحیدی و امتحانات، سرانجام به مقام (انی جاعلک للناس اماما) رسید، حسین 7 هم به واسطهٔ شدت ابتلاء و مصیبت خود (مصیبة ما اعظم مصیبتها فی جمیع السماوات و الارض - زیارت عاشورا) به

۱. تفسیر صافی ج ۱، ص ۵۰۴.

۲. بحار الانوار ج ۷، ص ۴۱۹، و ج ۳۹، ص ۳۶.

مقامی می‌رسد که محور و کانون سلوک معنوی و محور تهذیب تاریخ قرار می‌گیرد و به مقامی می‌رسد که حتی تمام انبیا با گریه بر مصیبت حسین 7 به قرب و تعالی ویژه می‌رسند و حسین 7 می‌شود:

«ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة»

ولی مهم‌ترین مقام وراثت حسین از ابراهیم همان معنای تفسیری خلت است: یعنی انقطاع و استغنا از غیر و توکل و توجه خالص به حق تعالی در مسیر توحیدی و رسالت سنگین خود و حتی در اوج ابتلا و مصیبت جز ندیدن و نخواستن. نمونه‌هایی از موارد تطبیقی این استغنا چنین است:

هر دو با آغاز رسالت و قیام، خود را در مقابل تمام سطوح جامعه باطل قرار دادند و در آغاز به تنهایی و در ادامه با اقلیتی محدود در برابر تمام جامعه باطل ایستادند قالوا ربنا الله ثم استقاموا...؛^۱

هر دو گرفتار شدت امتحانات و مصیبت‌ها شدند، ولی در اوج مصائب حتی یاری رسانی ملائک را رد کردند (ابراهیم، جبرئیل، امام، ملائک نصر) و بدین گونه بود که ابراهیم خلیل الرحمان شد و حسین وارث مقام خلت او. البته از جهت جغرافیایی شباهت دیگری بین حسین و ابراهیم است، ابراهیم برای آینده تاریخ توحیدی دو مکان و قبل توحیدی را پایه گذاری کرد، یعنی کعبه و بیت المقدس، ولی چون این دو مکان در آینده تاریخی خود، اسیر جاهلیت مدرن دینی شدند، کانون‌های توحید نیازمند ضلع سوم بود، این ضلع سوم باید در همان ولادتگاه و هجرتگاه ابراهیم ایجاد می‌شد، چرا که بین النهرین کانون و قلب جمعیتی و جغرافیایی منطقه و جهان است محسوب می‌شد و بدون ایجاد پایگاه توحیدی در این منطقه، پازل توحیدی انبیا ناقص نشان داده می‌شد. بدین جهت حسین با انجام هجرتی که معکوس هجرت پیامبر (از مدینه) و

۱. سوره فصلت، آیه ۳، احقاف آیه ۱۳.

آن گاه معکوس هجرت ابراهیم (از حجاز به بین‌النهرین) است قصد میعادگاه آدم و نوح (نجف محل مزار آدم و نوح) را می‌نماید، ولی سر از قربان‌گاه کربلا در می‌آورد و مزارش در کربلا در کنار حرم علوی در نجف، ضلع دیگر مثلث توحیدی (کربلا، کعبه و بیت المقدس) را ایجاد می‌نماید. مثلی که در آینده زیر بنای نقشه و سیر ظهور هم خواهد بود. چرا که مهدی هم وارث ابراهیم و هم میراث دار حسین است.

یادآوری :

با دقت در آیات قرآنی در مورد سیره تبلیغی حضرت ابراهیم با رویکرد توحیدی و توکل صرف بر خدا و با نگاه تطبیقی آن با حادثه عاشورا می‌توان بر ابعاد تربیتی ابراهیمی از جهت تربیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مانور خطابی زیادی داشت. اگر چه از منظر ویژگی‌های شخصیتی-فردی برای حضرت ابراهیم در قرآن اوصاف فراوانی با رویکرد تربیتی ذکر شده است، همانند: صدیق، اوّاه، منیب، رشد و... ولی ویژگی مهم ابراهیم، قلب اوست که دو ویژگی دارد و هر دو به واسطه تلاش خود ابراهیم است *لیطمئن قلبی^۱* و دیگری *جاء ربه بقلب سلیم^۲* و حسین هم در این سلوک قلبی و عرفانی میراث دار ابراهیم است *یا ایتها النفس المطمئنه...^۳*.

ج) سلام بر حسین وارث ابراهیم خلیل الله

مهم‌ترین درس ابراهیم به تاریخ این است که اگر می‌خواهید در تاریخ ماندگار شوید و حتی در میان آتش، خم به ابرو نیاورید، باید درس توحیدتان

۱. سوره بقره آیه ۲۶۰.

۲. سوره صافات آیه ۸۴.

۳. سوره فجر آیه ۲۷.

کامل و خالص باشد، قیام امام حسین هم پیامش این بود که :

Gالذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا...F

بدین جهت سیدالشهدا در مسیر قیام خود با این که همه را آزاد در رفتن گذاشته بود، ولی به هر کس می‌رسید سعی می‌کرد او را به همراهی خود دعوت نماید تا برای همیشه در تاریخ ماندگار شود و سرماندگاری تاریخی اصحاب الحسین هم همین است، آن‌ها با پیوستن به حسین با انگیزه‌ای بسیار توحیدی و خالصانه به جایی رسیدند که عنوان انصار و اصحاب پیامبر را هم برای خود به ارمغان آوردند.

(السلام علیکم یا انصار الله و انصار رسوله و انصار امیرالمؤمنین و انصار فاطمه و انصار الحسن و الحسین و انصار الاسلام)^۱

اصحاب الحسین برای رسیدن به این مقام، ابتدا به حسین پیوستند و آن‌گاه در طول همراهی با حسین، جز خدا و حسین (که آیینۀ تمام‌نمای بندگی خداوند بود) را ندیدند و نخواستند. حتی امام بارها از آن‌ها خواستند که بروند، حتی دشمن آن‌ها را تهدید و تطمیع کرد، ولی آن‌ها حاضر نشدند حتی برای لحظاتی از حسین جدا شوند.

(مبلغ ارجمند نمونه‌ای از سخنان شهدای کربلا در شب عاشورا خطاب به حضرت را که مبنی بر وفاداری اصحاب بود می‌تواند در این بخش استفاده نماید) درباره‌ی ویژگی اصحاب الحسین در روز عاشورا به هنگام رزم‌شان با کوفیان چنین گفته‌اند :

«آن‌ها دست به قبضه شمشیر می‌بردند و مانند شیران غرآن به ما حمله می‌کردند، خود را در دهان مرگ می‌انداختند، امان نمی‌پذیرفتند، رغبتی به مال دنیا نداشتند و هیچ چیزی نمی‌توانست میان آن‌ها و مرگ فاصله اندازد.^۲ ... شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۳/ ۲۳۶.

۱. زیارت حسینی در بخش زیارت شهدا رک: مفاتیح الجنان ذیل اکثر.
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۳۶.

پس شهدای کربلا با رسیدن به اوج مقام معرفت، توکل و اخلاص توانستند به آن جا برسند که امام درباره‌اشان بفرماید: «انی لا أعلم اصحاباً اصحّ منکم و لا اعدل...»^۱ همانا من هیچ‌اصحابی را از شما کامل‌تر و عادل‌تر سراغ ندارم. و صد البته اصحاب‌المهدی، امتداد اصحاب‌الحسین هستند، چرا که شرط هم‌راهی با امام مهدی برای ایجاد حکومت دینی، معنوی و توحیدی جهانی، رسیدن به اوج خدا بینی و ترک تمام تعلقات غیر خدایی است. بدین جهت سلام بر حسین، وارث ابراهیم خلیل، یعنی تلاش برای رسیدن به آن جا که جز خدا ندیدن و رسیدن به اوج مقام توکل و اخلاص. البته در این صورت الطاف و امدادهای ویژه خداوندی، آن هم بلاواسطه بر ما نازل خواهد شد، همانند ابراهیم که در میان آتش بود، ولی آتش بر او گلستان شد.

ایده‌های داستانی :

قصه‌هایی از علما و یا شهدا که با زهد و دنیا‌گریزی به آن جا رسیدند که چشم ملکوتی آن‌ها گشوده شده و به مراتب بالایی از سیر و سلوک رسیدند و در این اوج سیر و سلوک، بهترین و برترین مهدی‌یاوران در عصر غیبت کبری برای امام غایب خود شدند.

همانند حکایاتی از مرحوم مقدس اردبیلی که دلوی به چاه انداخت تا آب وضو بردارد، که طلا بیرون آمد، ولی آن را باز گرداند.

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین 7 ص ۴۴۶ از الکامل فی التاریخ ج ۲ ص ۵۵۹.

۵. السلام عليك يا وارث موسى كلیم الله

در این فراز سخن از وراثت حسین از حضرت موسی با ویژگی کلیم اللهی حضرت موسی است که سه مرحله محتوایی دارد :
شخصیت قرآنی حضرت موسی؛
حسین وارث موسی کلیم الله؛
سلام بر حسین، وارث موسی کلیم الله؛

الف : شخصیت قرآنی حضرت موسی :

برای بازشناسی شخصیت قرآنی حضرت موسی به ویژه در قالب قصه‌های قرآنی می‌توان به آدرس‌های زیر مراجعه کرد :
سوره‌های: بقره، آیات ۵۱ به بعد، مائده، آیات ۲۰ به بعد، اعراف، آیات ۱۰۳ به بعد، شعراء، آیات ۱۰ به بعد، یونس آیات ۷۵ به بعد، کهف ۶۰ به بعد، طه، آیات ۹ به بعد، قصص، آیات ۳ به بعد، غافر، آیات ۲۳ به بعد و...
در قرآن هیچ قصه‌ای به گستردگی و تنوع قصه حضرت موسی آورده نشده است، البته این قصه‌ها غالباً قصه موسی و فرعون و یا قصه موسی و بنی اسرائیل است و گهگاه تک قصه‌ای خاص هم دارد همانند: قصه موسی و خضر، موسی و قارون، موسی و بلعم باعورا.

در عرفان و سیر و سلوک می‌گویند: روابط انسان با اطراف خود به چهار رابطه خلاصه می‌شود (رابطه با خود، خدا، جامعه و جهان هستی) و شاید در قرآن پیامبری همانند موسی نباشد که درباره‌اش به وسعت این چهار رابطه سخن گفته شده باشد و قرآن آن چنان که از ریزه کاری‌های زندگانی حضرت موسی از منظر این چهار رابطه اطلاعات می‌دهد، دربارهٔ هیچ پیامبری چنین نمی‌کند.

از این منظور کارکرد قصهٔ موسی در قرآن دو رویکرد کلی دارد. اوج مواجهه و نقطهٔ نهایی مواجههٔ حق با باطل آشکار در قالب کفر و شرک؛ نقطهٔ آغاز ایجاد جامعهٔ دینی و آسیب شناسی جامعهٔ دینی و معضل پیدایش باطل در پوشش دین.

البته در تمام این قصه‌ها و از میان این همه رابطه، اگر بخواهیم در شخصیت حقیقی و اصلی حضرت موسی از منظر قرآن نقطهٔ ای را در اوج بدانیم که در امتداد سیر تاریخی (آدم « نوح « ابراهیم « موسی) باشد، مقام کوه طور و سخن گفتن مستقیم خداوند و ارائهٔ تجلی‌های گوناگون برای او آن هم در چند مرحله و مرتبه بسیار شاخص است و همین ویژگی است که مقام کلیم الهی را برایش به همراه آورده است.

ب. حسین وارث موسای کلیم

حسین میراث دار موسی در مراتب گوناگون رسالت او بود، به ویژه که مشکل بزرگ امام حسین همانند موسی این بود که مبتلی به جامعهٔ دینی گمراه شده بود. جامعه ای که به فرمودهٔ پیامبر *حذو النعل بالنعل*^۱ (جای پا و کفش در جای پا و کفش دیگری) جا در پای راه تاریخی بنی اسرائیل گذاشته بود.

این شباهت‌ها چنان اوج می‌گیرد که سیدالشهدا موقع خروج از مدینه، در آغاز هجرتش آیهٔ زبان حال حضرت موسی را تلاوت می‌نماید *فخرج منها خائفا*

۱. بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۳۵۰.

یترقب...^۱ پس از مصر خارج شد در حالی که هراسان و نگران بود) و هم چنین است موقع ورود به مکه...

و یا همانند موسی که از خداوند یاری‌گری هارون را خواست (هارون اخی، اشدد به ازری،... : سوره طه)، حسین هم برادر (برادرانی) چون عباس داشت (که همانند امیرالمؤمنین برای پیامبر بود) و در برابر هم قارون‌ها و بلعم باعورهایی بودند که با استفاده از سرمایه و یا سلاح دین به جنگ حسین آمده بودند.

البته این‌ها میراث داری حسین در روابط زمینی خود از موسی است، ولی آن چه اوج شناسنامه سیدالشهداست، رابطه ویژه‌اش با خداوند است و به همین جهت است که حسین وارث موسی کلیم الله شده است.

البته تفاوت مهم و بزرگ و شرافت حسین بر موسی در این است که موسی مفتخر به سخن گفتن خاص خداوند با او بود، یعنی رابطه از بالا به پایین و از ربّ به مربوب، ولی افتخار حسین به نوع رابطه ویژه‌اش با خداوند است، رابطه ای از پایین به بالا که اوج آن در مهلت‌گیری شب عاشورا برای آخرین خلوت و راز و نیاز با معبود بود تا واپسین لحظات حسین چنین امتداد یافت که در قتلگاه این گونه زمزمه می‌نماید :

«صبر بر تقدیرات تو ای پروردگارا ای که هیچ معبود بر حقی جز تو نیست... صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین ما لی رب سواک و لا معبود غیرک...»^۲

ج) سلام بر حسین، وارث موسای کلیم

سلام بر حسین از منظر وراثت‌ش از موسای کلیم : یعنی آرزو و دعا برای بهره‌گیری از این رابطه کلیم وار که انبیا و معصومین خداوند داشتند.

۱. سوره قصص آیه ۲۱.

۲. ینابیع الموده ص ۴۱۸؛ فرهنگ جامع سخنان امام حسین ص ۵۷۴.

مگر نه این است که در روایات آمده :

« بنده‌ی من مرا اطاعت و پیروی نما تا تو را همانند خودم قرار بدهم. عبدی

اطعنی حتی اجعلک مثلی^۱»

« هر کس برای خداوند چهل روز خالصانه باشد پس خداوند جاری می‌سازد

چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش. من اخلص لله اربعین یوما فجرا لله

ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه^۲»

و در این مسیر برای فهم بهتر این سلام و آرزو، اصحاب‌الحسین بهترین

الگو هستند، از مهم‌ترین ویژگی آن‌ها الگو‌گیری از امام حسین در نوع رابطه با

حق تعالی بود. آن‌ها کسانی بودند که این توفیق را یافتند تا شب عاشورا هم‌راه

امام در مناجات‌هایش باشند و همان‌گونه که تاریخ نوشته است صدای آن‌ها در

شب عاشورا این‌گونه بود:

لهم دوی کدوی النحل : صداهایی همانند صدای زنبورها در کندوی عسل.^۳

بدین جهت در زیارت‌نامه‌های مأثور، این‌گونه به شهدای کربلا سلام می‌دهیم :

السلام علیکم یا اصفیاء الله (زیارت مطلقهٔ امام)

السلام علیکم یا ابرارالله (زیارت امام حسین در نیمهٔ ماه رجب)

و یا این‌که در انواع وحی، یکی از وحی‌ها، وحی به واسطهٔ فرشتگان است و

از این جهت هم دربارهٔ شهدای کربلا در زیارت‌نامه‌ها می‌خوانیم که :

السلام علیکم و علی الملائکه الحاقین بقبور کم اجمعین.

و این دلالت دارد که اگرچه پس از خاتمیت، وحی قطع شده، ولی نزول ملائکه

۱. مشارق انوار الیقین، ص ۱۰۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۴.

۲. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۳. الفتوح، ج ۵، ص ۱۱۰.

قطع نگردیده و یکی از مهم‌ترین محل نزول آن‌ها مزار یاران سیدالشهداست. بدین جهت پیام مهم این سلام همان فراز پایانی زیارت‌های حسینی است که (پس ای کاش بودم من با شما تا رستگار می‌شدم با شما. فی‌الیتنی کُنتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ مَعَكُمْ) و این یعنی این که از مهم‌ترین پیام‌های زیارت‌های حسینی که تجلی عینی و غیر معصومانۀ آن در شهدای کربلاست این است که انسان این ظرفیت را در خود ایجاد کند که داخل در این آیه قرآنی بشود:

G صبغۀ الله و من احسن من الله صبغۀ^۱F

که اگر این اتفاق البته با سیر و سلوک و تحمل همانند عزم آدم، صبر نوح و تلاش و سیر و سلوک توحیدی و موفقیت در امتحانات بزرگ را همانند ابراهیم و رنگ‌خدایی گرفتن همانند موسی انجام شد، آنگاه هم سخن خدا خواهی شد و همانند سیدالشهدا از مناجات کردن با خدا لذت خواهی برد.

ایده‌های داستانی :

قصه کربلایی کاظم که در نتیجه یک عمر زندگی پاک و سادۀ معنوی، هدیه حفظ قرآن، آن هم از طریق مشاهده نورانی آیات قرآنی به او موهبت شد.

ایده‌های تربیتی :

در روایات نبوی هشدارهای بسیاری درباره جامعۀ پس از نبی (به ویژه برای آخرالزمان) آمده که می‌باید مسلمانان جا پای بنی‌اسرائیل بگذارند و دین لقلقه زبان، یا حاشیۀ زندگی و یا ابزار دنیای آن‌ها شود. آسیب شناسی سیدالشهدا از کوفیان، همین حاشیۀ، ابزاری و شعاری شدن دین در متن زندگی آن‌ها بود و در برابر از آن‌ها می‌خواست که با احیای دین به سبک پیامبر چنان شوند که امدادهای الهی را چون موسای کلیم در زندگی خود مشاهده نمایند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۸.

۶. السلام علیک یا وارث عیسی روح الله

در این فراز به وراثت امام از آخرین پیامبر الوالعزم تا قبل از پیامبر اسلام اشاره می‌شود و باز شناسی این فراز هم در روندی معکوس چنین است :
شخصیت شناسی قرآنی عیسی روح الله؛
حسین، وارث عیسی؛
سلام بر حسین، وارث عیسی؛

الف : شخصیت شناسی حضرت عیسی :

برای باز شناسی شخصیت قرآنی حضرت عیسی به آیات زیر مراجعه باید نمود :
سوره‌های نساء، آیه ۱۷۱، مریم، آیات ۱۹-۳۴، آل عمران، آیات ۴۵-۵۷،
مائده، آیات ۱۱۰-۱۱۸

در شخصیت قرآنی حضرت عیسی از منظر روابط چهارگانه، آن چه مهم است، نوع رابطه‌اش با حق تعالی می‌باشد که در آخرین مرحله و مرتبه از انبیای بنی‌اسرائیل به مقام روح‌اللهی می‌رسد؛ یعنی در امتداد نبی‌اللهی نوح، خلیلی‌اللهی ابراهیم و کلیم‌اللهی موسی، اوج این سیر، روح‌الله شدن است؛ که روش و قالب آن برای ما می‌تواند همان مقام این آیه قرآنی: **انا لله و انا الیه راجعون**^۱ باشد یعنی از خداوند بودن و در نقطهٔ اوج به سوی خداوند بازگشتن.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

یادآوری :

دههٔ محرم امسال مصادف است با تولد حضرت مسیح و جالب است که شخصیت مسیح برای مسیحیان دو زاویه دارد: یکی، زاویهٔ رنج و مصیبت مسیح مقدس که البته از نگاه آنها با هدف گناه‌شویی برای مسیحیان است و دیگری، مسئلهٔ انتظار گسترده مسیحیان برای بازگشت و هیوط دوبارهٔ مسیح از عروج آسمانی خود که هدف آن ایجاد حکومت دینی عیسوی در آخر الزمان است.

از منظر تطبیقی بین این دو زاویه با فرهنگ تشیع و بررسی کامل و جامع بودن تشیع همین بس که زاویهٔ اول که بحث مصائب مسیح باشد، در مکتب تشیع، مصائب و ابتلائات سیدالشهداست و در زاویهٔ دوم هم فرهنگ انتظار مهدی موعود از نسل امام حسین وجود دارد که اتفاقاً مهم‌ترین یاور امام مهدی در دوران ظهورش عیسی خواهد بود.

البته تفاوت مهم این دو زاویه این است که مصائب و ابتلائات حسینی نه با هدف گناه‌شویی و اباحه‌گری، بلکه با هدف احیاگری و حفظ دین حق بوده است، دینی که نقطهٔ اوج و تعالی در آن ایمان، عمل صالح و تقواست و در مسئلهٔ انتظار هم، انتظار مسیحی رجعتی به گذشته است؛ یعنی انتظاری پویا، رو به جلو و کاملاً نگاه به آینده نیست، در حالی که در تشیع به جای توقف (همانند واقفیه نسبت به امام موسی بن جعفر) بر امام حسین، امتداد حسین را در امام مهدی‌ای می‌بینند که در زمان حال تا آینده حضور دارد و امامتی پویا، زنده، مستمر، رو به افق دارد و چشم انداز مثبت آینده را مدیریت می‌نماید.

به هر حال با مطالعه کتاب‌های مختلف^۱ اگر نیاز بود می‌توان در صورت فراهم بودن شرایط از منظر نگاه تطبیقی بین مسیح، عاشورا و انتظار در دههٔ محرم مباحث اعتقادی، ایمانی و عاشورایی زیبایی ارائه نمود.

۱. زیبایی نژاد، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای.

ویژگی‌های قرآنی حضرت عیسی :

مؤید بودن و یاری شدن توسط روح القدس از بدو تولد تا آخرین لحظه رسالتش تأیید کردیم عیسی را به واسطه روح القدس. G ایدناه به روح القدس^۱ F
غیب آگاهی حضرت به رفتار بنی اسرائیل همانا خبر می‌دهم شما را به آن‌چه می‌خورید و آن‌چه که ذخیره می‌نماید. G اُنْبئکم بما تاکلون و ما تدخرون^۲ F

معجزات متنوع؛

تربیت حواریون؛

بشارت و هشدار نسبت به آینده؛

عروج ویژه آسمانی به هنگام شدت گرفتن اوج فتنه یهود.

این ویژگی‌های حضرت عیسی همگی در مقام انجام آخرین تلاش‌ها برای اصلاح احتمالی بنی اسرائیل و بازگشت جامعه دینی و به ویژه جامعه خواص آن‌ها به سوی صراط مستقیم بود تا خداوند نعمت ویژه ای را که به بنی اسرائیل داده بود «فَضَّلْکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ یعنی برتری دادیم شما را بر عالمیان» تبدیل به لعنت ابدی و نفرین شدگی همیشگی آن‌ها ننماید G لَعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِیْ اِسْرَائِیلَ F؛ «لعنت شدند کسانی که کافر شدند از قوم بنی اسرائیل».^۳

ولی متأسفانه دنیازدگی، تعصب، پیروی از خواص گمراه و کتمان حقایق سرانجام لعنت ابدی را برای آن‌ها به همراه آورد.

ب) حسین وارث عیسی روح الله :

حسین وارث عیسی است، همان گونه که امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب وارث عیسی بود و روایات درباره میراث داری امیرالمؤمنین از عیسی روح الله چنین است :

۱. سوره بقره، آیه ۹۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۴۱.

۳. سوره مائده، آیه ۷۸.

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَيْسَى فِي عِبَادَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طَالِبٍ»^۱.

و روایات دیگر: «فی سیاحتہ، فی حب کل مؤمن و معاشرته، فی زہدہ، فی

ورعہ».

از منظر این روایات نقطه اوج حضرت عیسی زهد و عبادتش است و به واسطه همین زهد و عبادت مدام مؤید به روح القدس بوده تا شاید بتواند بنی اسرائیلی را که در اوج گمراهی، ضلالت و جاهلیت دینی خود بودند، هدایت نماید.

و آن گاه که لجاجت‌ها و توطئه‌های یهود بحرانی خطرناک را برای عیسی رقم می‌زند، خداوند پیامبرش را که روح الله است، مستقیم به آسمان‌ها عروج می‌دهد.

(و پس از هبوط آدم، سرانجام عروج و صعودی خاص در عالم انسانی

صورت می‌گیرد).

سیدالشہدا هم از این جهت میراث دار عیسی روح الله است، او هم در سیر قیام خود مؤید به فرشتگان بود، اگر چه یاری آن‌ها را نپذیرفت تا خونش بر زمین ریزد و ثارالله گردد و برای همیشه ضامن حفظ دین حق شود و در این مصیبت مزارش همیشه کانون بیش‌ترین حضور ملائکہ می‌باشد، پس عیسی روح الله و حسین ثارالله است.

او برای قیامش همانند حواریون، اصحاب الحسین را تربیت نموده و به دنیا

عَلَم نمود تا نشان دهد که حسینی شدن امکان دارد،

او هشدار دهنده، نسبت به باقی ماندن بر باطل و بشارت دهنده به آینده

روشن بشریت در پایان تاریخ بود.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۱۹؛ همان، ج ۳۹، ص ۳۹.

ولی آن چه حسین را وارث ویژه عیسی نمود، روح بلند حسین بود، روحی که در مقام عبودیت به آن‌جا رسید که درباره‌اش فرموده‌اند^۱ و این به دلیل آیات پایانی آن می‌باشد که می‌فرماید:

G یا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی F هان ای نفس آرامش‌یافته خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان بندگان من درآ، و در بهشت من داخل شو.

و این یعنی امام در نقطه اوج سیر و سلوک تاریخی و معنوی خود به آن‌جا می‌رسد که آن روحی که خداوند در انسان دمید (و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي وَ دَمِیدم در جسم آدم از روح خودم) حقیقتاً به واسطه عبادت و عبودیت، به مقام روح الهی اکتسابی رسیده و به بالاترین مراتب وجودی خود می‌رسد و در اوج مرتبه روحانی خود واسطه فیض و هدایت تاریخی همه انبیا می‌گردد.

پس حسین روح خداست؛ یعنی بنده ای است که در اوج قیام خود، مرگ و شهادت را خودش انتخاب می‌کند (همان‌گونه که حضرت عیسی می‌فرماید: Gوالسلام علیّ یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیاًF: «و سلام بر من روزی که متولد شدم و روزی که می‌میرم و روزی که برانگیخته می‌شوم»^۲).

و این اوج مقام روح الهی است:

عیسی در اوج این مقام، رفعت به آسمان و لقاء الله، و حسین هم ارجعی الی ربک را انتخاب می‌کند.

و البته این ارجعی الی ربک حسین بسیار بالاتر از رفعت و عروج عیسی است و عمق سرخی رجعت آسمانی حسین، حتی نقطه توسل عیسی روح الله در اوج سختی هایش است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۳.

۲. مریم، آیه ۳۳.

پس مقام روح الهی، مقام مرگ آگاهی است و این که پس از عمری اطمینان نفس، به عبودیت برسی و در اوج مرتبه عبودیت، مرگ آگاه شوی و آن گاه در انواع مرگ‌ها، مرگ انتخابی شهادت را برگزینی و این حسین است که در روز عاشورا پس از انتخاب آگاهانه و عاشقانه شهادت، چندین مرتبه با خون قلب و گلوی خود، محاسن و صورتش را خضاب نمود تا آغشته به ثارالله (خون خدا) به مقام ارجعی الی ربک نائل شود.

ج) سلام بر حسین، وارث عیسی روح الله :

سلام و درود بر وراثت روح الهی حسین : یعنی الگو و اسوه قرار دادن این اوج مرتبه ای که برای بشر و انسان کامل تحقق یافته است، چرا که هیچ چاره‌ای از بازگشت به سوی خداوند نیست G انا لله و انا الیه راجعون F ولی مهمم چگونگی این بازگشت است.

و این پیام مهمم و همیشگی حسین در طول قیامش بود که: «شما را از مرگ مفرونی نیست و من شهادت را انتخاب کرده‌ام همان شهادتی که همانند گردنبند برای بانوان می‌باشد.»^۱

پیام یاران حسین در شب عاشورا (همانند عهد و پیمان مکرر حواریون با حضرت عیسی) این بود که ما با تو آمده و مانده ایم که روح‌های به ظاهر همانند روح‌های دیگر کوفیان و مسلمانان آن عصر و زمانه، با عروج در پیش روی تو، در تاریخ ماندگار شود و بلکه بالاتر، مستقیم همانند روح تو به بهشت برود (و ادخلی جنتی بشود)

لذا از امام صادق روایت شده که: امام منازل اصحابش را در بهشت به آن‌ها نشان داده بود و آن‌ها دیگر وحشتی از مرگ نداشتند و در مرگ پیش روی امام

۱. لهوف، سید بن طاووس، ص ۲۶.

با هم‌دیگر مسابقه می‌گذاشتند.^۱

بدین ترتیب سلام دادن به مقام روح‌اللهی حسین و عیسی: یعنی روحی که بالاترین هدیه‌ی خداوند به ماست، را با شربت معرفت، طاعت، عبادت و عبودیت در پناه توسل و تقرب به اهل‌بیت و به ویژه سیدالشهدا چنان رشد و تعالی بخشیم که مرگ آگاه شده و عاشق عروج و شهادت، در پیش روی امام معصوم و ولی زمان بگردد، «والمستشهدین بین یدیه- زیارات مهدوی».

و صد البته خاصیت مرگ آگاهی و آرزوی شهادت به معنی غفلت و روی‌گردانی از دنیا نیست، بلکه ایجاد حالتی از خوف و رجا است که بهترین بالاترین تلاش و فعالیت را در عین زهد و عدم دلبستگی به شیعه می‌دهد تا بدان حد که اگر ناگهان در میان راه مواجه با دعوتنامه شهادت حسین شد، نه تنها شوکه نشده و فرار نکرده، بلکه عاشقانه در پیش روی امام سینه سپر کرده و جان‌فدای امام کند.

ایده‌های داستانی:

قصه‌ای مشهور که درباره‌ی مردی است که مقام شهدای کربلا را کم می‌دید، در خواب دید در صحنه‌ی کربلاست و قرار است تیرهای دشمن که به طرف امام می‌آید را به جان بخرد، ولی او از وحشت جای خالی می‌دهد و...^۲

قصه سعید بن عبدالله حنفی از آغاز پیوستنش به امام تا ماجرای شهادتش در کربلا و شوقی که از شهادت پیش روی حسین دارد.

و حکایت‌های فراوان از مرگ آگاهی علمای بزرگ و شهدای جنگ تحمیلی، که زمان مرگ خود را می‌دانستند و با آمادگی به استقبال مرگ می‌رفتند و این نتیجه‌ی تهذیب نفس، عمل صالح و معرفت بالای آن‌ها بوده است.

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. رک: عبقری الحسان / مرحوم نهاوندی.

۷. السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله

این فراز، پایان سیر تاریخی انبیا و آغاز دوران چهارده معصوم در مقام بیان وراثت حسین از جدش، رسول خدا با ویژگی حبیب اللهی پیامبر است که در باز شناسی معکوس سه گانه، شامل مراحل زیر می باشد :

محمد حبیب الله؛

حسین وارث محمد حبیب الله؛

سلام برحسین وارث محمد حبیب الله؛

الف : محمد، حبیب خداوند :

اوج مقام سیر و سلوک و صعود انسان در مسیر قرب و تعالی آن است که بنده به مقامی برسد که به جای آفریده‌ها و بندگان، جایگاهی بسیار ویژه نزد آفریدگار خود بیابد با او به عشق‌بازی و رابطه‌ای دو سویه پایدار برسد. در حرکت و سیر تاریخی انبیا نقطه پایان، حضرت محمد مصطفی است، او اگر چه عصاره تمام صفات درخشان انبیاست ولی در جهان هستی بین او و حق تعالی رابطه ای ویژه وجود دارد که در گزاره‌های دینی به عنوان نمونه چنین اشاره شده است :

قرآن :

Gأَمْرٌ لِّأَنَّ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ^۱. همانا مأمور شده‌ام تا باشم اولین تسلیم شده‌ها.

Gرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ^۲. رحمت برای عالمیان

Gعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^۳. بر اخلاق بزرگ می‌باشد.

روایات :

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي^۴ اولین چیزی که خداوند آفرید نور من (پیامبر) بود.
ما خلق الله خلقا افضل مني^۵. خداوند نیافرید، آفریده‌ای را برتر از من (پیامبر اسلام).

با مطالعه متون دینی شخصیت ویژه نبوی در نگاهی اجمالی این گونه ترسیم شده است :

اولین آفریده (در عالم نور و عقل)؛

واسطه آفرینش عالم نور و روح؛

واسطه آفرینش آسمان‌ها و عوالم سه گانه دنیا، برزخ و قیامت؛

اشرف انسان‌ها و اشرف انبیا بودن؛

اشرفیت در خُلق و خو و اوصاف انسانی (انسان کامل، عصمت، غیب آگاهی

محض و به دور از تمام عیب‌ها و آلودگی‌ها و نقص‌های انسانی در عالم دنیا و غیر دنیا)؛

۱. ۱۲ زمر.

۲. ۱۰۷ انبیا.

۳. قلم ۴.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۴۲، عوالم اللالی، ج ۴، ص ۹۹.

۵. علل الشرایع ۵/۱.

مظهر تمام اسما و صفات الهی بودن برای کل جهان هستی، که سرآمد این مظهریت، رحمت و اسعه بودن ایشان است؛

نقطه ثقل کانون سیر و حرکت تاریخی بشریت بودن، به گونه‌ای که پایان دوران نبوت (ختم نبوت) و آغاز ولایت و امامت (عصمت مطلقه و راهبری جهان به سوی ظهور) با ایشان بوده است.

ثمره این همه مقام و فضائل، رسیدن به مقام حبیب اللہی است؛ یعنی اوج محبت و دوستداری خداوند نسبت به ایشان، دوستی ای که هم‌راه در نهایت لذت، شادمانی، سرور و اعطای امتیازات ویژه به محبوب است.

بدین جهت است که خداوند در سیر و حرکت تاریخی، معنوی و سلوکی خود با انبیا، مقام‌های گوناگونی به آن‌ها می‌دهد (صفوة الله، نبی الله، خلیل الله، کلیم الله، روح الله)، ولی محمد را تنها حبیب و دوست خود اعلام کرده و در نقطه اوج این محبت، حتی او را به معراج و دیدار ملکوتی خود می‌برد و هدیه این سفر آسمانی، مقام شفاعت گری ویژه ای است که خداوند در دنیا و آخرت در رابطه بین خود و بندگانش به محبوبش، محمد هدیه می‌دهد.

خلاصه سخن این که :

اگر الله اسم جامع تمام اسامی، اوصاف و کمالات خداوند است، حبیب هم یعنی مظهر کامل و تام محب بودن و محمد به این مقام نرسید، مگر این که همان گونه که در تشهد نمازهای روزانه پنج مرتبه شهادت می‌دهیم که :

(اشهد ان محمد ا عبده و رسوله)

گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

یعنی راه رسیدن به مقام محبوبیت حق تعالی از راه بندگی خالصانه خداوند است بندگی ای که در این فراز مقدم و پیش شرط حتی رسالت هم ذکر شده است.

ج) حسین وارث محمد حبیب الله :

در مقام وراثت اگر چه پیوندی عمیق بین وارث و مورث است، ولی به هر حال نوعی فاصله و دوگانگی بین آن‌ها می‌باشد تا بحث وراثت مطرح شود و وراثت حسین از انبیا از همین جهت بود.

ولی مفهوم وراثت در این فراز از معنای اصطلاحی خود، به معنایی شبیه معنی عینیت و اتحاد می‌رسد تا مقام این همانی عینی و ذاتی را در تمام ابعاد منتقل کند، چرا که اگر حبیب الله شدن، یعنی آیینۀ اسما و صفات الهی، وراثت از حبیب الهی هم وراثتی کامل و مطلق خواهد بود و دیگر تک بعدی و یا منحصر به چند بُعد نمی‌شود، پس وراثت حسین از محمد اوج وراثت معنوی، معنایی و حتی فیزیکی، اخلاقی و دنیوی او از پیامبر است، چرا که :

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»^۱ «همانا حسین از من و من از حسینم».

از این منظر شایسته توجه است که با آغاز دوران امامت و ولایت که نقطه اوج و آغازین آن پیامبر اسلام است، تمامی سیزده معصوم دیگر آیینۀ تمام نمای پیامبر هستند (کلهم نور واحد)، ولی تجلیات زمانی و مکانی آن‌ها متفاوت است. و بدین جهت است که شعار و برنامه تمامی چهارده معصوم، احیاء اجرای دین و سیره نبوی در طول تاریخ پس از پیامبر بوده است، همان گونه که امیرالمؤمنین پس از ۲۵ سال غصب خلافت، خلافت را تنها به این شرط پذیرفت که بر قرآن، سنت و سیره پیامبر عمل نماید.

و یا امام مهدی در موقع ظهور ضمن این که آیینۀ تمام نمای پیامبر در نام، کنیه، خلق و خو، سیما، چهره، سخن و... هستند، هدفشان احیاء و اجرای جهانی سیره و سنت نبوی است.

حسین بن علی هم همین گونه است:

۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۲۷.

او هدف قیامت : احیاء و عمل به سیره جدش بود (أُسیرٌ بِسیرةِ جَدِّی : موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۵۴)؛ همانا عم می‌نمایم به سیره و روش جدّم پیامبر.

آئینه تمام‌نمای پیامبر در زمانه خود؛

امتداد نسل پیامبر در زمان خود؛

تمام فرزندان را بر خلق و خوی نبوی تربیت و رشد داده بود «أَشْبَهَ النَّاسَ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنَظِقًا بِرَسُولِ اللَّهِ»^۱ شبیه‌ترین مردم از جهت صورت و سیرت و روش به پیامبر خداوند بود.

و این یعنی اوج وراثت از پیامبر که نه تنها در تمام ابعاد وجودی شخصی و فردی خود آئینه! بلکه در تربیت خانوادگی، اجتماعی و حتی حرکت تاریخی و تاریخ ساز خود، احیاگر و آئینه تمام‌نمای پیامبر باشی.

ج) سلام بر حسین، وارث محمد حبیب خدا :

سلام بر وراثت حسین از جدش، یعنی درخواست برای رسیدن به اوج سلوک و تقرب در پناه سیر و حرکت تاریخی حسین، در پناه تاریخ انبیا که نقطه اوج آن محمد حبیب خدا می‌باشد: یعنی اگر نقطه اوج پیامبری و انسان کامل، پیامبر اسلام است، برای انسان‌های معمولی هم نقطه اوجی است که اگر دست در دست حسین بگذارند و همانند او در سیر حرکت تاریخی انبیا، همراه او شده و جا در قدمگاه او بگذارند، سرانجامشان چنین خواهد بود :

«أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حَسِينًا»^۲. «همانا خداوند دوست خواهد داشت هر کسی

که حسین را دوست بدارد».

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۷۴.

و این یعنی این که اگر مقام حبیب‌اللهی پیامبر (که نقطه اوج تاریخی پیامبران از صفوة‌اللهی تا روح‌اللهی است)، رحمت عالمیان را برایش به ارمغان آورده است، مقام وراثت حسین از مقام حبیب‌اللهی پیامبر هم برای انسان‌ها حب‌الحسین را به ارمغان آورده که ثمره حب‌الحسین می‌تواند از معبر وراثت حسین و از معبر حبیب‌اللهی پیامبر، ما انسان‌های معمولی و عادی را به محبوب خداوند شدن برساند. پس پیامبر در اوج خود حبیب‌الله است، حسین هم از پیامبر است، ما هم از راه محبت حسین می‌توانیم محبوب حق تعالی بشویم.

البته تأکید و تکرار می‌شود که رسیدن به این مرتبه برای حسین، به واسطه اثبات مقام این همانی برای ایشان (منی) است؛ یعنی اتحاد و عینیت با پیامبر و برای ما انسان‌های معمولی هم می‌تواند، رسیدن به مقام این همانی و رساندن خود به درک فضایل اهل‌بیت و عمل به آن‌ها (مناً) باشد، (سلمان مناً اهل‌البیت) و راه رسیدن به این مقام، حب‌الحسین است و حب‌الحسین بدون سیر و سلوک و با شعار به دست نمی‌آید، همان‌گونه که پیش شرط مقام حبیب‌اللهی پیامبر مقام عبده بود. و خلاصه سخن این که نقطه اوج برای انسان‌ها مقام محبوب خداوند شدن است و برای ما انسان‌های معمولی مسیری پلکانی وجود دارد که تنها راه است مسیری که سه پله هم بیش‌تر ندارد و آن مسیر مسیر الگوگیری از اصحاب معصومین و آن‌گاه مسیر معصومین که در نقطه اوج آن‌ها امام حسین است و سرانجام مسیر پیامبر است که نهایت آن معراج است.

بدین جهت بهترین الگو برای تست زدن خود نسبت به مقام حب‌الحسین در برزخی بین مقام شعار و عمل، مقایسه خود و جامعه خودمان با کوفیان می‌باشد. کوفیانی که عده زیادی از آن‌ها به حسین نامه نوشتند و ادعای محبت کردند، ولی در مقام عمل جز حدود چهل نفر از کوفه به امام نپیوستند.

برای فهم بهتر مقام حب‌الحسینی و راه و روش آن، قطعاً بهترین الگو و اسوه برای یاری‌رسانی به حسین، راه حب‌الحسین انصار الحسین و انصار المهدی است. همان‌ها که از راه محبت حسین و مهدی به مقام بهره‌مندی از

مقام اسوه بودن پیامبر (لکم فی رسول الله اسوة حسنة) دست یافته و بدین گونه در امتداد مسیر و قوس نزولی از پیامبر به اهل بیت و از اهل بیت به دیگر انسان ها در سلسله محبوبین حق تعالی قرار گرفته اند.

ایده های داستانی :

قصه سیر و سلوک سلمان، که از توجه به فطرت آغاز شده، تا رسیدن به مقام «منا اهل بیت» است و در اواخر عمرش هم (زمان خلافت عثمان) به تلاش گری برای جمع کردن و نیروسازی از جوانان جامعه برای قیام حسینی است. (ماجرای تحول زهیر بزقین)

قصه و سرگذشت تحلیلی و روضه حبیب بن مظاهر، به عنوان بهترین مدل و الگو برای مدل شناسی چگونگی کسب حب الحسین و محبوب حسین شدن.

ایده های تربیتی :

راهکار قرآنی محبوب شدن آن هم نزد خداوند، پیامبر و امام حسین (نه هر محبوبیت و عزتی : فله العزة جمیعا و للرسول...) پژوهش در کلید واژه حب و دسته بندی یحب و لا یحب قرآنی، آن هم از منظر صفات، خصوصیات و رفتارهای انسانی است تا با سلوک تدریجی در دایره محبوبیت های خداوندی به مقام :

یا لیتنی معکم فافوز فوزا عظیما برسیم.

(ای کاش من با شما (یاران سیدالشهدا) بودم تا برسم به رستگاری بزرگ-

زیارات حسینی)

۸. السلام عليك يا وارث امير المؤمنين :

این فراز اولین و آخرین وراثت حسین از غیر انبیا می‌باشد و تنها فراز وراثتی است که نام معصوم در آن ذکر و تنها به لقب اکتفا شده است. مباحث سه گانه این فراز به شرح زیر است :

الف) امیرالمؤمنین 7:

ب) حسین، وارث امیرالمؤمنین:

ج) سلام بر حسین، وارث امیرالمؤمنین :

الف) امیرالمؤمنین 7:

در مورد لقب امیرالمؤمنین برای امام علی، موارد و نکاتی چند را می‌توان مطرح نمود :
معنی لقب از منظر کلامی - تاریخی چنین است که :
مهم‌ترین نیاز مؤمنان پس از نبوت، نیاز به داشتن امیر و رهبر است و نمی‌توان تاریخی را که با خلیفه‌اللهی حضرت آدم شروع شده و با امامت ابراهیم و پیامبر امتداد یافته است (بر اساس سیر معرفتی و تاریخی زیارت وارث)، ناگهان بدون رهبر و سرپرست رها کرد.

یعنی برای اثبات ضرورت نیاز به امامت، ادله عقلی و نقلی گوناگون وجود دارد، ولی یکی از مهم‌ترین استدلال‌های زیبا و علمی و در عین عام و خاص فهم، استدلال تاریخی است یعنی مطالعه آغاز، سیر و انجام تاریخ انبیا اثبات

خواهد کرد که حکمت خداوندی در این سیر نمی‌تواند با قطع ناگهانی جریان ولایت و رهبری معصومانه همراه باشد.

معنی و تفسیر لقب امیرالمؤمنین از منظر اجتماعی چنین است که :
محور رهبری و امامت امام، برای جامعه ایمانی و جامعه مؤمنان است؛ یعنی همان جامعه‌ای که پیامبر با ایجاد عقد اخوت بین مسلمانان، سعی در ایجاد آن داشت تا در این جامعه، اولاً: معیار قضاوت‌ها، انتخاب‌ها و امتیازها تنها ایمان (اسلام و عمل صالح) باشد، نه معیارهای دنیوی، مادی و اجتماعی.
و ثانیاً: این که در این جامعه اگر نیامدی یافت شد، تمام مؤمنان دیگر و حداقل برادران هم پیمان او، به یاری‌اش بشتابند و جامعه‌ای رو به رشد، به دور از تبعیض و محرومیت و رو به پیشرفت دنیوی و معنوی در سایه امامت معصومانه امام داشته باشند.

کار کرد لقب امیرالمؤمنین از منظر سیاسی - کلامی چنین است که :
تلاش جریان خلافت و امویان پس از رحلت پیامبر، ایجاد سیستم سیاسی - حکومتی سکولار برای جهان اسلام بود، البته آن‌ها خلیفه و خلافت را ریاست بر امور دین و دنیای جامعه اسلامی می‌دانستند، ولی با انتخاب خلیفه غیر معصوم و نهادینه کردن، اصل سکولار بودن را در شخص خلیفه پذیرفتند و بعد از سی سال آن گاه که خلافت به معاویه رسید، هم گفتند :

الخِلافة ثلاثون سنة ثم بعده الملك^۱ : مدت خلافت اسلامی سی سال است و پس از آن سلطنت و پادشاهی خواهد بود.

یعنی نظام سیاسی اسلام پس از سی سال، تبدیل به نظام پادشاهی‌ای شد که نه در شخص، نه در مینا و اصول موضوعه و نه در نظام سیاسی، در هیچ کدام دین و شریعت جایی نداشته و شریعت به امری فردی و بعضاً اجتماعی تبدیل شده است که اگر قیام حسینی انجام نمی‌یافت، همین هم تدریجاً از بین می‌رفت.

۱. مسند احمد بن حنبل، حدیث ۲۰۹۱۰.

ولی هیچ یک از این طرح‌ها، طرح اسلام و قرآن نبود، بلکه طبق آموزه‌های قرآنی و نبوی، نظام سیاسی پس از ایشان، نظامی دینی-دنیوی با رهبری امامی معصوم بود که شریعت در تمام سطوح آن جاری و ساری است.

بازتاب نگاه اول را اکنون در تمام جهان اسلام می‌توان یافت که مسلمانان در کشورهای اسلامی تحت سلطه حاکمان غیر متشرع و وابسته هستند که هیچ آگاهی و تعهد دینی ای هم ندارند، ولی همه بر طبق آموزه‌های دینی غیر شیعی به آن راضی و تسلیم هستند، در حالی که در مکتب تشیع حتی اگر حاکمیت دینی هم نباشد، شیعیان نباید حاکمیت‌های موجود را مدل مطلوب حاکمیت اسلامی فرض کنند و نباید مدلی جز مدل امامت و یا نیابت عامه و ولایت فقها را بپذیرند.

با این نگاه پیام لقب امیرالمؤمنین برای جهانیان این است که اگر خواستار و تشنه عدل علوی هستید اول می‌بایست خود گام اول را بر دارید و به جرگه ایمان داخل شوید تا امارت، امامت و رهبری امام علی برای شما معنا پیدا کند و از عدالت واقعی او بهره‌مند شوید و گرنه اگر غیر مؤمن و نهایتاً دارای اسلام سطحی باشید تبدیل به بزرگ‌ترین موانع پیش روی امارت امیرالمؤمنین می‌گردید، درست همانند کوفیان که با اسلام سطحی خود و رضایتشان به دنیا و حکومت‌های دنیا پرستان، باعث شکوه و نفرین امیر المؤمنان شدند.

کار کرد کلامی - تاریخی لقب امیرالمؤمنین :

از شرایط عقلی و نقلی در نبی و ولی، افضلیت در زمانه خود بودن است و آن افضلیت در تمام صفات کمال و آن چه که در روایات از جنود عقل (در برابر جنود باطل) شمرده شده است، می‌باشد.

معنای دیگر لقب امیرالمؤمنین برای امام علی این است که ایشان امیر و سرآمد تمام مؤمنان زمان خود (صحابه و تابعین) در تمام صفات کمال بود. مؤید روایی و نقلی این مدعا، همین زیارت وارث است (به این دلیل که فراز آغازین برخی از زیارات علوی هم، زیارت وارث علوی از انبیاست) چرا که سیر و امتداد

تاریخی نبوت اقتضا می کند که اوصیای انبیا، به ویژه وصی خاتم الانبیا هم، افضل و جامع جمیع صفات کمال باشد :

عن النبی : من اراد أن ينظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی حکمته (سلمه، عزمه، فهمه، تقواه، شکره لربه) و الی ابراهیم فی حلمه (وفائه و خُلَّتته، سخائه، وقاره) و الی موسی فی فطنته (مناجاته، بطشسه، هیبتته، فی بغض کل عدو الله، منابذته) و الی عیسی فی عبادته (حب کل مؤمن و معاشرتته)، و الی ایوب فی صبره و بلائه، و الی یحیی بن زکریا فی زهدته، و الی یوسف فی جماله، و الی سلیمان فی بهجتته (و قضائه) و الی اسماعیل فی صدقه ؛ فلینظر الی علی بن ابی طالب هذا، فاما المومنون فازدادوا بذلك ایمانا و اما المنافقون فاز داد نفاقهم.^۱

هر کس می خواهد بنگرد به آدم در دانش او و به نوح در حکمتش (و سلم بودن و صاحب عزم بودن، صاحب فهم بودن، پرهیزگاری اش و سپاسگذار بودنش برای خداوند) و به ابراهیم در برداری اش (و وفاداری اش و نیازمندی اش و سخاوتش و هیبتش) و به موسی (در مناجات هایش و جرأتش و هیبت اثر و دشمنی اش با هر دشمن خداوند و...) و به عیسی در عبادتش (دوست داشتنش هر مؤمن را و معاشرتش با آن ها و مردم) و به ایوب در صبرش و بلا و ابتلایینی اش و به یحیی بن زکریا در زهدش و به یوسف در جمالش و به سلیمان در برخورداری اش (و قضاوتش) و به اسماعیل در راستگویی اش: پس بنگرد به علی بن ابی طالب، چرا که مؤمنان به واسطه این نگریستن و نگرش به زیادتیی ایمان رسیده و منافقین را این نگاه جز نفاق بیش تر به همراه نخواهد داشت.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۱۹، ج ۳۹، ص ۳۵، ص ۳۸، ص ۸۱.

ب) حسین، وارث امیرالمؤمنین :

معنی وراثت حسین از امیرالمؤمنین در کنار اثبات ضرورت استمرار امامت و پیوستگی آن، اثبات مصداق و سیر آن بر اساس پیش بینی، طبق روایت نبوی دوازده امام می‌باشد و این که امامت پس از حسین، در ذریه حسین می‌باشد.

معنی وراثت با این نگاه دو معنی حقیقی و واقعی است :

۱. معنی حقیقی وراثت است: به معنی وراثت بر حق، امر امامت می‌باشد ۲. وراثت واقعی است و بدین معناست که حسین وارث علی است، در مظلومیت و صبر و تحمل آزارها و مصیبت‌هایی که از جامعه اسلامی متحمل شد.

معنی واقعی وراثت: این است که حسین ده سال، همانند ۲۵ سال خانه نشینی امیرالمؤمنین در مدینه شهر پیامبر زیست، ولی نه مرجعیت سیاسی داشت و نه حتی مرجعیت علمی و دینی و در برابر نظام خلافت و بنی امیه از میان صحابه زنان و مردانی را تراشیده بودند که اگرچه بعضاً پیامبر را چند سالی اندک دیده بودند، ولی از عمق معارف او چندان آگاه نبودند و یا کتمان حقایق می‌کردند پس این نظام به آن‌ها در برابر اهل بیت مرجعیت علمی و جایگاه اجتماعی بخشیده بود تا با ایجاد و حضور این‌ها در جامعه باعث رویگردانی مردم از اهل بیت پیامبر شوند.

ولی با تمام این تلاش‌های جبهه باطل حسین وارث علی است :

و این وراثت یعنی همان گونه که امیرالمؤمنین در طول ۲۵ سال با تلاش‌های تربیتی خود به احیا و جذب استعدادهای عدالت خواه و جوان جامعه همانند: مالک اشتر، صعصعه، حارث همدانی، کمیل و محمد بن ابی بکر (در خانه خود) پرداخت، حسین هم در طول ده سال امامت خود اگر چه رابطه‌اش با جامعه قطع بود، ولی با توجه به تربیت ویژه بنی هاشم و سعی بر حفظ رابطه با خواص شیعه در عراق به تربیت و آماده سازی آن‌ها برای قیام تاریخی عاشورا پرداخت. و آن‌گاه تلاش نمود همانند پدرش (امیر المومنین) در فرصت خلافت و قیام (حسینی) به تبیین حقیقت امامت نور در برابر امامان نار و باطل پردازد و نشان

دهد، امتداد پیامبر و امیرالمؤمنین در حسین است نه یزید.
حکایت: امام در راه عراق بود که با مردی کوفی به نام بشر بن غالب اسدی روبرو شد و در ضمن صحبت با او، بشر از امام درباره آیه (یوم ندعو کل اناس بامامهم)^۱ پرسید:

امام فرمود: «این امامان دو گروه هستند: امامان هدایت که به هدایت دعوت می‌نمایند و امامان گمراهی که به گمراهی دعوت می‌کنند. پس هر کس اولی را پذیرفت، به بهشت رهنمون می‌گردد و ثمره دومی آتش جهنم است و این معنی آیه قرآن است که می‌فرماید: فریق فی الجنة و فریق فی السعیر^۲ گروهی در بهشت هستند و گروهی در آتش دوزخ

بشر بن غالب وقتی پاسخ را شنید، از امام خداحافظی کرد و رفت.^۳ بعدها پس از شهادت امام به شدت پشیمان شد، چرا که خود آغازپرسش‌گری از امام بود، امام هم جواب را به او داده بود، ولی او آن قدر بصیرت (همانند زهیر و حر) و شهامت نداشت که بفهمد الان امام نور و هدایت، حسین است، پس باید متابعتش کرد.

ج) سلام بر حسین، وارث امیرالمؤمنین:

معنی این سلام در آخرین فراز از سلام‌های وراثتی زیارت است، به معنی پذیرش امامت امامان نور و اطاعت آگاهانه و عاشقانه از آن‌ها، درست همانند اصحاب الحسین است، آن‌ها که پس از ریزش ناخالصی‌ها در شب عاشورا گرد حسین حلقه زده بودند و نه تنها مزاحم امام نبودند، بلکه کاملاً امام را می‌شناختند و بازتاب این شناخت و آگاهی را می‌توان در سخنانشان در آغاز شب عاشورا خطاب به امام، مشاهده کرد.

۱. اسراء ۷۱.

۲. شوری ۷.

۳. الفتح، ج ۵، ص ۱۲۰.

(مبلغ ارجمند می‌تواند با بیان برخی از پاسخ‌ها به معرفی عرفی امام آگاهی، امام باوری و اوج امام یاوری اصحاب‌الحسین بپردازد.)
 این اصحاب در اوج اخلاص و بصیرت خود، گوش به فرمان فرامین امام بودند و عشق‌شان هم‌نوایی با مناجات شبانه حسین بود، مناجاتی که در طول تاریخ چهارده معصوم تاکنون بی سابقه است، که امامی معصوم و یارانش در آخرین شب عمرشان هم‌راه و هم‌نجا با هم شوند، این اوج افتخار، لیاقت و رشد برای یک انسان می‌تواند باشد که از جهت ایمانی به آن حد برسد که امام، او را هم نوای مناجات‌های شبانه خود بنماید. و یا در مواقع اضطرار و تنهایی خود نام آن شهدا را بر زبان بیاورد.

در نهج البلاغه خطبه‌ای است که آخرین خطبه امیرالمؤمنین در جمعه قبل از شهادتش است که فرازی از آن چنین است :

G اَيْنَ اِخْوَانِي الَّذِيْنَ رَكَبُوا الطَّرِيْقَ وَ مَضَوْا عَلٰى الْحَقِّ : اَيْنَ عَمَّارٍ ؟ وَ اَيْنَ ابْنِ التَّهْيَانِ ؟ وَ اَيْنَ ذَوَالشَّهَادَتِيْنَ ؟ وَ اَيْنَ نَظْرَاؤُهُمْ مِنْ اِخْوَانِهِمُ الَّذِيْنَ تَعَاقَدُوا عَلٰى الْمَنِيَةِ...^۱ کجایند برادرانم آن‌ها که پا در راه نهادند و جان خود را بر من گذاشتند. کجاست عمار؟ کجاست ابن‌تهیان؟ کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند کسانی همانند آن‌ها از برادرانشان، آن‌ها که هم پیمان شدند بر مرگ امام حسین هم که در آخرین لحظات هل من ناصر ینصرنی می‌طلبید، یادی از یاران شهید خود نموده است و این یعنی این که اگر کسی سلام بر وراثت حسین از امیرالمؤمنین می‌دهد، می‌خواهد که سلام خداوند بر او شده و داخل در این آیه گردد: و السلام علی من اتبع الهدی.^۲ و درود خداوند بر کسی باد که از هدایت پیروی نماید.

و اگر کسی در زمره مؤمنین و مهتدین شود، در این صورت نامش محبوب ولی زمان خواهد شد و به مرتبه ای خواهد رسید که ضمن این که چشم روشنی و عصای

۱. خطبه ۱۸۲.

۲. طه ۴۷.

دست امام در رسالت دینی خود است، فقدانش برای ولی زمان سخت خواهد بود. همان گونه که به امام زمان نسبت داده‌اند در فقدان و رحلت شیخ مفید فرموده است :

«یوم علی آل الرسول عظیم»^۱ (روز رحلت شیخ مفید) روزی است که بر خاندان پیامبر بسیار سخت و گران بود.

ایده‌های تربیتی - معارفی :

شیوه نامه عملی و تربیتی تحقق سلام بر وراثت حسین از امیرالمؤمنین، می‌تواند نصب العین قرار دادن خطبه متقین باشد که در آن خطبه، امیرالمؤمنین نشانه‌های وارث و پیرو خود را مفصل تبیین و توضیح داده است.

شرط بهره مندی کامل از ولی، تحقق ایمان خالصانه است:

قالت الأعراب آمنّا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا اسلمنا؛ اعراب گفتند: ایمان آوردیم؛ بگو ای پیامبر، شما ایمان نیاوردید، بلکه بگویید: اسلام آورده‌ایم. یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به خداوند.

بدین جهت مهم‌ترین ویژگی سلمان فارسی، اصحاب الحسین و اصحاب المهدی در مرتبه اول، ایمان آگاهانه، عاشقانه و عمیق آن‌ها بود تا امارت امیرالمؤمنین و یا فرزندان‌شان بر آن‌ها به سعادت و کمال آن‌ها یاری رساند، در این زمانه هم خلاصی از دنیای آخرالزمانی و رسیدن به شهر انتظار و جامعه زمینه ساز و یار و یاور امام غایب بودن، تنها به تحقق این شرط در شیعیان است و گرنه اگر ایمان کامل نباشد، زمینه تخلف و یا تقدم و تأخر بر امام فراهم می‌شود که همین نقطه آغازین انحراف است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۵۵.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۳. سوره نساء، آیه ۳۶.

۹. السلام عليك يا بن محمد المصطفى

السلام عليك يا بن محمد المصطفى السلام عليك يا بن علي المرتضى،

السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء... السلام عليك يا بن خديجة الكبرى:

مرحله دوم از سلام‌های معرفتی و عارفانه پس از سلام‌های شخصیت شناسی از جهت میراث شناسی معنوی، سلام‌های شخصیت شناسی سببی و میراث داری خانوادگی و تبار شناسی است.

در این فراز دو مرحله از بحث وجود دارد :

الف : مرحله بنوت و فرزندى و ثمره شجرة طيبه

ب : مرحله سلام زائر بر مقام بنوت

الف) حسين، ثمره شجرة طيبه :

يکى از مهم‌ترين مانورهاي تبليغى و روانى امام در طول قيامش و به ويژه در خطبه خوانى‌ها و رجزهاي عاشوراى اش، اهتمام به معرفى حسب، نسب و خاندان خود مى‌باشد. شايد بتوان گفت سرّ اهتمام به اين نکته موارد زير مى‌باشد: توجه دادن امام، جامعه اسلامى را به بازشناسى شجرة طيبه قرآنى که به اهل بيت پيامبر تفسير شده است؛

توجه دادن جامعه اسلامى که تفسير اهل بيت پيامبر هموست نه

شخصیت‌های ساختگی دیگر و اتمام حجت به جامعه دچار کجی‌ها و تحریف‌ها، در معرفی دوباره اهل بیت پیامبر به آن‌ها؛

توجه دادن به این که اگر حسین این حسب و نسب را دارد، پس میراث معنوی، علمی و اخلاقی پیامبر و خاندانش را در خلق و خو و سیره حسین باید یافت نه جایی دیگر؛

توجه دادن به این که حسین امتداد پیامبر است، امتدادی که به تصریح قرآن، عصمت و طهارت آور است، پس جانشینی پیامبر و هدایت جامعه اسلامی تنها حق اوست؛

توجه دادن جامعه و تاریخ بشری به این که اگر حسین امتداد پیامبر و شجره طیبه اوست، پس قیامش هم خروج و طغیان نیست، بلکه حرکتی است در امتداد همانند بعثت و هجرت؛

خنثی کردن طرح خلفا و امویان برای حذف مصداق اهل بیت پیامبر و یا ترور شخصیتی آن‌ها (با جعل عناوینی همانند: ایجاد نظریه عدالت صحابه در برابر اهل بیت پیامبر) و یا توسعه بخشی در مصداق اهل بیت پیامبر به تمام فامیل‌ها و وابستگان نسبی و سببی ایشان.

بدین جهت سیدالشهدا برای ناکام گذاشتن طرح امویان، قیام نمود. از منظر دیگر امویان بنا داشتند در امتداد طرح ناکام خود در زمان مشرکان مکه که پیامبر را ابتر پنداشتند و امید داشتند با رحلت پیامبر، پرچم اسلام بر زمین افتد، طرحی دیگر را به اجرا بگذارند. بدین گونه که آن‌ها ابتدا اهل بیت را ترور شخصیتی کرده و بعد در حادثه عاشورا، قصد ترور فیزیکی کامل آن‌ها را داشتند تا نسل پیامبر ابتر شده و اصلا نام و نشانی از پیامبر باقی نماند.

ولی سیدالشهدا در قیام خود از این منظر دو طرح را به اجرا می‌گذارد :

یکی: بازشناسی شخصی و شخصیتی اهل بیت به جامعه اسلامی.

دوم: تلاش برای باقی گذاردن دو نفر از بازمانگان کربلا از تبار حسینی و حسنی (امام سجاد و حسن مثنی)، به جهت امتداد یافتن نسل کوثر و برکت رسانی آن‌ها به جامعه بشری.

سخن آخر این که :

ویژگی این فراز از زیارت، معرفی اهل بیت با نام و اسم جهت معرفی کامل آن‌هاست و در کنار اسامی، القاب برجسته آن‌ها که بیانگر شخصیت معنوی (رابطه آن‌ها با حق تعالی) و یا شخصیت اجتماعی (رابطه با جامعه) آن‌هاست را معرفی می‌نماید (المصطفی، المرتضی، الزهراء، الکبری).
و نکته جالب در این معرفی این است که در این معرفی‌ها، نام دو مرد در کنار نام دو بانوی مکرم به صورت معتدلانه آورده شده است تا بر نقش یکسان والدین در وراثت و بنوت (فرزندی) تأکید شده باشد.

ب) سلام زائر به مقام بنوت امام :

سلام، اقرار و اعتراف زائر در برابر مقام بنوت اقرار و اعترافی است به ثقلین که اهداف و نکات زیر را به دنبال دارد:

این سلام به معنی لبیک است، چرا که کوفیان با این که مکرر این نکات را از امام شنیدند و هیچ پاسخی هم در برابر آن نداشتند، خود را به نشنیدن زدند، ولی مؤمن کسی است که به سخنان ولی معصوم خود لبیک و ندای پاسخ مثبت دهد.

این سلام به معنی اعتراف و توجه زائر به اصالت داشتن خانواده در اسلام است و این که اگر بخواهد رهرو راستینی برای حسین باشد، باید همانند خاندان بنی هاشم در مسئله انتخاب همسر و تربیت فرزند، معیارهای دینی و الگوهای حسینی و عاشورایی را لحاظ کند؛

این اعتراف از منظر آیات ۲۴-۲۶ سوره ابراهیم (که درباره شجره طیبه و شجره خبیثه است) و آیه ۶۰ سوره اسراء (شجره ملعونه) گویای موضع گیری تاریخی مؤمن در زمان خود است، چرا که به دلالت مطابقی و ضمنی این آیات، این دو شجره از زمان پیامبر تا زمان ظهور امتداد داشته و هر کدام پرچم‌دار تاریخی حق و باطل خواهند بود. پس مؤمن در هر زمانی تلاش می‌کند تا با

زمان شناسی به خود شناسی و امام نور و امام نار شناسی بپردازد، به گونه‌ای که در این مسیر خط‌کش‌های قرآنی و اهل بیته، یاری‌گر او باشند تا بتواند در مقطع زمانی خود بهترین انتخاب را داشته باشد و مبدا گرفتار شجره خبیثه و ملعونه گردد.

ایده‌های تربیتی :

- در فراز مقام بنوت : چهار نام ذکر شده که دو نفر مرد و دو نفر بانو هستند و از آن‌ها سه نفر معصوم هستند مگر حضرت خدیجه کبری، ایشان معصوم نیست، ولی با آن که در جاهلیت می‌زیست، لقب طاهره برای ایشان مشهور بود (در فرازهای بعدی همین زیارت به این نکته اشاره شده است) و این اثبات‌گر مقامی بس رفیع برای حضرت خدیجه در زیارات حسینی و مهدوی است و تجلیلی است از سوی حق تعالی و معصومین از این پاک زیستی با تمام سختی‌ها و دشواری‌هایش و همین می‌تواند بهترین و مهم‌ترین پیام زیارات حسینی برای بانوان در هر مقطع و هر زمانی باشد؛

- نکته دیگر این که از عبارات کلیدی در زیارات حسینی، کلمه ابا عبدالله است (که در این زیارت در میانه زیارت آمده است) و معنی تأویلی آن این است که حسین اب تمام بندگان خداست، بدیهی است کسی که می‌خواهد پدر عبدالله و عبودیت‌های غیر معصومانه باشد و به راهبری تاریخی آن‌ها اقدام کند، خود فرزند، محصول و ثمره شجره عصمت باید باشد و بدین جهت از آن بنوت این ابوت متولد می‌گردد.

۱۰. السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره و الوتر الموتور

در زیارات حسینی پس از بند آغازین زیارت که به سلام‌های میراثی و وراثتی اختصاص دارد غالباً دومین مرحله اصلی بحث مسئله ثار و موتور بودن امام است. یعنی پس از بازشناسی شخصیتی ذاتی امام، وارد بازشناسی فعل و رفتار امام حسین از منظر دو ویژگی مهم عرفانی و اجتماعی قیام حضرت می‌شود و سعی می‌کند از این دو منظر در حد فاصل فراز آغازین و فرازهای بعد نگاهی خاص و عمیق به شهادت امام داشته باشد.

به این دو ویژگی از سه منظر باید نگریست: یکی مفهوم شناسی این دو کلید واژه، دیگری تحلیل و فهم رابطه آن‌ها بر هم‌دیگر و سوم معنی سلام بر آن‌هاست.

الف) مفهوم شناسی واژه‌ها:

الف-۱: ثارالله:

ثار از ثور به معنی خون است و در مورد خون به ناحق ریخته شده، استعمال می‌گردد، مورد دیگر استعمالش خون خواهی و ولی دم و انتقام گیرنده خون می‌باشد. در این زیارت ثار اضافه به الله شده است و دلالت دارد خونی که در روز عاشورا بر زمین ریخته شده، خون خدا بوده است و با توجه به معنای دیگر آن که

خون خواهی است یعنی خون خواه این خون و اختیار دارش هم، خود خداست و خود اسباب انتقام گیری از این خون را فراهم خواهد آورد.

از جهت دیگر حسین می دانست که در این قیام باید با خون خود دین خدا را یاری نماید، لذا از همان آغاز در خطبه خروج از مکه فرمود: «من کان باذلاً فینا مهجته فلیرحل»؛ «هر کس حاضر است خون قلب خویش را در راه ما نثار کند، پس با ما همراه شود.»^۱

این در حالی است که دو قطره نزد خدا بسیار عزیز است که یکی از آنها، قطره خون شهید است و دیگری قطره اشک از خوف خدا در نیمه های شب.^۲

با این نگاه در تاریخ دنیا خون های پاک فراوانی بر زمین ریخته شده، ولی کلمه ثارالله فقط درباره سیدالشهدا و امیرالمؤمنین استفاده شده است، چرا که در میان آن همه، تنها این دو خون، خون عصمت و طهارت است.

حال اگر این خون آگاهانه و عاشقانه ولی در مظلومانه ترین حالت ریخته شود، آن خون، خون خدا می شود؛ یعنی پاک ترین خونی که آفریده شد و به بدترین وجه و به دست پست ترین انسان ها بر زمین ریخته شد. در این صورت است که وقتی خونی خون خدا شد و مظلومانه بر زمین ریخت، خود خداوند خون خواه آن می شود و مدرک این ادعا ادله زیر است:

G من قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهٖ سُلْطٰنًا^۳؛ کسی که کشته شود به ستم، همانا قرار می دهیم برا ولی و سرپرست او حق اختیار.

امیرالمؤمنین می فرماید: هر خونی را خون خواهی است و خون خواه خون های ما جز خداوند یگانه نیست که از انجام آن چه خواهد، عاجز نیست و هیچ کس را توان گریز از اراده او نمی باشد.^۴

۱. لهوف، سید بن طاووس، ص ۲۶.

۲. میزان الحکمة ج ۵ ص ۱۸۷.

۳. اسراء، آیه ۳۳.

۴. نهج البلاغه حدیدی ۱۱۷/۷.

و بدیهی است که خون خواهی خداوند از مجرای اسباب علل زمینی می‌باشد و چه سببی بالاتر از قرار دادن منتقمی از نسل حسین که سرانجام خواهد آمد :

- امام باقر 7: «القائم منا اذا قام طلب بئار الحسین»^۱؛ «قائم ما اهل بیت هر وقت قیام نماید خون حسین را از صاحبانش مطالبه خواهد کرد»

- در دعای ندبه می‌خوانیم: «این الطالب بدم المقتول بکربلا؛ کجاست طلب‌کننده به خون کشته شده در کربلا.»

- و هم چنین شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» می‌باشد.^۲

- و در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «آن یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور؛ این‌که خداوند روزی من نماید طلب خون‌خواهی تو را با امام یاری شده.»

الف-۲) والوتر الموثور :

وتر به معنی تنها و یگانه و موتور به معنی تنها و رها شده، می‌باشد. برای موتور دو معنا می‌توان تصور کرد: یکی این که حضرت منحصر به فرد یگانه و بی بدیل است که سخن خوبی است، ولی این معنا با فرازهای بعدی زیارت کم‌تر می‌خورد.

معنای بهتر برای این کلمه، تنها شدن و غریب ماندن حسین در جامعه، زمانه و در نهایت در قیام خودش است؛ یعنی دستگاه خلافت و امویان پس از آگاهی از پیش‌گویی‌های نبوی درباره قیام قریب الوقوع حسینی در ظرف زمانی پنجاه سال با تمام توان ابلیسی خود تلاش کردند تا اگر نمی‌توانند جلوی قیام را بگیرند، لااقل کاری کنند که قیام، قیامی کور و موتور (و ابتر) باشد. لذا از ویژگی‌های جالب این قیام این است که :

حضرت در تمام مراحل قیام چنان آشکار و با صداقت و شفافیت قیام خود را

۱. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

انجام داد و تبلیغ کرد و اتمام حجت نمود که برای کسی بهانه ندانستن، نفهمیدن و ندیدن نماند، ولی با این وجود حسین به هنگام قیام وتر موتور ماند.

ب) تحلیل و تفسیر ثارالله و موتور و رابطه آنها :

برای فهم بهتر این دو فراز توجه به این نکته ضروری است که هر انسانی دو رابطه بیرونی مهم دارد: یکی رابطه با حق تعالی و دیگر رابطه با دیگر انسان ها و حسین در زمانه خود به جایی رسیده بود که برای حفظ دین و همان میراث معنوی و توحیدی تاریخی انبیا و اولیا، چاره ای جز قیام نمی‌دید، پس او قیامش را آغاز می‌نماید ولی در حین انجام قیام از سوی جامعه و دیگر انسان‌ها موتور یعنی غریب، تنها و مظلوم می‌ماند.

در این صورت حسین یا باید قیام را ترک می‌کرد که این خودکشی بود و یا این که با خداوند معامله می‌کرد، پس او راه دوم را انتخاب کرد تا جریان تاریخی دین از گذشته تا حال (زمان قیام) و از زمان قیام تا تمامی دوران‌های آینده را پوشش دهد و این معامله را با اهدا کردن خورش انجام داد.

چرا که خون عزیزترین موجودی جسم انسان است که با نبود آن جان هم، در جسم و تن آدمی نمی‌ماند و قطره قطره آن ضامن حیات آدمی است و حسین وقتی دید تنها راه حفظ دین، اهدای قطره قطره خورش است، پس قیامی تنها و مظلومانه با اندک اهل بیت و یارانش انجام می‌دهد و در این صورت خداوند وقتی این خون را از حسین در عصر عاشورا تحویل گرفت، این خون شد ثارالله (خداوند این خون را آن وقت تحویل گرفت که حسین با خون خود، صورت و محاسن خود را خضاب نمود و آن گاه به شهادت رسید).

با این نگاه معنی ثارالله یعنی این خون خالص‌ترین، اثربخش‌ترین و پاک‌ترین خونی بود که تقدیم خداوند می‌شد و خداوند قسم خورد که خون خواه آن بگردد و این مهم را از مجرای اسباب و دست انتقام خود که مهدی آل محمد باشد، اجرا خواهد کرد، البته یکی از عوامل مؤثر در زمان تحقق آن ایجاد زمینه

فی الجمله در بخشی از مردم جهان برای همراهی با مهدی است تا دیگر آن مهدی همانند حسین، موتور نباشد.

ج) سرّ سلام بر ثارالله و موتور بودن امام :

سلام به معنی سلم و تسلیم و موضع گیری سلم در برابر موضع گیری لعن است. و سلام در این‌جا یعنی تلاش برای دور شدن از عوامل و تر موتور امام و ولیّ زمان خود و اعلان موضع در مورد این که در تلاش باشی که شرایط ثار به معنی خون‌خواهی را در رکاب ثارالله، فراهم نمایی.

و این یعنی این که در سیر حرکت تاریخی از کربلا تا ظهور فاصله ای است که یاران خاص، خالص و ناب معصومین باید از ۷۲ (البته از ۷۲ - ۱۸ = ۵۴ شهید غیر بنی هاشم) به ۳۱۳ نفر برسد و این ۳۱۳ نفر هم اولین گروه از یاران حضرت، وزرا و سفرای مهدی هستند و گرنه برای ظهورش وجود زمینه اجتماعی در دنیا و به ویژه در خاورمیانه شرط است «یخرجون قوم من المشرق فیوطون للمهدی سلطانه»؛ «ملتی در مشرق زمین پدید خواهند آمد که زمینه‌ساز حکومت مهد خواهند شد»^۱ و این یعنی این که هر کسی در مقطع تاریخی و شرایط مکانی و زمانی خود، در دوراهی حق و باطل است بدین‌گونه که یا زمینه ساز موتور و تنها شدن امتداد حسین، مهدی ثارالله را می‌تواند فراهم کند و یا این که در مسیر مهدی باوری، مهدی زیستی و مهدی یاوری باشد. با این نگاه این سلام در این فراز از زیارت و زیارات حسینی، یعنی انتخاب گزینهٔ دوم.

ایده‌های تربیتی :

بحث علل و عوامل تنها شدن امام از سوی جامعهٔ اسلامی و این که در هر زمان امتداد حسین وجود دارد و هر کس می‌تواند به نسبت حضور و غفلت خود، باعث یاوری یا تنها ماندن ولیّ زمان خود شود.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، و بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

ایده‌های مقتل :

روضه خون‌هایی که در روز عاشورا، بدن سیدالشهدا به آن‌ها آغشته شد و در ثاراللهی حضرت شریک شدند، همانند: خون مطهر حضرت علی اکبر، حضرت قاسم، حضرت علی اصغر، عبدالله بن حسن و...
روضه مراحل شهادت حضرت و شدیدترین جراحت‌هایی که حضرت برداشتند و مواجهه‌ای که حضرت با خونریزی‌های شدید خود داشتند.
روضه خون شدن خاک‌ها و خون‌بار شدن هستی (خاک کربلا که به امانت نزد ام سلمه بود، خون شدن خاک بیت المقدس در روز عاشورا، غروب خونبار عاشورا و درختی که در قزوین در عاشورا خون می‌گیرد).

۱۱ . اشهد انك قد اقامت الصلاة و آتيت الزكوة

وَأَمْرَتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ
پس از مرحله سلام که مرحله اعلان سلم زائر و موضع گیری مثبت او نسبت
به تأثیر قیام حضرت بر جریان تاریخ است، نوبت به مرحله شهادت و گواهی
می‌رسد.

شهادت به معانی زیر است :

خبیر قاطع، مشاهده، حضور و یقین و علم حضوری نسبت به واقعه و مشهود،
اعلام و آگاهی دادن قسم خوردن و گواهی دادن و عرضه کردن به آن چه نزد
اوست و آن چه می‌داند.^۱

با این نگاه مرحله شهادت در زیارات پس از مرحله سلام، مرحله حضور و
مشاهده سیره رفتاری امام معصوم و گواهی دادن و قسم خوردن علمی و عینی
به فعل مشاهده است و در حقیقت زائر پس از شخصیت شناسی معنوی و معنایی
امام، اینک به رفتار شناسی امام پرداخته و به آن شهادت می‌دهد.

برای این فراز هم دو مرحله از بحث است :

۱. صحاح، ج ۲، ص ۴۹۴؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۸.

الف) شناسنامه رفتاری امام

ب) کارکرد شهادت زائر

الف) شناسنامه و سیره رفتاری امام معصوم :

در این بخش سه نکته وجود دارد که به ترتیب ارائه می‌گردد:

نکته اول : نقش شریعت محوری در دین :

در آخرین مرحله وراثت بیان شد که حسین 7 وارث علی 7 است. درباره سیره عملی و رفتاری معصومین و جایگاه آن نسبت به دیگر انسان‌ها هم در زیارات علوی می‌خوانیم که :
«السلام علی میزان الاعمال»^۱

در قرآن هم واژه عمل و مشتقات آن (مثل عملوا، تعلمون، یعلمون، اعمالهم، عامل و...) از واژگان پراستفاده قرآنی است تا چند نکته مهم را به انسان متذکر شود، مواردی همانند این که :

تمام اعمال ثبت می‌شود، هر ذره عمل محاسبه می‌شود، مراقب باشید اعمالتان همانند سراب نباشد، معیار صلاح و سعادت، ایمان و عمل صالح است و هر یک بدون دیگری جایگاه چندانی ندارد، از حربه‌های شیطان تزئین عمل سوء است، اعمال به معصومین عرضه می‌شود، عمل بازتاب عمل و عکس العمل دارد و...

حال که نقش عمل، این همه مهم است، پس معلوم می‌گردد جمله (قلبت پاک باشد کافیه) که برآمده از فرهنگ امویان است، پوچ و بدون پشتوانه دینی است، چرا که معاویه برای این که هم خلافت اسلامی بر مسلمانان را غضب کند و هم خود را از رنج و زحمت اعمال و شعائر اسلامی آزاد کند و هر گونه معصیتی

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۳۰.

را مرتکب شود، مروج فرقهٔ مرجئه در جهان اسلام شد، فرقه ای که می‌گفت در ایمان عمل هیچ نقشی ندارد و صرف گفتن شهادتین کفایت می‌کند و به صرف گفتن شهادتین (همانند نظریهٔ عدالت صحابه که طبق آن همهٔ صحابه از کوچک و بزرگ، جدید و قدیم، منافق و مؤمن، دور و نزدیک و... همه و همه یکسان، عادل، پاک، عالم و مرجع هستند)، تمام مسلمانان به یک مرتبه از ایمان و نجات می‌رسند و فرقی چندان بین مؤمن صالح و مسلمان گنهکار در اصل ایمان و نجات نیست.

ولی در مکتب تشیع دربارهٔ بُعد رفتاری مؤمن اصول زیر حاکم است:
عمل، رکن دوم هدایت، نجات و سعادت در کنار ایمان است و اسلام برای عمل و رفتار در تمام ابعاد زندگی، طرح و برنامه دارد؛
برای جلوگیری از افراط و تفریط در عمل‌گرایی یا عمل‌گریزی، معصومین میزان و معیار هستند.

بدین جهت مکتب اهل بیت مکتب عرفان و شریعت است، آن هم شریعت محوری‌ای که با بصیرت باشد و با این نگاه، حداقل دو گروه از دایرهٔ صحت و سلامت دینی خارج می‌گردند:

اول: آن‌ها که مدعی دین، عرفان و ایمان بدون عمل و شریعت هستند، اعم از: امویان و مرجئه در قدیم تا تصوف و عرفان‌های نوظهور شرقی و غربی در امروز که هدف عمدهٔ آن‌ها یا نفی شریعت و یا محدود کردن شریعت به مناسک فردی و شخصی (آن هم فقط در حوزهٔ عبادت) می‌باشد (اسلام منهای شریعت، اسلام منهای روحانیت و... همه و همه از موارد این قسمت از انحراف دینی هستند)

دوم: آن‌ها که در شریعت محوری دچار افراط در عمل‌گرایی بدون بصیرت هستند و در لایهٔ جمود و تکرار بدون معرفت و ولایت حقه هستند، همانند تمام حاجیان حج سال شصت که به بهانهٔ حج واجب، ولیّ زمان را رها کردند و روح حج را نشناختند و یاری نمودند و همانند لشکر عمر سعد که در تمام روزهای

مواجهه با حسین به امامت عمر سعد اقامه جماعت می‌کردند و همانند تمام آن‌ها که بر میزان عمل اهل بیت نیستند، ولی در نماز، روزه و حج باطل خود خیلی منظم و پای بند هستند، چرا که این خود نوعی تعصب و جاهلیت دینی است (همانند خوارج پیشانی پینه بسته ای که رودرروی علی شمشیر کشیدند و یا وهابیت خون‌ریز معاصر)

نکته دوم: مصادیق شریعت محوری امام حسین:

جمله شهادت به نماز، زکات و امر به معروف از جملات کلیدی و ثابت در تمام زیارات سیدالشهدا و در فروع دین به سه مرتبه مهم از مراتب عملی مؤمن تأکید دارد:

نماز: رابطه انسان با خود (رابطه فردی و اجتماعی مؤمن با خدا جهت تهذیب نفس و سلوک رفتاری و در مقام پایه‌گذاری جامعه عدالت محور دینی بر مدل صفوف یکسان نماز جماعت)

زکاء: رابطه انسان با جامعه و ادای دین اجتماعی خود از منظر ایجابی و اثباتی وابسته با رویکرد اقتصادی و جهاد با مال (از منظر رابطه خود با جامعه) امر به معروف و نهی از منکر: رابطه انسان و جامعه از منظر تربیتی و نظارتی و از منظر کنترل نوع رابطه جامعه با خود

و در حقیقت در این شهادت عملی مراحل سیر و سلوک فردی و اجتماعی مؤمن آن هم حداقل از منظر عبادی و اقتصادی طراحی شده است، همان گونه که امام در طول رسالتش در نیمه‌های شب و سحرگاهان برای اقامه نماز و تلاوت قرآن و تهجد برمی‌خاست تا برای انجام رسالت سنگین روز خود در جامعه کسب آمادگی کند همین گونه هم باید زائر شاهد باشد.

و آن گاه در اولین گام حضور اجتماعی خود به زکات به معنی اهدای مازاد دارایی‌های خود (چه مالی و چه معنوی) پرداخته و الگویی از حضور اجتماعی دین به جامعه را نشان می‌دهد و آن گاه در آخرین مرحله با امرها به معروف به

تربیت و با نپهی‌ها از منکر به نظارت و کنترل جامعه پیردازد.

نکته سوم: دایره شریعت محوری است: «و اطعت الله و رسوله حتی

اتاک الیقین؛ و پیروی نمودن خداوند و رسولش را تا این که آمد تو را یقین».

یقین اگر چه به معنی علم و باور قطعی است، ولی در تعبیر زیارات به معنی مرگ است و دلیل آن این است که غالباً انسان‌ها نسبت به آموزه‌های دینی یا شاک هستند، یا جاهل و یا غافل و بی‌اعتنا، ولی به مجرد مواجهه با مرگ که برای اولین مرتبه چشم ملکوتی آن‌ها باز می‌گردد و حقیقت و درستی تمام آموزه‌های مکتب حق را مشاهده می‌کنند به باور و یقین قطعی می‌رسند، ولی دیگر دیر شده است و کُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ؛^F «و ما چنین بودیم که منکر روز جزا بودیم تا این که یقین (و مرگ) به سوی ما آمد و ما را فراگرفت»^۱ و رَبَّنَا ابْصِرْنَا وَ سَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ؛^F «پروردگارا، دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا عمل صالح انجام دهیم چرا که این ما به یقین رسیده‌ایم».^۲

پس یقین با مرگ مترادف شده است، از این جهت دایره شریعت محوری هم از آغاز تکلیف تا واپسین لحظات حیات و مواجهه با مرگ یقین آور است. G و اعبد ربک حتی یاتیک الیقین؛^F «و عبادت کن پروردگارت را تا وقتی که یقین و مرگ تو فرا رسد».^۳

بدین جهت اگر امیرالمؤمنین و سیدالشهدا میزان الاعمال هستند، از منظر این که هم ثقل قرآن هستند، هم عامل و هم مفسر عملی و رفتاری قرآن، پس

۱. مدثر، آیه ۴۷.

۲. سجده، آیه ۱۲.

۳. حجر، آیه ۹۹.

دایره اطاعت (اطیعوا الله و رسوله) را تا آن جا معنا می کنند که آرزوی همه ماست: «اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا»^۱؛ «پروردگارا قرار بده عاقبت کارهای ما را خیر». «و اکفنی شر عواقب الامور و...»^۲؛ «و دور بدار مرا از عاقبت های شر و بد در کارها».

ب) کارکرد شهادت زائر به شریعت محوری امام :

اگر شهادت به معنی قسم و گواهی، حضور علمی و یقینی است، پس شهادت زائر یعنی رسیدن به این مرحله از یقین و باور که دین جز با شریعت محوری در فرد و جامعه به پاداشته نمی شود و امام به عنوان انسان کامل در نقطه اوج این اقامه، ایثار، و امر و نهی است و حقیقت این افعال را جز در امام نمی توان یافت، چرا که امام به واسطه عصمت و پاکی باطنی و ظاهری خود از آغاز حیات تا آخرین لحظه آن، این اعمال را در خالصانه ترین وجه اتیان کرده و انجام داده است و اگر من به این امر شهادت می دهم یعنی به این باور رسیده ام همان طور که در مراتب قبلی با سلام های پیاپی خود اظهار موضع سلم، تسلیم و همراهی کرده ام، پس اینک با این شهادت اعلان آمادگی برای همراهی عملی خود با امام را می نمایم و معنی واقعی اطعت (تشیع و پیروی) را که (اطیعوا الله و رسوله و الذین آمنوا) است ابراز می کنم.

پس آشهّد، از جانب من زائر، اگر متعلقش همانند شهادت سه گانه اذان از امور معرفتی باشد، یعنی باور، یقین و ایمان خالصانه و اگر متعلقش اعمال و مناسک باشد، یعنی ضمن باور، نوعی تعهد، پیمان و بیعتی رفتاری است تا بتوانیم همانند اصحاب الحسین که این توفیق را یافتند به فیض خلوت شبانه حسین راه یابند و یا حسین بر بالین آنها از اعمال و رفتار دینی و اجتماعی نیکوی آنها با

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۸۲.

چشمانی اشکبار توصیف و تمجید نماید، ما هم محبوب امام زمان خود با اعمال و رفتار خود بگردیم، آن هم در تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، عبادی و غیر عبادی، آن هم تا پای جان و واپسین لحظات، درست همانند اصحاب الحسین که در شدت نبرد عاشورا این توفیق را یافتند که به نوبت یک رکعت از نماز جماعت حسین را درک کنند و با فدا کردن جان خود پیش روی حسین (در مرحله حتی اتاک الیقین) مصداق عملی امر به معروف و نهی از منکر باشند.

در زیارت درباره اصحاب الحسین می‌خوانیم: السلام علیکم یا طاهرین من الدنس - السلام علیکم یا مهدیون - السلام علیکم یا ابرار الله؛ درود بر شما ای پاکان از آلودگی‌ها، درود بر شما ای هدایت یافتگان، درود بر شما ای نیکوکاران. و بدیهی است که پاکی از آلودگی‌ها و هدایت و ره یافتگی به حق و ابرارالله که به معنی خوش رفتاری آن هم از نوع خدایی‌اش است، جز از راه هماهنگی اعمالشان با میزان اعمال؛ یعنی حسین به دست نیامده است و اینک ما هستیم و مهدی، وارث حسین که میزان اعمال، زمانه ماست پس بنگریم که تا (حتی اتاک یقین) خود را چگونه و تا چه حد با میزان اعمال هماهنگ و همراه نموده و خواهیم نمود.

یاد آوری : در این فراز محور بحث بر اصل شریعت محوری و نسبت سنجی آن با قیام سیدالشهدا معطوف شد بدین جهت مباحث حسین و نماز، یا حسین و زکات و یا حسین و امر به معروف و نهی از منکر در رابطه ای دو سویه با نگاه تربیتی و سیره ای به خود مبلغ ارجمند واگذار می‌گردد.

یک ایده داستانی :

حرّ از میان کوفیان از معدود کسانی بود که توفیق یافت، دو یا سه روز در نماز جماعت ظهر و عصر امام شرکت کند و با چشم سر و چشم دل پی ببرد حسین،

فرزند پیامبر است، از این پس او که مسلمانی نمازگزار بود، در تشهد نماز دچار تناقضی عجیب می‌شد، چرا که در تشهد بر پیامبر و آل او صلوات می‌فرستاد (با روش اهل سنت) و اینک متوجه شده بود که رفتار جنگی‌اش علیه آل پیامبر است و توجه به این تناقض و پرسش، سرانجام زمینه ساز هدایت او شد، اگر چه تمام کوفیان چشم خود را بر این تناقض و واقعیت بستند.

ایدهٔ مقتل :

- روضهٔ شهادت شهید نماز (سعید بن عبدالله حنفی) که با خون خود اشهد انک قد اقامت الصلاة را امضاء نمود.

- روضهٔ آتیت الزکاة و این که وقت دفن پیکر مطهر امام، با وجود لگدمال شدن بدن مطهر، آثار و نشانه‌های خاصی بر بدن بود که چون از امام سجاد دربارهٔ آن پرسیدند؟ فرمودند: «این‌ها اثر صدقات شبانهٔ امام در مدینه به در منزل فقرا و نیازمندان می‌باشد.»

- روضهٔ امر به معروف و نهی از منکر امام در روز عاشورا نسبت به کوفیان و پاسخ‌های متفاوت آن‌ها که از صبح با ایجاد سر و صدا و تمسخر شروع شد و تا عصر عاشورا به تیر اندازی و سنگ زدن رسید تا بتوانند صدای هدایتگر حسین را که عذاب وجدان آن‌ها را به همراه داشت، خاموش کنند، ولی امام حتی بر بالای نیزه با سر بریده قرآن می‌خواند و با تلاوت قرآن به آن‌ها هشدار می‌داد که (وسیعلم الذین ظلموا ایّ منقلب ینقلبون^۱)؛ و به روزی خواهند دانست آن‌ها که ستم کرده‌اند که چگونه دگرگون خواهند شد.)

۱. سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

۱۲. فلعن الله امت قتلتك و لعن الله امت ظلمتك و لعن الله امت سمعت بذلک... فرضیت به :

لعن یکی از ارکان مهم زیارات حسینی است و گویا بدون لعن حتی سلام‌ها، شهادت‌ها و صلوات‌ها هم بی معنا می‌شوند، به راستی سر این همه اهتمام به لعن و تبری برای چیست؟ و کارکرد و بازتابش برای زائر چه می‌باشد؟
برای فهم این مهم دو مرحله از بحث وجود دارد :

الف) مفهوم شناسی واژگان و تحلیل آن‌ها

ب) کارکرد شناسی لعن برای زائر

الف) مفهوم شناسی واژگان :

لعن) به معنی دور کردن با خشم و طرد کردن با غضب است.
این کلمه با تمام مشتقات خود ۴۱ مرتبه در قرآن آمده است و مرتبط‌ترین آیه در این زمینه که با بحث لعن‌های زیارات هم هماهنگ است، این آیه است :

ان الذين يوذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والاخرة^۱؛ «همانا آنان که آزار می‌رسانند خداوند و رسولش را خشم و لعن خداوند شامل آنهاست در دنیا و آخرت».

و لعن اگر فاعلش خداوند باشد (لعن الله)، به معنی دور کردن آنها از رحمتش در دنیا و آخرت می‌باشد.^۲

بدین جهت امام باقر: خطاب به فردی^۳ که به عشق دیدار حضرت نزدش آمده بود، ولی سر به زیر افکنده بود و چون امام از حال او پرسید گفت: «وقتی محبتم به شما را یادآور می‌شوم، امیدوار می‌شوم و وقتی گناهانم را به یاد می‌آورم، افسرده می‌شوم. پس حضرت فرمود:

(یا زیاد) هل الدين الاالحب و البغض. ثم تلا: و لكن حَبَّ اليكم

الايمان و زَيْنُهُ في قلوبكم و كَرَهُ اليكم الفسوق و العصيان...^۴ (۷ حجرات)

ای زیاد: آیا دید جز محبت و نفرت چیز دیگری است، سپس امام به تلاوت این آیه پرداخت که: ولکن خداوند محبوب شما قرار داده ایمان را و آن را در قلب‌های شما زینت قرار داده است و مرود روگردانی شما قرار داده است گناهان و نافرمانی را.

با توجه به نگاه جامع به آیات و فرهنگ روایی اهل بیت که هماهنگ با عقل است، مشخص می‌شود که یکی از وظایف مهم انسان شناخت حق و باطل (نور و نار) است و آن گاه که به شناخت امام و صاحب حق و باطل رسید بدیگونه عمل نماید:

«امیرالمؤمنین: اعرفوا الحقَّ تعرفوا أهله و تأملوا سبيلَ الضلالة تعرفوا

۱. احزاب ۱۵۷.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

۳. زیاد الاحلام.

۴. جامع الاحادیث، ج ۱۶، ص ۲۱ و مستدرک، ج ۱۲، ص ۲۲۶.

سایبها»؛ «شناسید حق را تا شناسید اهلش را و بیندیشید در راه‌های باطل تا رهروان باطل را شناسید»^۱.

و آن گاه که به شناخت امام، نور و نار، رهبران و حق و باطل رسید، می‌بایست به موضع‌گیری در برابر هر دو پردازد، چرا که معرفت، میل و انگیزه ایجاد می‌کند اگر متعلق معرفت نیک و حق باشد، میل و انگیزه به جذب و رفتن به آن سو است (محبت) و اگر متعلق معرفت عیب، بدی، پستی و پلیدی شیئی ای ویا فردی باشد، میل به نفرت، بغض و گریز ایجاد می‌کند.

و منشأ این حب و بغض فطرت الهی است «و لکن الله حَبَّ الیکم و کَرَهُ الیکم...» یعنی بر اساس درک فطری انسان می‌فهمد در عالم خیری است و شری، پس نسبت به خیر مایل و گرایش اثباتی دارد و نسبت به شر و بدی‌ها و ظلم‌ها نفرت و حالت گریز دارد؛ پس شرط سلامت فرد و جامعه شناخت درست مصادیق خوبی و بدی و آن‌گاه ابراز موضع روشن و صریح در برابر آن‌ها می‌باشد.

با فهم این اصل مهم، چند نکته از آن متفرع می‌شود:

حق و باطل از آغاز تاریخ (از مضاف آدم و ابلیس) وجود داشته و هر دو سیر و حرکت تاریخی دارند و هدف هر دو تلاش برای غلبه نهایی بر پایان تاریخ و اراده جمعی و جهانی بشریت در آخرالزمان به نفع خود می‌باشد؛

مضاف حق و باطل در لحظه لحظه زندگی هر فردی وجود دارد، بدین جهت دشمن‌شناسی و موارد احتمال هم‌راهی و هم‌رنگی با او از ضروریات عقلی در زندگی می‌باشد؛

این شعار که انسان فقط با عشق و محبت و به دور از هر گونه بغض و کینه و نفرت باشد، که از قدیم و جدید برخی مذاهب و فرقه‌ها مطرح می‌کنند نه پشتوانه عقلی و نه منطق نقلی دارد؛

و نظریه‌هایی مثل: عشق و محبت مطلق در مذهب مسیحیت تحریف شده، دین بهاییت و عرفان‌های نو ظهور و عدالت صحابه به معنی بر حق بودن تمام افراد مدینه‌النبی، باطل و پوچ می‌باشد و عملاً حتی از سوی صاحبان این مدعاها قابل اجرا و تطبیق نیست.

چرا که منشأ لعن و تبری، ریشه در فطرت و گرایش‌های فطری خیر و شر شناسی و میل فطری به خیر و گریز و نفرت فطری از شر است و معلوم می‌شود که خیر و شر که امری مفهومی هستند، در مصادیق، افراد و اعمال بیرونی تجلی می‌یابند.

بدین جهت نفی دشمن و لعن، شعاری فریبنده و پوچ بیش نیست و هنر، نفی آن‌ها نیست، بلکه هنر جهت دهی درست و صحیح به بغض و نفرت‌ها بر مبنای ارزشی و توحیدی است.^۱

لازمه حق و باطل شناسی و دشمن شناسی، ابراز موضع‌گیری صریح و شفاف است، بدین جهت در مکتب تشیع دو فرع از فروع دین (که امتداد اصل امامت در اصول دین می‌باشد) تولی و تبری است.

در تبری و لعن، هر چه شدت باطل و ظلم او وسیع‌تر باشد و هر چه دامنه اثر گذاری او، دایره بیش‌تری از تاریخ و حرکت بشریت را پوشش دهد، شدت لعن بیش‌تر می‌گردد تا بدان حد که برخی لعن‌ها اگر چه به ظاهر لعن حادثه و افراد خاص است، ولی در حقیقت لعن بازتاب تاریخی جنایت آن‌هاست. لذا این ابراز لعن بر غاصبین و قاتلین اهل‌بیت همانند یزید و شمر، صرفاً لعن فردی خاص در گوشه‌ای از تاریخ نیست که کسی بگوید لعن یک فرد در گوشه‌ای از تاریخ چه ربطی به من دارد؟ پاسخ این است که در هر جنایتی فعلی و فاعلی است و لعن فاعل یعنی لعن فعل و بازتاب تاریخی آن فعل، پس اگر یزید لعن می‌شود، یزید

۱. بله تنها مقطعی زمانی‌ای که می‌توان قائل به محبت و عشق صرف بدون بغض و نفرت شد وقتی است که هیچ صاحب شر و مصداقی برای پلیدی و ظلم و شر بر روی زمین نباشد و این منحصر به حاکمیت مطلق حق در دوران ظهور و رجعت است نه قبل از آن که حق و باطل در کنار همدیگر وجود دارند.

که فردی تاریخی و محدود بود به مقطع خاص از تاریخی است، به تنهایی لعن نمی‌شود بلکه یزید با فعل تاریخی و جنایت مستور او که تمامی تاریخ بشریت را پوشش می‌دهد لعن می‌شود. با این نگاه دقت در فرازهای کلیدی زیارات حسینی تعریف‌گر چرایی و چگونگی لعن است بدین گونه که:

مصیبت عاشورا سنگین‌ترین مصیبت در تاریخ حق و بالاترین جنایت باطل بوده که تمام سیر تاریخی باطل قبل از حادثه برای رسیدن به آن نقطه تلاش می‌کرده و تمام باطل پس از این حادثه، ریزه خوار سفره جنایت عظیم اهل باطل در این حادثه هستند.

بدین جهت حالا که مصیبت بسیار سنگین بود (مصیبه ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام و فی جمیع السماوات و الارض - زیارت عاشورا)، پس دامنه لعن و تبری هم وسیع می‌شود.
و دایره آن چنین می‌شود :

لعن الله امة : یعنی این حادثه محصول یک نفر و چند نفر نیست، بلکه محصول مشارکت جمعی و گروه‌هایی است اعم از: حاکم و محکوم، مسبب و مباشر و...

امت قاتل، ظالم و سامع راضی: دامنه و دایره این حادثه از منظر تفسیر کلمه امت در اولین مرحله همان مقطع تاریخ تحقق حادثه یعنی قاتلین بلاواسطه یا بالواسطه را شامل شده و سپس شامل همه ظالمین و راضین در بستر تاریخ گذشته، حال و آینده می‌گردد.

جمع بندی و نتیجه گیری :

لعن و تبری در زیارات حسینی، صرفاً لعن دو سه نفر یا دوسه گروه از روی اغراض شخصی و یا دعوای خانوادگی و تاریخی در گذشته نیست، بلکه این لعن برآمده از بصیرت است. بصیرت (به معنی معرفت و اقدام آگاهانه) به حق و باطل،

به فعل باطل، به دامنه باطل، به بازتاب تاریخی فعل باطل (از عاشورا تا ظهور) و... و آن گاه پس از این بصیرت‌ها به درک کلمه اشقی الاشقیاء درباره عاملین و وابستگان آن‌ها رسیدن و آن گاه غافل و بی تفاوت از کنار آن‌ها گذر نکردن است و گرنه خدای نکرده سکوت و بی تفاوتی ما با دلالت التزامیه و بعضا تضمینیه، سکوت به معنی رضایت به باطل خواهد شد.

ب) کار کرد شناسی لعن برای زائر :

مشکل تاریخی افرادی همانند زهیر و عبیدالله حر جعفری این بود که به هنگام مصاف حق و باطل، سعی می‌کردند با گریز از حق از رنج معرفت حق و عذاب وجدان خود را رها کرده و با ایجاد جهالت و یا جدایی خود ساخته، موقتا خیال خود را راحت کرده تا بتوانند به زندگی روزمره خود بپردازند، این درحالی است که سکوت آن‌ها نوعی سیاهی لشکر خنثی برای باطل درست می‌کند یعنی همین که اطراف حق خلوت گردد و با عدم مشارکت من به تعداد یک نفر از نیروی حق کم گردد موجب سرور و تقویت باطل می‌شود.

امیرالمؤمنین می‌فرماید : «خَذَلُوا الْحَقَّ وَ لَمْ يَنْصُرُوا الْبَاطِلَ»؛ «حق را رها

کردند و باطل را یاری نکردند (یعنی خنثای خنثی بودند)»^۱.

در این میان اگر فطرت بیدار شود، همانند زهیر سعی می‌کند که سرانجام به تولی و تبری برسد و گرنه مانند عبیدا... حر جعفری می‌شود که با معطل گذاشتن تمام توان و استعداد خود، اگر چه یار و یاور باطل نمی‌شود، ولی سکوت او خود باعث استمرار باطل و تنهایی (وتر موتور) حق می‌شود.

امیرالمؤمنین می‌فرماید : «إِيهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَّخِذُوا عَنِ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهِنُوا عَنِ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَطْمَحْ فِيكُمْ مِنْ لَيْسِ مِثْلِكُمْ»؛ «ای مردم اگر از یاری حق سست نمی‌شدید و تضعیف باطل را فرو نمی‌گذاشتید طمع نمی‌کرد در شما

کسی که همانند شما نیست (کسی که پست‌تر از شما است)»^۱.
 بدین جهت لعن زائر در کنار سلام‌ها و شهادت‌ها، اعلان موضع تبری عارفانه و شجاعانه است، با این تفاوت که در سلام‌ها موضع‌گیری انتخابش سلم است (سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمُ) و در لعن‌ها موضع‌گیری‌اش حرب است (حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ) و بدین گونه با دشمن شناسی تاریخی سعی می‌کند در مقطع زمانی خود به هیچ نحو جزو جریان تاریخی باطل (در امتداد خود از عاشورا تا ظهور) قرار نگیرد. باطلی که حداقل مرتبه آن، سامع راضی است و این سامع راضی به معنی خوشحالی و شادمانی نیست، بلکه عدم تبری از دشمنان و سعی در جمع بین هر دو طرف ماجرا پایین‌ترین مرتبه سامع راضی است و نتیجه آن پذیرش ذلت تاریخی و سلطه‌گری باطل است، ولی زائر عارف همانند حر است که می‌داند نمی‌توان تا بی‌نهایت در لشکر ابن زیاد و یزید بود و احترام حسین را هم نگهداشت، بلکه در رزم‌گاه حق و باطل، سرانجام باید تکلیف خود را روشن کرد، و این با تبری و لعن قلبی، زبانی و رفتاری محقق می‌شود، همان گونه که قیام و ظهور مهدی موعود در حرکت تاریخی خود انتقام مظلومین تاریخی حق از ظالمین غاصب است و بدون انتقام‌گیری و بازگرداندن مسیر تاریخ به حاکمیت حق، اصلاً ظهور بدون معنا می‌شود، پس تبری و لعن از گذشته باطل و استمرار آن، تلاش برای دشمن‌گریزی با هدف حق‌گروی خالصانه در مسیر ظهور است.

تریت لعن‌های زیارات حسینی

نکته‌ای دیگر که در لعن‌های زیارت‌های حسینی وجود دارد این است که غالب انسان‌ها حس فطری بغض و تنفرهایشان کوچک و سطحی می‌باشد و غالب کینه‌ها و نفرت‌ها خانوادگی، یا شغلی و بعضاً بچه‌گانه می‌باشد ولی سلوک در زیارت‌های حسینی (و آیات قرآنی) باعث وسعت و عمق بخشی حس تنفر و بغض فطری است که آن را در مسیر دشمن‌شناسی واقعی و تاریخی قرار داده و

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۶۶.

لعن‌ها را کاربردی و اثر گذار بر تاریخ بشری می‌نماید، چرا که وقتی بفهمیم جنایت یزید، ابن زیاد، عمر سعد، شمر و... در عاشورا ضربه و لطمه‌اش بر زندگی تک تک ما این است که ما امروز گرفتار زندگی غایبانه آخرالزمانی هستیم و از نعمت بهره مندی مستقیم از محضر امام زمان محروم شده‌ایم و منشأ این اتفاق در زمان حال، ریشه در سقیفه و عاشورا دارد و من اکنون اگر چه در عاشورا نیستم که اعلان موضع گیری کنم، ولی با موضع گیری اکنون خودم حداقل نسبت خودم را با مسئله غیبت امام غایب مشخص کرده‌ام. و بدین گونه از زندگی و درک کوچک و محدود و مسائل شخصی به درک و موضع‌گیری‌ای تاریخی، جهانی و جغرافیایی می‌رسیم و وسعتی پیدا می‌کنیم که وسعتش وسعت دایره حق و باطل است.

و به عبارتی دیگر برای تحقق دولت کریمه اهل بیت در اصطلاح منطقی دو شرط وجود دارد: یکی، وجود مقتضی و دیگری، عدم مانع، از این منظر زائر با اظهار سلام، سلم خود نسبت به امام را با ایجاد مقتضی تحقق آن دولت در خود ایجاد کرده و این با جهت دهی استعدادها و توانمندی‌هایش به سوی هدف مقدس و متعالی امام می‌باشد و آن‌گاه با لعن و تبری سعی می‌کند ابتدا زمینه ایجاد مانع را از درون خود دفع کرده و آن‌گاه با ابراز لعن و جدایی از دشمنان دولت کریمه به یاری گیری، تقویت حق و تضعیف موانع باطل کمک نماید.

ایده تربیتی :

مهمترین کاربرد و تأثیر سلم و لعن‌های زیارات حسینی، آموزش اخلاق نیکو به شیعیان و محبین اهل بیت در روابط بین ایمانی خودشان با هم‌دیگر است و دوری از کینه توزی و دشمنی با آن‌ها بر سر مسائل کوچک و دنیوی است و این با جهت دهی به لعن‌ها، نفرت‌ها و کینه‌ها به سوی دشمنی با دشمنان دین و اولیای دین می‌باشد. لعنی که از دایره مسائل کوچک به دایره‌ای به وسعت تاریخ حق و باطل توسعه پیدا کرده و سطح فکر، دید و عواطف زائر را ارتقا می‌دهد.

امام مظهر اسم رحمة للعالمین بودن حق تعالی است، ولی وقتی عصیان انسان‌ها به اوج می‌رسد، قلب مقدس معصوم به شدت ناراحت می‌شود، لعن و نفرین امام را به همراه خواهد داشت، البته پیامبر در مکه با وجود اوج آزارهایی که از مشرکین دید، حاضر به لعن و نفرین آن‌ها به صورت گسترده همانند پیامبران پیشین نشد، ولی در عاشورا، مسلمان‌نماهای کوفی آن چنان قلب مقدس فرزند پیامبر را به درد آوردند که امام چاره‌ای جز لعن و نفرین ندید. همانند ماجرای عبدالله بن ارجوزه و اهانت او به امام و نفرین حضرت در مورد او که به هلاکت او منجر شد.

ایدهٔ مقتل :

مصیبت‌های شدید امام در کربلا و لعن و نفرین توسط امام علیه کوفیان: مثل خطبه خوانی مکرر امام در صبح عاشورا و اهانت‌های کوفیان و لعن کردن آن‌ها همانند ماجرای شهادت علی اکبر و علی اصغر و لعن امام بر کوفیان، یا همانند سنگ و تیری که بر سر و قلب مقدس امام می‌خورد و خون شدیدی جاری می‌شود و امام با محاسنی خونین به لعن کوفیان می‌پردازد.

۱۳. یا مولای یا اباعبدا.. اشهد انک کنت نورافی الأصلاب الشامخة
و الارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک من
مدلهمات ... ثيابها

این فراز شهادتی دیگر است در مورد شخصیت شناسی امام از منظر کنیه ای
مهم و معنایی درباره آن حضرت یعنی اباعبدالله و ریشه یابی وجه تسمیه این
کنیه برای امام، در این فراز هم دو مجال برای سخن است :
الف) مفهوم شناسی واژگان
ب) کارکرد تولی و شهادت زائر

الف) مفهوم شناسی و تحلیل واژگان :

الف-۱) یا مولای یا اباعبدالله :

ولیّ و مولی : به معنی سرپرست و صاحب و اولی به نفس است Gالنّبی اولی
بالمؤمنین من انفسهم F: «پیامبر سزاوارتر است به مؤمنین از خود آنها به
خودشان»^۱.

۱. احزاب، آیه ۶

اباعبدالله: این کلمه کنیه است و اگر چه می‌تواند وجه تسمیه آن به جهت فرزند شیرخواره حضرت که نام اصلیش عبدالله رضیع بوده، باشد ولی استعمال این کنیه از زمان پیامبر و توسط ایشان بوده و شدت گستردگی استفاده از آن بیانگر ویژگی معنایی ممتاز این کنیه است و آن این‌که این کلمه مضاف و مضاف الیه به همان معانی تحت اللفظی حمل شود و چنین معنا گردد (پدر بندگان خدا) شرح و توضیح: این دو جمله: یا مولای یا اباعبدالله که دو جمله ندا و مناداست تنها جملات از زیارت است که زائر مستقیم امام را به عنوان ولایت و امامت مورد خطاب قرار می‌دهد و آن را مقدم بر موضع گیری (اشهد=شهادت) خود می‌کند و این گویا اهتمام تعلیمی و تأدیبی زیارت است که به زائر بیاموزد، اگر فرازهای دیگر زیارت در مقام بازشناسی امام است، این دو جمله شناسنامه، هویت و شخصیت اصلی امام است، بدین جهت این دو جمله در قلب و میانه زیارت، تأکیدی است بر دو مقام اصلی امام حسین که در میانه شهادت‌های زائر قرار گرفته است و گویا زائر در اوج و عمق شهادت‌های تبری و تولی جوانه می‌بایست یادآوری مهمی نسبت به ریشه مقام‌های امام داشته باشد که دو مقام و جایگاه مهم است:

یا مولای: بر مقام امامت عامه امام در امتداد دوازده امام اشاره دارد.

یا اباعبدالله: بر مقام امامت خاصه و جایگاه خاص امام اشاره دارد.

مبلغ ارجمند: مباحث مرتبط به باز شناسی، یا مولای بودن سیدالشهدا با توجه به گستردگی و غنای مباحث ولایت شناسی دوازده امام بر اساس منابع قرآنی و روایی، به شما واگذار می‌گردد تا بر حسب مخاطب شناسی منطقه ای به صورت اجمال یا تفصیل به آن بپردازید و به ویژه پس از مباحث علمی، کارکرد اعتراف زائر به ولایت و امامت حسین را برای مخاطبین تبیین و توضیح دهید (به ویژه از منظر آیه: Gالنبی اولی بالمومنین F و چگونگی و چرایی و ادامه این اولویت)

یا اباعبدالله: توضیح اجمالی این جمله چنین است که:

اگر این کلمه به معنای تحت اللفظی استعمال شود، پدر بندگان خدا و پدر

بندگی خداوند برای امام است. برای فهم این معنا باید دو معنای اصطلاحی کلمهٔ اب و عبدالله وا شکافی شود.

برای فهم کلمهٔ اب به تنهایی همان روایت نبوی «أنا و علیُّ أبوا هذه الامه»؛ «من و علی پدران این امت هستیم»^۱ کافی است و به معنی ابوت و پدری امام حسین نسبت به عبودیت تاریخی بشر است؛ یعنی حسین به واسطهٔ مقام بنؤت و به واسطهٔ حماسهٔ تاریخی خود که ثارالله شده است، به مقام ابوت رسیده و معنی ابوت از متعلق آن یعنی عبدالله فهمیده می‌شود.

عبدالله یعنی رابطهٔ حقیقی و واقعی‌ای که بین انسان‌ها و حق تعالی (تکویناً) وجود دارد و باید (تشریحاً) وجود داشته باشد آن رابطه (تکویناً) همان رابطهٔ عبد و رب بودن است که مقامی ذاتی است و در این مقام همان گونه که در جملهٔ بعد خواهد آمد، وجود نوری حسین در ملکوت نقش داشته است.

و رابطه‌ای که باید وجود داشته باشد (تشریحاً) رابطهٔ عبودیت و معبودیت است؛ یعنی پرستش و بندگی آگاهانه و عاشقانه. و حسین با قیام خود هم زمینهٔ تاریخی این عبودیت را فراهم می‌کند و هم خود سرپرستی این عبودیت را به عهده می‌گیرد، لذا به عنوان نمونه در تاریخ انبیا آن‌ها در اوج مشکلات برای توسل خود به درگاه حق تعالی از نور پنج تن برای توسل استفاده می‌کردند و معلوم است که توسل انبیا توسل فردی و شخصی نبوده، بلکه توسلی برای پیشبرد تاریخ حق به سوی غایت خود بوده است.

و پس از شهادت حسین هم، بر اساس طراحی و فرهنگ سازی اهل بیت عصمت و طهارت محور مکتب تشیع بر محوریت عشق، علاقه، حزن و زیارت حسین مبتنی است، به گونه‌ای که بدون تویی به حزن و ماتم حسینی، اصلاً بندگی معنا ندارد و نخواهد یافت، چرا که بندگی یعنی تلاش برای تقرب به پیشگاه الهی و تنها راه تقرب با عبودیت، راه اهل بیت است و راه آن‌ها هم از معبر حزن و اندوه بر بلا و ابتلای حسین می‌گذرد، پس تنها راه تقرب، سیر و سلوک با ابتلا و مصیبت حسین است که اتفاقاً راهی میانبر و سریع الاجابه و الاثر می‌باشد.

۱. علل الشرایع ص ۱۲۷ - بحار الانوار.

الف-۲) اشهد انک کنت نوراً فی الأصلاب الشامخه:

این فراز اشاره دارد به وجود نورانی اهل بیت قبل از تولد جسمی و زمینی و البته این مقام و مرتبه نورانی دو مرحله دارد: مرحله قبل از خلقت حضرت آدم و مرحله پس از آن، در مرحله قبل، این نورانیت ملکوتی است و مرتبه بعد نورانیت در صلب و رحم است. برای مطالعه و فهم بیشتر و بهتر این مباحث مطالعه باب (ان الائمه نورالله عز وجل)^۱ مفید و بلکه ضروری است.

به هر حال از آغاز اولین مرحله آفرینش تا مرحله نهایی بهشت مراتب آفرینش معصومین چنین است :

۱. مرحله نوری : مرحله نوری عرشی، مرحله نوری آفرینش جهان هستی، مرحله عالم ذر، مرحله نوری آفرینش حضرت آدم
۲. مرحله زمینی : مرحله صلب و رحم از آدم تا والدین، مرحله حیات زمینی تاریخی خود (تا قبل امامت، مرحله امامت تا شهادت و مرحله رجعت
۳. مرحله برزخی : ناظر به حیات زمینی، ناظر به حیات برزخی
۴. مرحله قیامت : نفخه صور، حضور در قیامت و اوج تجلی در صحنه قیامت، مرحله میزان اعمال، مرحله شفاعت و...

مرحله بهشت : اوج عبودیت و رضایت و لذت معنوی و جسمی
 در زیارت وارث با توجه به میزان معرفت زائر و میزان دایره کاربردی عام آن برای عموم از مرحله نوری فقط مرحله نورانیت در صلب و رحم را آورده است تا نشان دهد که حسین نه تنها خود و تبارش تا پیامبر اسلام ۹ دارای عصمت و طهارت مطلقه هستند، بلکه تمام تبار او تا آدم و حوا، حتی آن‌ها که در پست‌ترین دوران و در آلوده‌ترین مناطق (جاهلیت حجاز) هم بوده‌اند، آن‌ها هم (از اسماعیل تا پیامبر) معصوم به معنی اصطلاحی در علم کلام نبودند ولی چون همگی پدران و مادران حسین هستند بدین جهت دارای ویژگی شامخ و مطهر

۱. در کتاب الحجۃ کافی و یا بحار الانوار.

بودن می باشند و شاهد این مدعی از قرآن آیه: **G** و **تقلبک فی الساجدین F**؛ «و دگرگونی تو در انسان‌های سجده‌گزار»^۱ است.

ب) کار کرد تولی و شهادت زائر به مقام نوری امام :

در قلب و میانه زیارت زائر، عاطفی‌ترین و عارفانه‌ترین خطاب مستقیم را با امام داشته و بهترین پیوند و پیمان را با این تولی ایجاد می‌کند، چرا که زائر پس از امام شناسی نور و نار، در ضمن سیر و سلوک زیارت از آغاز تا این‌جا و اظهار سلم و لعن خود در این‌جا ولایت امام را می‌پذیرد و هدف و آرزویش از این تولی، همه را تولی در مسیر عبودیت خداوند می‌خواهد که مطابق حقیقت و واقعیت ولایت اهل‌بیت است. چرا که تمام امامان و رهبران (غیر انبیا و امامان) انسان‌ها را برای خود می‌خواهند تا با حاکمیت و تسلط بر آن‌ها به استثمار آن‌ها (مستقیم یا غیر مستقیم) در مسیر جلب منابع خود بپردازند **G** **فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ F**؛ «پس قومش را خوار نمود تا از او اطاعت و فرمانبرداری نمایند»^۲ ولی معصومین تنها کسانی هستند که ما را برای خودمان می‌خواهند و در مکتب آن‌ها برای هر کس خود شناسی و خداشناسی و آن‌گاه خداپرستی (و لیبعدون)^۳ هر کس برایش مهم‌ترین هدف رسالت و ولایت معصومین است.

پس در این فراز هم ما با پذیرش تولی به ولایت حسین، از او می‌خواهیم که ما را داخل در سرپرستی خود نسبت به عبودیت حق تعالی نماید تا با سرپرستی و ولایت او به اوج تقرب و سعادت دنیا و آخرت برسیم.

«سمعت ابا جعفر: يقول: انما يعرف الله عز وجل و يعبد من عرف الله
امامه من اهل بیت و من لا يعرف الله عز وجل و لا يعرف الامام منا فانما

۱. شعراء، ۲۱۹.

۲. سوره زخرف، آیه ۵۴.

۳. ذاریات ۵۶.

يعرف و يعبد غير الله هكذا و الله ضلالا»^۱.

شنیدم از امام باقر: همانا می‌شناسد و عبادت می‌کند خداوند را هر کس که بشناساند خداوند به او امامش را که آن امام از ما اهل‌بیت می‌باشد و هر کس که خداوند عز و جل امامش را از تبار ما اهل‌بیت نشناسد پس معرفت و عبادت او برای غیر خداست و این به خدا قسم همان گمراهی و ضلالت است.

با توجه به این روایت دلیل این‌که این تولی به عبودیت را از حسین بن علی و اهل‌بیت می‌خواهیم این است که می‌دانیم امام در وجود نوری خود بر روی کره زمین در اوج پاکی و طهارت بوده است تا آن‌گاه که به مرحله حیات زمینی خود رسیده و آن طهارت در اعقاب از عوامل مؤثر در این مقام و شخصیت حضرت می‌باشد.

یاد آوری :

در مورد لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ دو نکته جالب توجه وجود دارد :

یکی این‌که، اگر فردی گرفتار جاهلیت شود چه بخواهد یا نخواهد و چه ملتفت باشد یا نباشد، مستقیم یا غیر مستقیم جاهلیت بر تمام ابعاد وجودی او اثر گذار خواهد بود و تأثیر آن تنجس و تلبس است.

بدین جهت مواردی همانند روایت: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مرگ او مرگ جاهلی خواهد بود»^۲ و یا اصطلاحات فقهی «دارالایمان و دارالکفر» می‌تواند ناظر به این معنا باشد که هر گونه رنگ (و صبغه) جاهلیتی چه معرفتی و چه محیطی اثر وضعی و تکوینی فعلی و تقدیری خواهد داشت، پس انسان بصیر و هوشیار کسی است که از جاهلیت به تمامی انواع و اقسام آن خود را نجات دهد.

دوم این‌که، امام حسین خود در دوران جاهلیت نبوده است، ولی در این

۱. کافی کتاب الحججه باب معرفه الامام حدیث ۲۰.

۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۷.

جمالات به امام خطاب می‌شود که جاهلیت تو را تنجیس و تلبیس نموده و این یعنی این که فعل و رفتار پدر و مادر (صلب و رحم) اثر وضعی و طبیعی در نسل و نسل‌های بعدی خواهد گذاشت. بدین جهت باز هم تک تک ما اگر چه نسبت به گذشته ممکن است قدرتی نداشته و مسئول نباشیم، ولی نسبت به بازتاب و عکس‌العمل مستقیم و غیر مستقیم زمان حال و زمان آینده، آینده نزدیک و حتی آینده دور مسئول خواهیم بود و در برابر هر چه که آگاهانه و صالحانه رفتار نماییم، می‌توانیم غیر مستقیم در امتداد تاریخ پایه گذار تبار و نسلی صالح و شایسته در مسیر سیر و حرکت تاریخی حق داشته باشیم.

ایده‌های تربیتی :

آلودگی نسبی و تبار دشمنان امام به ویژه یزید، ابن زیاد و... و حتی ده نفری که اسب بر پیکر مطهر امام تاختند و این هشدار است برای آلودگی نسل‌ها و تأثیر آن در مؤنور، بلکه مظلوم واقع شدن امام که در زمان سیدالشهدا، شهادت آن حضرت و پس از آن غیبت آخرین امام را به دنبال داشته است.

لازمه تولی به مقام نورانیت نسبی و اعقابی حضرت، تلاش تک تک مؤمنان برای ایجاد خانواده و نسل‌هایی پاک است که جزو حداقل‌های اجتماعی هر مؤمن می‌باشد، چرا که باید طرح مؤمن برای آینده ذریه و نسل خود، از جهت علمی و تربیتی به گونه‌ای باشد که همان گونه که علوم، صنعت و سیر تمدن بشری رو به رشد است، نسل او هم از جهت کمی و کیفی پرچم‌دار او در مقام اعوان و انصار الحجه بودن، باشد، همان گونه که مثلاً بعدها از نسل حر بن یزید ریاحی، شیخ حر عاملی به وجود می‌آید و یا از نسل جابر بن عبدالله انصاری، شیخ انصاری.

ایدهٔ مقتل :

چهرهٔ نورانی سیدالشهدا در شب و روز عاشورا، به گونه‌ای بود که به گزارش، گزارش‌نویس‌های کوفی، امام هر چه به لحظهٔ شهادت نزدیک می‌شد، چهره‌اش درخشان‌تر و نورانی‌تر می‌گشت، نورانیتی که حتی بر نیزه چنان دلربا بود که همه مجذوب آن می‌شدند، چه مسلمان، چه غیر مسلمان، و روضه خوانی حضرت زینب وقتی که برای اولین مرتبه، قرآن خوانی سر بریده را بر هنگام ورود به کوفه شنید و از شدت مصیبت سر به محمل کوبید.

۱۴. أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنَ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ
الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَدَكَ
كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا.

این فراز مشتمل بر سه شهادت درباره شخصیت شناسی امام حسین می باشد،
شخصیت شناسی ای که در امتداد شخصیت نسبی و نوری امام در این مرحله،
سه محور زیر را مورد توجه قرار داده است :

نسبت شناسی امام با دین و ایمان و مؤمنان؛

اوصاف و ویژگی های عرفانی و اخلاقی امام؛

امتداد و استمرار شناسی امام به عنوان ابو الائمه

هر یک از موارد این فراز هم از دو منظر مورد مطالعه قرار می گیرد.

الف) مفهوم شناسی واژگان

ب) چرایی و کارکرد شهادت زائر

الف) مفهوم شناسی واژگان :

الف-۱) نسبت شناسی امام با دین و ایمان :

دین در لغت به معنی طاعت و جزاست و در قرآن به همین معنا و معنای قانون و شریعت یا طاعت و بندگی استعمال می‌شود و در اصطلاح علم کلام : دین به معنی مجموعه‌ای از دستورات برای زندگی دنیوی انسان است که منشأ وحیانی داشته و توسط انبیای معصوم به ما رسیده است.^۱

به هر حال دین مجموعه‌ای از قوانین و آموزه‌های مستند به غیب و وحی است که اگر کسی آن‌ها را بپذیرد و به آن‌ها معتقد شود، واژه ایمان معنا پیدا کرده و آن شخص متصف به صفت مؤمن می‌گردد.

از این منظر دعامه و رکن که مترادف هستند، بیانگر این کلمه هستند که سیدالشهدا چون امام و مولی است و وارث امیرالمؤمنین می‌باشد (فرازهای پیشین زیارت)، پس جای‌گاهش در نظام دینی تشیع، جای‌گاهی در مرتبه اصول دین (اصل امامت) است و در اصول دین امامت و خلافت را هم به (ریاسه عامه فی امر الدین و الدنيا؛ ریاستی عام و شامل تمام امور دینی و دنیوی)^۲ تعریف کرده‌اند، بدین جهت امام نسبت به مؤمنان جامعه ایمانی رکن و استوانه آن است.

پس دین حقیقی نرم‌افزاری است که در فرآیند ایمان مؤمنان (به لحاظ جامعیت و کاملیت دین، حتی در دایره سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...) به شکل دهی جامعه ایمانی منجر می‌شود و حسین با آن قیام تاریخی‌اش نسبت به آن نرم‌افزار و نسبت به این جامعه شکل یافته، رکن، استوانه و پشتوانه‌های آن می‌باشد.

و در حقیقت این دو جمله در مقام نسبت سنجی امامت خاصه حسین 7 به

۱. رک آموزش عقاید ج ۱، درسنامه عقاید.

۲. الرسائل العشر، شیخ طوسی، ص ۱۰۳.

دو امر معنوی و حقیقی (دین) و واقعی (جامعه دینی) به پشتوانه اصل امامت و فعل تاریخی آن حضرت می‌باشد.

الف-۲) اوصاف شناسی امام حسین :

از آغاز زیارت وارث تا کنون در مواردی که به شخصیت شناسی امام پرداخته شد، همگی آن‌ها شخصیت شناسی امام در نسبت سنجی با جریان‌های تاریخی و یا پدیده‌ها و رفتارها بود. در برابر این فراز جهت تعمیق بازشناسی اوصاف ذاتی حضرت است که شرح اجمالی و قرآنی این اوصاف چنین است :

الامام : رهبر و پیشوای حق (آیه قرآنی: G جعلناهم ائمة يهدون بامرناF؛

«قرار دادیم آن‌ها را امامانی که هدایت می‌کنند به امرمان»^۱.

البرّ : نیکوکار، برای فهم بهتر معنای کلمه برّ به استعمال قرآنی این واژه مراجعه نمایید. همانند آیات ۱۹۸،۹۲ و ۱۹۳ آل عمران، ۵ انسان، ۱۳ انفطار، ۱۸ مطففین، ۱۷۷ بقره و ۲ مائده.

التقىّ : تقوایبش و پرهیزگار : کلمه وقی که ریشه اصلی تقی، متقی و متقین است با مشتقات گوناگون خود در قرآن استعمال فراوان دارد و در مورد دو کلمه تقوا و ایمان روایتی از امیرالمؤمنین است که هر جا این دو کلمه (با رویکرد اثباتی مثل متقین) استعمال شود، مراد (از جهت بهترین و برترین مصداق) من هستیم. به هر حال با مطالعه اجمالی این کلید واژه می‌توان با جایگاه این واژه و دایره معصومانه آن درباره امام آشنا شد.

الرضیّ : بهترین تفسیر و معنا برای این صفت آیه ارجعی الی ربک راضیه

مرضیه^۱ است.

الزکیّ: پاک و پاکیزه، بالاترین مصداق آیه: قد افلح من تزکی، زکاهما؛
همانا رستگار شد کسی که نفس خود را تکزیه و پاک است.

الهادی المهدی: تأکیدی بلیغ بر هدایت‌گری امام بر اساس آیه: **أَنْتَ مَنَّادٌ وَ
لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ**^۲؛ «همانا تو هشدار دهنده‌ای و برای هر ملتی هدایت‌گر می‌باشی است».

نکتهٔ جالب در این القاب و اوصاف این است که از وصف امامت شروع شده
و با وصف مکرر هدایت‌گری به پایان می‌رسد و اوصاف میانی هم جنبهٔ الگویی
برای مؤمنان دارند.

الف-۳) امتداد امامت در نسل و ذریهٔ امام حسین :

این شهادت از شهادت‌ها و گواهی‌های زیارت که آخرین شهادت زائر دربارهٔ امام
است، شهادتی مهم است که در امتداد وارث بودن سیدالشهدا از انبیا و
امیرالمؤمنین می‌باشد، و بلکه بنا به اصل ضرورت و اضطرار بشر به وجود ولی
معصوم، این اولیا پس از امام حسین نه نفر هستند و همگی از تبار حسین
می‌باشند (البته امامان بعد از امام باقر تا امام مهدی، هم از تبار امام حسین و هم
از تبار امام حسن مجتبی هستند و امتداد آن‌ها از امام مجتبی، از طریق همسر
امام سجاد، فاطمه بنت الحسن می‌باشد)

در این فراز اوصافی چند برای امامان بعد می‌شمارد که همان اوصاف مشترک
با امام حسین و اجدادشان است ولی در این فراز بر روی مفهوم نشانه و آیه و دلیل

۱. فجر ۲۸.

۲. اعلیٰ ۱۴ و شمس ۹.

۳. رعد ۷.

بودن آن‌ها به خیر و هدایت تأکید ویژه ای شده است، بدین گونه کلمه (التقوی) – اعلام (الهدی) – العروة الوثقی – الحجة – (علی اهل الدنيا) و این یعنی تنها راه و مسیر برای اهل دنیا تا پایان تاریخ، معصومین از ذریه حسین هستند.

(ب) چرایی و کارکرد شهادت زائر :

این فراز از شهادت‌های سه گانه از سوی زائر، سه شهادت، گواهی، ایمان و باور درباره امام است و در حقیقت در این شهادت‌ها زائر نسبت به دستاوردهای قیام امام به سه باور اقرار می‌نماید و بر آن‌ها پیمان می‌بندد، پیمان‌هایی سه گانه و مترتب بر هم‌دیگر بدین گونه که :

او اول به دستاوردهای مهم قیام حضرت که حفظ دین و ایمان در آینده تاریخ قیام است، اقرار می‌نماید و اعتراف می‌کند که دین و ایمانی که اکنون به او رسیده به برکت مجاهدت حسین است.

و آن گاه پس از اقرار بر امامت و هدایت گری تاریخی امام، بر جنبه الگویی امام از منظر برخی اوصافش برای موالیان و ره یافتگان به هدایت امام اشاره دارد و گویا زائر به امام و هادی خود تعهد می‌دهد که با امام خود در این اوصاف و ویژگی‌ها به الگو برداری بپردازد و همان گونه که فرزند حسین، حضرت علی اکبر، اشبه الناس خُلُقاً و خُلُقاً و منطلقاً برسول الله شبیه ترین مردم از جهت خلقت و خوی و رفتار به پیامبر خدا؛ بود، او هم سعی می‌کند با اسوه و الگو قرار دادن مدل زندگی و تربیت حسینی، برای رسیدن به این شباهت‌ها تلاش نماید)

و در آخرین شهادت خود متعهد شود که بر اساس روایت (من مات و لم يعرف امام زمانه) و روایت (دوازده امام) ولیّ زمان خود را که آئینه تمام نمای حسین، البته هماهنگ با ویژگی‌ها و نیازهای زمانه (زمان شناسی) است، بشناسد

و سعی کند بر اساس سلوک (سلم، لعن و شهادت) تمام این روابط را همانند اصحاب الحسین برای ولیّ زمان خود شناسایی (توانایی و استعداد شناسی و تلاش‌گری حداکثری) و به اجرا بگذارد.

نکتهٔ مهم دیگر این‌که زائر در بخشی از این فراز بر واقعیتی دینی و تاریخی شهادت می‌دهد و آن این‌که (ان الائمة من ولدک... الحجّة علی اهل الدنیا؛ همانا امامانی که از تبار تو هستند ... حجت و دلیلی بر مردمان دنیا هستند.) یعنی اگر آغاز زیارت با وراثت آدم است، به دلیل این است که آغاز دنیا و حیات بشری انسان بر زمین با حضرت آدم است پس تاریخ بشر با تاریخ انبیا شروع می‌شود. و آن‌گاه از باب ضرورت وجود رهبر آسمانی، زائر می‌پذیرد که این ضرورت مستمر و مداوم است تا زمانی که اهل دنیا وجود داشته باشند، پس پایان تاریخ با امامی از ذریهٔ حسین است که زائر متعهد به پیروی از او، همانند پیروی اصحاب الحسین از حسین 7 بشود.

ایده‌های تربیتی :

این بخش از شخصیت شناسی امام در هر سه مرحلهٔ خود تأکید دارد که شرط دین داری، داشتن امام و الگو و ضرورت همانندی با آن الگو و اسوه می‌باشد و این‌که دین و تدین به شعار و محبت صرف نیست و بدون تقوی و عمل، ادعای حسینی بودن کفایت نمی‌کند. و گرنه جملهٔ حجت بودن امامان بی معنی می‌گردد از سوی دیگر باید بدانیم چه ما بخواهیم یا نخواهیم اهل بیت، حجت علی اهل الدنیا هستند، پس ما مکلف به الگو گیری هستیم و بهانهٔ ندانستن، غفلت و... پذیرفته نیست.

(و این همان بحث کلامی است که آیا کفار مکلف به فروع دین هستند یا نه؟ و دلیل عدم تکلف این است که چون کافر هستند، پس تکلیفی به فروع دین

ندارند؟ بحثی که ثمره آن بعدها در محاسبه و عذاب آن‌ها به واسطه ترک اعمال و فروغ دین ظاهر می‌شود.

ولی به ضرورت فقه همه علما به اتفاق می‌گویند: کفار مکلف به فروغ دین هستند، اگر چه کافر باشند، چرا که دین حجت بر همه است و کفر عالمانه و عامدانه رفع تکلیف نمی‌کند و بهانه نمی‌شود؛ حال که چنین است پس باید بدانیم که اهل بیت حجت هستند و انسان موفق کسی است که از این حجت‌ها و نشانه‌های او، آگاهانه استفاده کند و گرنه در فردای دنی و آخرت خواهی نخواهی باید پاسخگوی فرصت‌سوزی‌های فردی و اجتماعی و تاریخی خود باشد.

ایده مقتل :

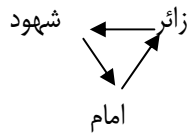
بنابر برخی نقل‌های متأخر از جلوه‌های یاری و استنصار طلبی سیدالشهدا در لحظات آخر عمرش در کربلا، استنصار جویی به فرزندش امام مهدی بود و یا این که امام در شب عاشورا و موقع وداع با امام سجاد تأکید دارد که در این خیمه گاه هیچ مردی جز من و تو نمی‌باشد و باقی ماندن تو برای استمرار نسل امامت ضروری است و تو باید بمانی و تحمل نماید تا امامت استمرار یابد.

۱۵. وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَانْبِيَائَهُ وَرُسُلَهُ، أَنِّي بَكَم مَوْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مَوْقِنٌ
بشرايع دینی و خواتیم عملی و قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متبع:

این فراز آخرین و مهم‌ترین گام از شهادت‌های زائر است، چرا که شهادت‌های قبلی همه شهادت‌های سلوکی و معرفتی زائر در متن زیارت بود تا به واسطه آن‌ها به ارتقای بینش خود پردازد، ولی این شهادت در پایان زیارت، شهادت در شکل قسم خوردن است که هدف آن انجام بیعت و عهد و پیمانی بسیار محکم با امام است، چرا که در این فراز زائر برای اثبات مدعایش که ایمان و پیمان مستقیم است، پای مهم‌ترین گواهان عالم وجود را به میان می‌آورد، برای فهم بهتر این فراز ابتدا باید با ساختار و روند حاکم بر آن آشنا شد که شامل دو مرحله می‌باشد:

ساختار شهادت دادن

این ساختار ساختاری مثلثی است بین زائر، امام و شهود صحنه بدین گونه که:



و شهود صحنه خداوند، همگی فرشتگان، انبیا و رسولان (پیامبران الوعزم و غیر الوعزم) می‌باشند.

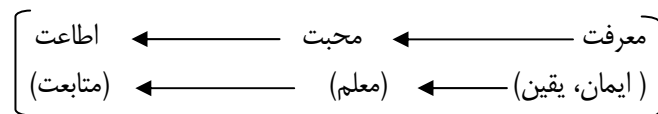
و البته سرآمد پیامبران، همان پیامبران الوالعزم و حضرت آدم هستند که حسین وارث آن هاست و با آن‌ها پیوندی عمیق دارد. حالا همان‌ها می‌خواهند در پیشگاه سیدالشهدا، شاهدان بیعت و قسم من باشند.

ساختار شهادت داده شده‌ها :

این مرحله شامل مواردی است که شاهد بر آن‌ها شهادت می‌دهد که اتفاقاً چون این شهادت در رابطه زائر با مزور (امام) است و پیوند و نسبتی که زائر می‌خواهد با امام ایجاد کند، بدین جهت شهادتی است سه رکنی و سه جزئی که به اعتبار تعدد شهادت‌ها به شکل زیر می‌باشد :

متعلق شهادت	امام (سیدالشهدا)	من (خودم)
مؤمن (ایمان)	بِکُمْ (شما)	إِنِّي (من)
موقن (یقین)	بِإِيَابِكُمْ (بازگشت شما)	(إِنِّي) = من
سَلِّمْ	لِقَلْبِكُمْ	قلبی
مُتَّبِعٌ	لِأَمْرِكُمْ	أمری

البته متعلق شهادت‌ها اگر چه چهار مورد است، ولی در حقیقت از روند سه گانه زیر متابعت می‌کند :



بدین جهت بیعت و شهادتی که زائر می‌دهد، بیعت و شهادتی بسیار کامل و جامع است و در حقیقت تلاشی است جامع برای همانندی، بهره‌مندی و الگوگیری حداکثری از امام خود در تمام ابعاد وجود و زندگی خود.

یک نکته :

سرّ دو گانه شدن معرفت و یقین چیست ؟

و عبارت، بشرایع دینی و خواتیم عملی به چه معنایی می‌باشد ؟
 بر طبق تعریف مباحث دینی و ابعاد سه گانه آن (معرفت، ایمان، اطاعت)
 می‌بایست این جدول 3×3 می‌شد، ولی علت 3×4 شدن آن به خاطر اهمیت
 باور داشت مهمی دیگر نسبت به امام حسین می‌باشد که بر زندگی زائر تأثیری
 مهم خواهد داشت.
 و آن مسئله رجعت است.

رجعت به معنی بازگشت دوباره اهل بیت به کره خاکی پس از دوران ظهور،
 امامت و خلافت دوباره امامان می‌باشد، با این نگاه در حقیقت دوران ظهور در
 سیر تاریخی بشریت و برزخی است بین دوران غیبت و دوران رجعت، چرا که
 ظهور دورانی است که امام زمان در آن دوران می‌بایست ابتدا به حذف زمینه‌های
 باطل، ظلم، طغیان گری، گمراهی و بی عدالتی پرداخته و آن گاه بسترهای رشد
 توحیدی، معنوی و دنیوی بشریت را بر اساس دین جامع و کامل اسلام فراهم
 نماید و آن گاه که تمدن جهانی دینی با آن جهش‌های دنیوی خود که مبتنی بر
 هماهنگی جسم، روح، دین و دنیا را ایجاد کند، آن گاه مأموریت امام زمان به
 پایان می‌رسد و باید آن دوران را به دوران رجعت منتقل نماید و در حقیقت
 رجعت اوج و بازتاب دوران پایانی ظهور است.

و تفاوت دوران ظهور و رجعت در این است که دوران ظهور دوران بهشت
 زمینی است (ولی این بهشت تنها برای مردمان زمان ظهور می‌باشد) در حالی که
 رجعت یعنی بازگشت مؤمنان خالص از سراسر دوران‌های تاریخی از آدم و خاتم
 تا دوران ظهور است (البته کفار، مشرکین و منافقین خالص و مانع‌های تاریخی
 حق هم باز می‌گردند تا به انتقام و کیفر زمینی سختی برسند) و هدف از این
 بازگشت این است که اولیا و مؤمنانی که در حیات زمینی اولیه خود به واسطه
 موانع بسیار فرصت رشد، شکوفایی، تعالی استعدادها و اوج بهره‌مندی دنیوی را

نیافتند، اینک در فضایی ترکیبی از معنویت توحیدی و لذت‌های میاح دنیوی به اوج بهشت زمینی که آرزوی آدم پس از هیبوطش بود، برسند.

با این نگاه سرّ اختلاف فراوان روایات در مدت عمر و حکومت امام مهدی (که غالباً هم چندان طولانی نیست) مشخص می‌گردد، چرا که بر خلاف حکومت هزار ساله مسیح، از دیدگاه مسیحیت و یا حکومت یک عمر طبیعی انسانی برای مهدی اهل سنت، مهدی شیعه، دوران ظهورش زمینه سازی است برای دوران رجعت که طول زمان دوران رجعت از تمامی تاریخ حیات بشر از آغاز تا دوران ظهور بسیار بیش‌تر خواهد بود.

و جالب است که اولین امامی که در آغاز رجعت برای سرپرستی جهان هستی در این دوره ویژه باز می‌گردد تا جانشین امام مهدی بگردد، امام حسین 7 است، همین نکته سرّ اهمیت رجعت و اشاره ضمنی به آن در زیارات حسینی در کنار آرزو و دعاهاى فراوان برای ظهور امام زمان 4 می‌باشد.

پس از دقت در این مطالب مهم، اینک دوباره به متن زیارت باز می‌گردیم تا به واشکافی مراد و مفهوم آن پردازیم:

در این فراز بیعت گونه از زیارت دو مورد از موارد معرفتی آورده شده است: اولی، موردی طبیعی است؛ یعنی ایمان به اصل امامت اهل بیت (حسین، اجدادش و ذریه معصومش) که در ضمن، ایمان به چهار اصول دیگر دین هم می‌باشد. دومی، ایمان به رجعت است؛ چرا که تصریح می‌کند (بایابکم) و این بازگشت که بازگشت تمام اهل بیت است، محل و مکان می‌خواهد، ظاهراً محلّ تحقق آن همین کره خاکی است و البته زمان آن در آینده می‌باشد و این همان رجعت است که از امتیازات خاص و مهم شیعه و طرحی بسیار جالب، منطقی و عادلانه برای پایان تاریخ است.

ولی نکته مهم فهم دو جمله بشرايع دینی و خواتیم عملی است : این دو جمله هم که جار و مجرور و متعلق به همین کلمه موقن است، اشاره به دو نکته مهم در راستای رجعت دارد، بدین گونه که :

بشرايع دينی :

يعنی اعتقاد به رجعت، عنوان مدرکش و ریشه‌اش همین شریعت‌ها و قانون و مقررات دینم است، یعنی اگر دین تشیع، دین عقل و عدل است، هر دوی این‌ها حکم می‌کنند که این فلسفه تاریخ که از آدم و آرزوی بهشت شروع شده، باید بر روی همین زمین به بهشت زمینی برسد و البته اگر این آرزوی تمام مؤمنان، فقط برای مؤمنان دوران امام زمان باشد، این مخالف عدالت است، پس این آرزوی فطری، تحقق فطری هم می‌خواهد و این یعنی همان رجعت.

بخواتيم عملی :

این جمله به احتمال زیاد در مقام نتیجه‌گیری است. یعنی می‌گوید حال که رجعت اثبات شده و بر طبق عقل و نقل مکتب ما ضروری است، پس من هم با خاتمه بخشی به خیر در اعمالم سعی می‌کنم عملاً هم باورمندی و پایبندی خود را به رجعت نشان دهم.

یعنی من هم چون به ایاب و بازگشت شما موقن هستم، پس سعی می‌کنم خاتمه و عاقبت اعمالم خیر باشد تا من هم رجعت را درک کنم، پس همین تلاش برای عاقبت و خاتمه به خیری اعمالم، نشانی دیگر بر اعتقاد به رجعت می‌باشد. و این عمل‌گرایی با رویکرد امید به رجعتی که آغازش با خلافت و ولایت مطلقه امام حسین 7 می‌باشد می‌تواند مهم‌ترین بازباب عملی زیارات حسینی برای زائر باشد.

تحليل و جمع بندی این فراز :

خلاصه سخن این که این فراز از زیارت وارث گویا چکیده دعای عهد، ولی با قرائت عاشورایی آن می‌باشد. در این فراز زائر، پیمانی (معرفتی، محبتی و عملی) با امام می‌بندد و بر آن خداوند، ملائکه و پیامبران را هم شاهد می‌گیرد و گویا با این کار خود، برنامه و تلاشی دو گانه و دو سویه انجام می‌دهد؛ از یک سو از

خود مایه می‌گذارد و تعهد می‌دهد که این سه جهت وجودی خود را در اختیار مکتب اهل بیت قرار دهد، ولی به شرطی که از سوی دیگر هم، اهل بیت و امام حسین متعهد شوند که به هنگام رجعت خود، او را برای بهره‌مندی از آن بهشت زمینی و حسینی باز گردانند.^۱

ایده‌های تربیتی :

زائر واقعی کسی است که نه تنها پیوسته عمل‌گرا و شریعت‌گرا باشد، بلکه به خاتمۀ عمل و حسن عاقبت خود اهتمام داشته و دارد تا بدین گونه تلاش نماید یک عمر نیکوکاری خود را نه تنها به هدر ندهد (و حبط عمل ننماید) بلکه بزرگ‌ترین معاملۀ دنیوی را با آن انجام دهد و آن این‌که چون رجعت برای مؤمنان خالص است با عمل‌گرایی خالصانه، نام خود را در لیست رجعت‌کنندگان ثبت نماید و در ردیف اصحاب الحسین (و اصحاب المهدی) جزو رجعت‌کنندگان باشد و به فیض زندگی دنیوی بسیار زیبا متعالی همراه آن‌ها توفیق یابد.

و این نکته می‌تواند معنا و تفسیر دنیوی و زمینی این جمله باشد که در اغلب زیارات حسینی به عنوان زبان حال زائر درباره‌ی شهدای کربلا وجود دارد:

«فِيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ مَعَكُمْ». «ای کاش با شما بودم تا همراه شما به رستگاری می‌رسیدم».

ایده‌های مقتل :

جمله: «أَمْرِي لَأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ» از جلوه‌های بارز آن اصحاب الحسین می‌باشند،

۱. درباره‌ی رجعت به منابع زیر رجوع کنید: بحار الانوار ج ۵۳، فصل رجعت، تفسیر نمونه ج ۱۵، ص ۵۵۵، سفینه البحار ماده رجعت.

آن‌ها که وقتی با کسب اجازه از محضر امام در پیش روی امام به رزم می‌پرداختند، در آخرین لحظه سؤالی از امام داشتند که «أَوْفَيْتُ»: آیا به عهد و پیمان خود با شما وفا نمودم؟ و امام با چشمان اشکبار فرمودند بلی. شهیدایی همانند سعید بن عبدالله و عمرو بن قرظله انصاری و ...

۱۶. صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و علی اجسادکم و علی اجسامکم
و علی شاهدکم و علی غایتکم و علی ظاهرکم و علی باطنکم.

این فراز آخرین فراز وارث و تنها فراز صلوات می باشد. در آغاز از جهت لغت و اصطلاح، مفهوم شناسی واژه‌ها ارائه می گردد و آن گاه شرح اجمالی این فراز پایانی ارائه می شود:

الف) مفهوم شناسی واژه‌ها :

واژه صلوات :

الصلاة: ای الثناء التعظیم و الانعطف

فصلاته تعالی (علی النبی) انعطافه علیه بالرحمة انعطافا مطلقا لم یقیّد بشی؛ درودی که با قصد عظمت و بزرگی باشد پس صلوات خداوند بر پیامبر توجه ویژه خداوند به پیامبر بر اساس رحمت می باشد توجه و بذل عنایتی که مطلق و بدون هیچ قیدی می باشد.^۱
و القمی (تفسیر قمی) قال: و صلاة الناس دعائهم له و التصدیق و

۱. المیزان ج ۱۶، ص ۳۳۸.

الاقرار بفضله و قوله؛ درود مردم دعای مردم است برای پیامبر و پذیرفتن و اقراری است به فضائل و سخنان آن حضرت.^۱

امام کاظم: انه سُئِلَ ما معنى صلاة الله و صلاة الملائكة و صلاة المومن؟
قال: صلاة الله رحمة من الله و صلاة الملائكة تزكية منهم له و صلاة المومنين دعاء منهم له؛ از امام کاظم سؤال شد که معنی صلاة خداوند و ملائکه و مؤمن بر پیامبر به چه معنی است؟ حضرت فرمود: صلوات خداوند نزول رحمت است از سوی او، صلوات فرشتگان تزکیه و پاکیزگی طلبی‌ای است از آن‌ها برای پیامبر و صلوات مؤمنان دعائی است از آن‌ها برای پیامبر^۲
پس صلوات خداوند ارسال و اعطا رحمت است و صلوات ملائکه و انسان‌ها، طلب و دعا برای نزول رحمت خداوندی به پیامبر ۶ است.

بدین جهت جمله صلوات الله علیکم در پایان زیارت دو دلالت دارد: دلالت مطابقی آن صلوات خداوند است؛ یعنی خداوند رحمتش را به سوی شما اهل بیت ارسال کند، ولی چون این جمله را زائر می‌خواند، می‌تواند دعای زائر البته از منظر خداوندی باشد که در این صورت دعا برای ارسال رحمت خداوندی می‌شود.

جسد و جسم:

جسد اخص از جسم است و فقط (و یا غالباً) به جسم انسانی و بدن او اطلاق می‌شود (اگر چه بعدها به بدن همه موجودات جاندار که روح از آن‌ها جدا شده باشد هم اطلاق شده است)

با این نگاه مراد و مفهوم از این فراز چنین است:

۱. تفسیر صافی ج ۴، ص ۲۰۲.
۲. ثواب الاعمال ص ۱۵۶ و تفسیر صافی ج ۴، ص ۲۰۰.

فراز پایانی زیارت، صلوات زائر است که در حقیقت دعای پایانی زائر می‌باشد.

و متعلق این صلوات اگر چه در ابتدا کلی است (علیکم) ولی با واو تفسیر بلافاصله به دو بخش و مرحله تقسیم می‌گردد که عبارتند از: ابعاد وجودی امام و ابعاد وجودی امامت می‌باشند مرحله اول؛ صلوات در دایره ابعاد وجودی امام (حسین) صلوات بر روح و جسم (و جسد) امام است که البته به صورت جمع آمده است و می‌تواند ناظر به شجره طیبه و نسل امامت باشد که در متن زیارت به آن‌ها اشاره شده است. در این مرحله، زیارت تأکید دارد که پس از فاجعه شهادت امام، هم روح واقعیت و حقیقت دارد و هم جسم و جسد؛ البته با شهادت امام و شهدا بین این روح و جسم فاصله افتاده است، ولی تقدس، طهارت، اثر و برکت برای هر دو هم چنان باقی است، پس باید برای هر دو دعا و صلوات فرستاد.

مرحله دوم: صلوات در دایره ابعاد وجودی امامت، صلوات بر شاهد، غایب، ظاهر و باطن امامت است و این به معنی پایان بندی زیارت با تأکید بر مبحث مهدویت است. چرا که اگر چه در متن زیارت در مواردی همانند جمله (انّ الائمه من وُلدک) بر استمرار امامت در زیارت تأکید شده بود، ولی دایره پایانی آن مشخص نشده بود، ولی در مرحله پایانی زیارت با آوردن واژه غایب (و بدل آن که کلمه باطن باشد) به گونه‌ای مشخص به آخرین امام که غایب هم است، تصریح دارد و بدین گونه سیر فلسفه تاریخی دعا را که از آدم شروع کرده بود و در کانون آن به قیام و حماسه سرخ حسینی رسانده بود، با رساندن به امام غایب به پایان می‌برد.

البته همین کلمه غایب هم دلالت دارد که این وضعیت فعلی و موقت برای امام مهدی است که نباید ماندگار باشد و باید این غیبت هم تبدیل به همان وضعیت شهود و ظهور بگردد.

ب) صلوات زائر و دامنه آن :

زیارتنامه‌ها غالباً با حمد و ثنا و یا دعا و صلوات به پایان می‌رسند و در این زیارت فراز پایانی، صلوات است که درباره این سلوک پایانی زائر با صلوات می‌توان چند نکته را متعرض شد :

۱- زیارت وارث با سلام شروع شد و با صلوات پایان یافت. در فارسی سلام و صلوات را غالباً مترادف و هم معنا می‌گیرند (درود و رحمت) ولی آیا تفاوتی بین آن‌ها هست ؟ و اصلاً چرا در آیه صلوات (۵۶ احزاب) در روندی معکوس اول صلوات را آورده بعد تسلیم را ؟ در این زمینه روایتی علوی بسیار گویاست :

عن امیرالمؤمنین 7 (در ذیل آیه صلوات) :

لهذه الایه ظاهرو باطن فالظاهر قوله (صلّوا علیه) و الباطن قوله (سلموا تسلیماً) ای سلموا لمنّ وصا و استخلفه علیکم فضله و ما عهد به الیه تسلیماً؛ برای این آیه ظاهری و باطنی است اما ظاهرش پس همان جمله صلّوا علیه است و باطن آن جمله سلموا تسلیماً است و معنی این باطن این است که تسلیم و مطیع وصی رسول که جانشین او به واسطه فضیلتش در میان شما است بشوید و عهدی را پیامبر به آن وصی‌اش سپرده است را بپذیرید.

با این نگاه سلام به معنی سلم، تسلیم و موضع‌گیری پذیرش و قبول است و صلوات دعای رحمت است. با این نگاه زیارت با تسلیم شروع می‌گردد و پس از سیر سلمی خود که به کسب معرفت می‌انجامد، به مرحله شهود، اقرار و ایمان می‌رسد و در ضمن اقرار و ایمان، لعن یعنی دعای به نفرین صورت می‌گیرد و آن گاه پایان بندی را با دعایی جامع از سوی زائر انجام می‌دهد.

۲- صلوات درباره امام، هم مشتمل بر روح امام است، هم بر جسد امام و هر دو را منشأ اثر و برکت می‌داند و این ردی است بر فرقه‌هایی همانند وهابیت که

جسم معصوم را پس از رحلت یا شهادت همانند دیگر اجسام بی‌اثر و بی‌خاصیت می‌دانند. و برای آن هیچ خیر و برکتی قائل نمی‌باشند. این صلوات مشترک بیانگر این است که جسم امام حتی پس از جدایی از روح باعث خیرات، برکات و کرامات است و گویا با شهادت ولی معصوم روح بلندش به آسمان‌ها رفته تا باعث خیر و برکت در عالم برزخ و عالم ملکوت آسمان‌ها باشد و جسمش برای عالم خاکی، زمین و زمینی‌ها می‌ماند تا کیمیا اثر برای مؤمنان و متوسلان باشد. صلوات را با دعای برای امام حسین و امامت به پایان می‌برد تا مبادا دعا با جمود بر امام حسین ابر بماند و همانند فرقه‌های زیدی، اسماعیلی و چند امامی، زائر به استمرار امامت نرسد و زحمات متن دعا در حاشیه قرار بگیرد. بدین جهت با این دعای پایانی پیوند عاشورا و انتظار را به ویژه برای دوران غیبت امام غایب یادآور می‌گردد و گویا اشاره ای دارد بر این که زیارت وارث، زیارت دوران غیبت است و با ظهور منتقم خون حسین، دیگر جایی برای آرزوی دعا برای غایب نخواهد بود.

ایده‌های تربیتی :

- رابطه‌یابی بین مؤتور بودن (تنهایی) سیدالشهدا در کربلا و تحقق غیبت برای امام مهدی 4 می‌تواند برای زائر تأمل برانگیز باشد چرا که زائر می‌تواند با این دو حادثه و استمرار و یا عدم استمرار آن‌ها نسبتی داشته باشد و از این منظر توجه به این نکته ضروری است که انس با زیارات چگونه می‌توان باعث ارتقای معرفت و تصحیح و اخلاص بیش‌تر اعمال شده و زائر را به سوی «و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعته^۱، بارالها قرار بده مرا از یاران و یاوران و پیروان و رهروان امام زمان» رهنمون گرداند.

۱. مفاتیح الجنان / باب زیارات / زیارت حضرت صاحب الامر / فراز پایانی.

پایان بندی این زیارت با دعاست از جهت این‌که مستحب است اعمال عبادی را با دعا به پایان برد و بهترین و والاترین دعا، دعا برای انسان کامل آن هم به گونه‌ای است که بازتاب آن، هم برای خودمان و هم جهانی باشد، یعنی همگان از فیض آن بهره‌مند گردند (و اکثرُوا الدعا لتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم؛ و بسیاری برای تعجیل در فرج دعا نمایند که آن گشایش خود شما هم هست) و این یعنی حسن ختام زیارت با دعای فرج و اوج پیوند عاشورا و انتظار.

ایده‌های مقتل :

روضه‌های تشرفات معتبری که در آن امام زمان به زیارت از راه دور یا نزدیک جدّ خود امام حسین پرداخته و با سوز و گداز زیارت جدّ خود را خوانده است، همانند تشریف حاج علی بغدادی^۲ که در آن امام حاج علی را شب جمعه به حرم کاظمین می‌برد و در آن حرم پس از زیارت امامین کاظمین، از همان جا جدّشان را (از راه دور)، با خواندن زیارت وارث زیارت می‌نماید. (و با خواندن این زیارت در سلام‌ها، لعن‌ها، شهادت‌ها و دعاهایش با دیگر زوآر همراه می‌شود؛ البته زیارت خوانی امام و عمق اراده معانی از آن حضرت کجا و زیارت خوانی ما کجا؟)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲. رک : مفاتیح الجنان پس از زیارت کاظمین.

